

مرده ده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامیدهند و بهترین آنها پیر و نبی سکنند

پرسشها از دکتر حسن رضائی و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی بخش دوم

در ادامه نقد عمومی نظرهایی که در مقدمه بر پرسشها عنوان شده اند چند نکته دیگر باید افزود:

۱. در بخش پیشین این مطالعه (نقد شماره ۴)، خاطر نشان کردم که کلام متناقض را عقل قدرتمند صادر می کند. اینک بر آن می افزایم که متناقض، صفت سخن دروغ است. راست، سخن خالی از تناقض است. دروغ در حقیقت زبان رسمی قدرت است. از این رو، هیچ بیان قدرتی که خالی از تناقض باشد وجود ندارد. بر این اساس، اگر قرآن را بیان قدرت گمان بریم، نزاع بر سر زمان (زمان دریافت و ابلاغ وحی) و مکان (جامعه عربستان آن زمان)، مشکل را حل نمی کند. در حقیقت، از زمانی که اسلام، به مثابه بیان آزادی، در اسلام بمثابه بیان قدرت از خود بیگانه شد، نزاع کهنه و نو در جهان مسلمانان نزاعی دائمی گشت و تا بخواهی فرقه ها و انواع تضادها پدید آورد. در حال حاضر نیز، در جهان مسلمانان همچنان میان بیان قدرت قدیم (اسلام فقهاتی) و این یا آن بیان قدرت جدید، نزاع برقرار است. از سوی دیگر، نزاع بر سر راست و دروغ، با حق و باطل هم نیست. چرا که اگر نزاع بر سر حق و باطل بود، لاجرم دانسته می شد که حق، هستی شمول است و این دروغ و ناحق هستند که به قید زمان و مکان محدود می شوند. با وجود تصریح قرآن بر این که کلام حق است و با وجود این که کذابان را یکی از چهار گروهی می شمارد که از رحمت و آموزش خداوندی برخوردار نمی شوند، دو طرف نزاع به سراغ قرآن بمثابه بیان حقوق نرفته اند و هنوز نیز نمی روند. آیا این شکفت آور نیست؟

با آنکه در غرب، پاره ای از اهل خرد هم اکنون پی برده اند که عقل توجیه گر، آنها را به بن بست کشانده است و زمانه کنونی را زمانه ورشکست ایدئولوژی ها می خوانند و این خود فرصتی است برای آزاد کردن عقل و باز یافتن بیان آزادی، در جهان مسلمانان همچنان عقل در مدار بسته ناشی از نزاع میان جانبداران «کهنه» و طرفداران «نو» گرفتار است. همین بحث در مورد قرآن به این گونه که از سوی بسیاری در حال طرح است خود گواه این واقعیت است. برای مثال، «نوگرا» می گوید: در قرآن، از حقوق انسان خبری نیست و «کهنه گرا» می گوید: در قرآن تکالیف انسان بر شمرده شده اند. فرق این دو قول در چیست؟ «کهنه گرا» نمی داند و یا نمی خواهد بداند که تکلیف، همانا عمل به حق است نه چیز دیگری. اگر در قرآن فهرست کاملی از حقوق نباشد و تنها تکالیف خارج از حق در آن فهرست شده باشند، بی درنگ باید گفت کلام خدا نیست، کلام فرعون است و بیانگر سلطه. و «نوگرا» از خود نمی پرسد: اگر در قرآن حقوق انسان اصل نیست، از یک سو، و حقوق هر موجود زنده هم ذاتی او می باشد، از سوی دیگر، پس باید گفت قرآن بکار زندگی انسان حقوق مدار نمی آید و روشی نیست که به انسان امکان بدهد استعدادهای خویش را به نحو هماهنگ، فعال کند. بنا بر این، در واقع، چنین قرآنی بکار رشد نمی آید.

در صفحه ۲

# انقلاب اسلامی

شماره ۶۹۵ از ۲۶ فروردین تا ۸ اردیبهشت ۱۳۸۷

## اعتیاد به مجاز

◀ در استبداد، شکستهای بزرگ پیروزی بزرگ می شوند: ص ۳

◀ شکست خامنه ای و حکومت دست ساخت او در انتخابات قلابی مجلس هشتم: ص ۴

◀ خامنه ای و حزب سیاسی مسلح، آماده برخورد با امریکا

یا معامله با غرب می شوند؟ ص ۵

◀ پیشینه سران حزب سیاسی مسلح: ص ۷

◀ معامله یا منازعه؟ - جنگ شیعه با شیعه؟ دیکتاتوری بنام لائیسیتته و...: ص ۹

◀ بحران سامانه ای همه جانبه در امریکا و بحران تورم

و بیکاری و فقر در ایران: ص ۱۲

◀ دانشجویان و روزنامه نگاران و زنان همچنان قربانیان سرکوبها هستند: ص ۱۳

## فریدون آدمیت در گذشت

دکتر فریدون آدمیت مورخ و پژوهشگر تاریخ مشروطه ایران بر اثر بیماری گوارشی و تنفسی در دهم فروردین در سن ۸۷ سالگی در بیمارستان تهران کلینیک جهان را بدرود گفت.

آدمیت در سال ۱۳۲۱ در رشته حقوق و علوم سیاسی فارغ التحصیل شد. پایان نامه دانشگاهی آدمیت به بررسی زندگی سیاسی میرزا تقی خان امیرکبیر اختصاص یافت؛ این اثر «هنوز پس از ۶۳ سال از انتشارش در شناخت امیرکبیر و عصر او» یکی از مراجع مهم پژوهش و تحقیق است. او مدتی دبیر سفارت ایران در لندن بود و بعد از پنج سال تحصیل در رشته تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی در سال ۱۹۴۱ به درجه دکترا در این شهر دست یافت.

آدمیت در سال ۱۳۳۰ در ماموریت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد و سپس وزیر مختاری در همان جا تعیین شد. پس از بازگشت از سازمان ملل در مهر ماه ۱۳۳۹ سفیر ایران در لاهه و دو سال بعد سفیر ایران در هندوستان شد. در کنار این فعالیت ها، دکتر آدمیت ۲۰ سال داور بین المللی در «دیوان دائمی حکمیت» دادگاه لاهه را داشت.

او به دلیل مخالفت با مواضع دولت وقت و انتشار نامه ای در مخالفت با جدایی بحرین از ایران، زودتر از موعد در سن ۴۲ سالگی بازنشسته شد.

دکتر فریدون آدمیت از سال ۱۳۴۴ تمام وقت خود را صرف مطالعه و تحقیق در عصر مشروطیت کرد و در طی بیش از ۲۰ سال فعالیت، منورالفکران عصر مشروطه و مهم ترین حوادث سیاسی اجتماعی دوران آغازین تاریخ ایران مدرن را در بیش از ۲۵ عنوان کتاب و مقاله تالیف و منتشر کرد.

«فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت»، «اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی»، «اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده»، «اندیشه های طالبوف تبریزی»، «اندیشه ترقی و حکومت قانون»، «فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران»، «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران» از جمله آثار آدمیت است.

در صفحه ۳

محمد جعفری

## امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۳

هدف از رسالت انبیاء

خدای متعال به صراحت هر چه تمامتر، هدف از رسالت انبیاء و رسولان خویش را در قرآن بیان فرموده است: و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدا لله و اجتنبوا الطاغوت فمنهم من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلالة فیسروا فی الارض فنظروا کیف کان من المکذبین  
" میان هر امتی پیغمبری را برانگیختیم که خدا را بپرستید و از طاغوت [ظلمیان] گره کناره کنید، بعضیشان را خدا هدایت کرد و بعضی دیگرشان، ضلالت برایشان مقرر گشت، در زمین بگردید و بگردید سر انجام تکذیب کنان چسان بود." ۶۳  
بعثت پیامبران برای رفع ستم و تصحیح قضاوت بگونه ای که بر کسی ستم نرود.

در صفحه ۱۴



حتی اگر کسانی حقوق انسان را حقوق وضعی بشمارند و قائل شوند که این نوع حقوق هم در قرآن نیامده اند، باز اگر فرض کنیم این حقوق لازمه رشد انسان اند، قرآنی که بیانگر این حقوق نیست به چه کار می آید؟ ممکن است «نوگراها» مدعی شوند بکار توجه به خدا و خدا پرستی می آید. دورتر، توضیح خواهیم داد با غفلت از کدام واقعیتها این توجیه ساخته شده است و چرا چنین قرآنی حتی بکار روی آوردن به خدا و خداپرستی نیز نمی آید.

۲. عقلهای توجیه گر از این امر که دلیل حقانیت حق در خود حق است و نه در بیرون آن (خواه گوینده و یا غیر او) غفلت می کنند. وقتی معیار این است که «چون حق است خدا می گوید و نه چون خدا می گوید حق است»، پس می باید به سراغ قرآن رفت و دید حق هست یا نیست؟ در حال حاضر، یک طرف می گوید: قرآن کلام خدا است و طرف دیگر می گوید: کلام پیامبر است (نزد برخی هم لفظ و هم معنا و نزد برخی دیگر مضمون از خدا و به معنی و لفظ در آوردن از پیامبر). پیش از این توضیح دادم که عقلهای توجیه گر، بر اساس اصل راهنمای خود و نه بر اساس اصول راهنمایی که قرآن تعریفشان می کند و با اتخاذ روش خاص خود، و باز نه روشی که ترجمان اصول راهنمایی هستند که قرآن تعریفشان می کند، این یا آن توجیه را می سازند. بدیهی است عقل توجیه گر نمی تواند دلیل را در موضوعی ببیند که می خواهد قبول یا رد آن را توجیه کند. در بیرون از موضوع است که به دنبال دلیل می رود و آن را در مطلوب ذهنی خود می جوید. برای مثال، یکی چون پیشاپیش خشونت را سرشت انسان انگاشته است، آیه های قرآن را با این انگاره (پیش فرض) سنجیده و در آیه دخل و تصرف می کند تا آن را با انگاره خود سازگار کند. مفسر دیگری از آنجا که پیشاپیش تعیین کرده است که مخالف خشونت است، می آید قرآن را با این اصل پیشینی می سنجد. این دو مفسر ممکن است یکی از این حکم ها را در باره قبول یا رد شدن خشونت گرائی در قرآن، صادر کنند: یا می گویند: قرآن روش بکار بردن خشونت است، یا می گویند: آن آیه ها که مسلمانها را به جنگ بر می انگیزند مربوط به دورانی هستند که انسانها رشد نکرده بودند و خشونت گرائی ارزش بود و یا اینکه می گویند: آیه ها مربوط به دوران گذار هستند و ما هنوز در این دوران هستیم و نظائر این توجیهات. ولی روش عقل آزاد که دلیل را در موضوع می جوید و پیشاپیش نظری را نمی پذیرد تا بر متن تحمیل و آن را با مطلوب خود سازگار کند، این گونه نیست. روش عقل آزاد این است که خویشتن را با خود انتقادی مستمر تا حد امکان از این و آن پندار آزاد می کند و می کوشد دلیل هر حکم قرآنی را در خود آن حکم بجوید. یعنی اجازه می دهد قرآن خودش سخن بگوید.

۳. عقل توجیه گر از این واقعیت نیز غافل می شود که حقوق، مجموعه ای همساز را تشکیل می دهند. بنا بر این، هرگاه بخشی از قرآن را (برای مثال آنچه به رابطه انسان با خدا برمی گردد) حق و بخشی دیگر (برای مثال احکام جزایی آن) را دست کم آمیخته ای از حق و ناحق بدانیم، ناگزیر پذیرفته ایم که این دو بخش یک مجموعه منسجم و هماهنگ نمی سازند. یا برای مثال، هرگاه بر این نظر شویم که بخشی از قرآن با علم روز سازگار نیست، با این پندار چگونه می توانیم بگوئیم از سویی قرآن مکرر انسانها را به علم جستن می خواند و از آن سو، بخشی از آن مغایر علم است؟ بالاخره انسان امروزی می بایستی با علم روی به خدا آورد یا با جهل؟

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - بخش دوم

این ادعا که بخشهایی از قرآن با علم نمی سازد تناقضهای دیگری نیز در بردارد. از جمله؛ ۱/۳ کتابی که در آنچه به انسان و دیگر آفریده های قابل شناخت مربوط می شود، بر خطا است، چگونه ممکن است در خداشناسی بر صواب باشد؟ ۲/۳. انسانی که دانش می آموزد و در می یابد بخشی از قرآن با علم سازگار نیست، چگونه بتواند خدای نادان را بپرستد؟ ۳/۳. هرگاه گفته شود خداوند علم محض است و وحی او نیز علم است اما پیامبر از درک «مضمون» وحی ناتوان و علم را به جهل برگردانده است، اولاً، قرآن دیگر به چه کار می آید؟ و ثانیاً، خدائی که از میان همه آفریده های خود نتوانسته است انسانی را برگزیند که توانا به درک پیام او باشد چرا در خور پرستش است؟ چنین قرآنی به چه کار انسان می آید و چگونه می توان قول چنین پیامبری را پذیرفت وقتی می گوید به او وحی می شود؟

۴/۳ از جهل به علم راه نیست. روش رسیدن به علم، علم است همتاگونه که روش رسیدن به حق، حق است. هرگاه فرض این باشد که هدف قرآن متوجه ساختن انسان به خداست، به تربیتی که او زندگی خویش را بر اساس رابطه با خدا تنظیم کند (که موازنه عدمی همین است)، ناگزیر روش درخوری این هدف را باید بشناساند تا بکار رود. به سخن دیگر، بخشهای مختلف قرآن می باید مجموعه ای پدید آورند تا که انسان با روش کردن رهنمودهای آن، رابطه با خدا (=عمل به حقوق) را اساس زندگی خود و میزانی برای رابطه اش با انسانها و آفریده های دیگر کند. اگر انسان شناسی قرآن و روشهای پیشنهادی آن برای توجه به خدا، بر خطا باشند، آنگاه معرفت به خدا و شناختن مقام انسان و خدا پرستی و تنظیم رابطه ها بر پایه رابطه با خدا نا ممکن می شوند.

۵. معرفتی که عقل توجیه گر کسب می کند اگر تکوینی همه ظن، دست کم آمیخته ای از علم و ظن است. چنین عقلی مدام تمایل دارد «من قال» (چه کس گفت) را جایگزین «ماقال» (چه گفت) کند. اما چرا؟ زیرا از راه ایجاد تردید در توانایی و راستگویی و... گویانده تصور می کند که می شود راحت تر گفته را از اعتبار انداخت. این روش، یعنی سنجیدن حق به شخص و نه شخص به حق، روش ویرانگری است و با ویرانگری نمی توان حق را از ناحق تمیز داد. ویرانگری ناحق است و ناحق نه مجرای ابراز حق می شود و نه مصدر آن. عقلی که محدود به زمان و مکان می شود، از خلق و از ابتکار ناتوان می شود زیرا توانایی آزاد شدن از محدود کننده ها و این همانی جستن با هستی هوشمند را نمی یابد.

این روش البته ابتکاری نیست که عقلهای توجیه گر به تازگی در ایران یافته باشند؛ روشی است که در همه جامعه ها، از دیرباز بکار رفته و می رود. در میان مسلمانان و به ویژه در باره پیامبر اسلام، از آغاز بعثت تا امروز، این روش بکار رفته است و می رود. بدیهی است در این سو نیز اسطوره سازان مذهبی قرار دارند که خدا و پیامبر را چماق کرده اند و می کنند تا هر انتقادی را، از نداد بخوانند (اگر انتقاد کننده مسلمان است) و کافر بخوانند اگر ناهد مسلمان نیست. حال آنکه «ماقال» (=عقل قرآن) خود در پیش ماست. شیوه عقل آزاد اما چنین نیست. عقل آزاد، نخست، بر وفق اصول راهنما، شفاف و سر راست معنا

با معانی ای را که در نظر دارد با لوازشان بیان می کند. آنگاه وجوه مختلف مسئله ای را شناسایی می کند که موضوع مرکزی بررسی و تحقیق اوست. سپس راه حل پیشنهادی را به تجربه و آزمون می گذارد. روش تجربی به او امکان می دهد که کار خود را نقد کند و تا رسیدن به حل مسئله پیش برود. بدین شیوه، چنین عقلی به یکی از دو نتیجه زیر می رسد: ۱/۴. از راه تجربه، شناخت او از مسئله و از راه حل آن، تصحیح شده و بنا بر این حق و دقیق و شفاف گشته و او به این نتیجه می رسد که راه حل پیشنهادی قرآن صحیح است. و روشن است هرگاه مسئله همه مکانی و همه زمانی باشد، راه حل نیز می باید در همه وقت و همه جا صادق کند.

۲/۴. از راه تجربه، شناخت او از مسئله و از راه حل آن، تصحیح شده، و بنا بر این دقیق و شفاف به این نتیجه می رسد که راه حل پیشنهادی، راه حل صحیح مسئله نیست و یا راه حل بهتر از آن وجود دارد. در حالت دوم، عقل آزاد چون نمی تواند بدین نتیجه خود را قانع سازد، بنا بر این می گذارد تا کامل کردن علم خویش پیش رود. از این رو، نتیجه ناتمام دوم را موضوع کار و تحقیق بعدی می کند و در همین مسیر ممکن است به این نتیجه برسد که بسا یافتن راه حل صحیح در گرو رعایت اصل یا اصولی است. این روشی بود که خود من در زمان پرسی موضوع جرم و مجازات در قرآن که در کتاب حقوق انسان به تفصیل آورده ام پیش گرفتم. عقل آزاد، این بار، راه حل را با توجه به اصول حاکم بر آن بکار می برد. در صورتی که قرآن بیان آزادی باشد، اصول حاکم بر این یا آن راه حل، او را به بهترین راه حل در خور زمان و مکان راه می برند. و اگر هم در حین تحقیق قرآن را بیان آزادی نیافت، نتیجه عقلی شجاعت لازم را دارد که بگوید: تجربه مرا به این نتیجه رساند که قرآن بیان قدرتی است نظیر دیگر بیانهای قدرت و محکوم به ایجابات زمان و مکان خود. با این حال، چون خود را خدا نمی دانم، هم از نقد تجربه خود استقبال می کنم و هم خود به نقد آن می پردازم. اگر به یمن نقدها و ادامه تجربه، خود را بر خطا یافتم، از خطای خود باز می گردم.

تکرار می کنم «من قال» (برای مثال، خدا گفت یا پیامبر گفت) را جانشین «ماقال» (متن قرآن) کردن، عقل توجیه گر را گرفتار تناقضهای حل ناکردنی فراوانی می کند.

۵. حق ها با واقعیت ها رابطه برقرار می کنند. غیر از این که حقوق هر موجود، ذاتی او هستند، هیچ حقی با مجاز و با قدرت رابطه برقرار نمی کند زیرا قدرت ناقص حق است. اگر هم اکنون دین، به جای دین حقوق بودن، دین تکالیف بریده از حقوق گشته است، بدین دلیل است که معطوف به قدرت شده است. ولی قدرت، به محض معرفت انسان بر حق - که لازمه چنین معرفتی آزادی بیان و مبارزه با سانسور است -، از این میان بر می خیزد. به بیانی کامل تر، «حق می آید و باطل می رود». در حقیقت، عقل آزاد جز رابطه مستقیم با واقعیت برقرار نمی کند و عقل قدرتمندار نمی تواند با واقعیت رابطه «مستقیم» برقرار کند. زیرا از راه قدرت با واقعیت رابطه بر قرار می کند و می کوشد عین را تابع ذهن بگرداند. تمامی عقلهای قدرتمندار میان عین و ذهن رابطه تابعیت بر قرار می کنند. در این رابطه، واقعیت همواره باید تابع دلخواه ذهن باشد درحقیقت این رابطه را برای آن برقرار می کنند

که واقعیت را تخریب و آن را هزینه هرچه بزرگ تر و منمترکزتر کردن قدرت کنند. عقل توجیه گر اصلاً این پرسش را از خود نمی کند که چگونه قرآن می تواند روش بکار گرفتن انسان و زینده ها و هر آنچه در طبیعت هست بسود قدرت باشد؟ چنین عقلی این پرسش اساسی را از خود نمی پرسد، زیرا از رابطه حق با واقعیت غافل بوده و برآنست تا بیان قدرت دلخواه خود را جانشین بیان قدرتی کند که بسا دیروز می پسندید و امروز نمی پسندد.

به مناسبت یادآور می شوم که اگر قرآن رهنمودی برای دولت، در معنای ساختار سازمان یافته قدرت، ندارد، بدین جهت است که تا آن روز که دولت سازماندهی مدیریت جامعه به مشارکت همه اعضای آزاد و برخوردار از حقوق آن نگشته، دولت ساختار قدرت است و قرآن روش آزاد کردن انسان از قدرت است و نه توجیه آن. قرآن از آنجا که روش آزاد کردن انسان از قدرت است، روشهای آزادی انسان از قدرت و انحلال آن را یک به یک شناسانده و انسانها را به بکار بردن آنها می خواند. (۱)

۶. قرآن روش آزاد ماندن عقل را به او (عقل) یادآور می شود و، جای جای، هشدار می دهد که هرگاه توجیه گر شود، تخریب را روش می کند و کار خود را همواره با تخریب آغاز می کند. چرا؟ زیرا چنین عقلی از آنجا که در خود خلاقیتی نمی یابد، می کوشد چیزی را خراب کند تا بلکه بدین وسیله دلخواه خود را جانشین آن کند. یا بیان آزادی را خراب می کند تا بیان قدرت را جانشین آن کند. یا بیان قدرت را خراب می کند تا بیان آزادی دیگری را جانشین آن کند. حال آنکه کار عقل آزاد نقد آنچه هست است. دانش، دانش را خراب نمی کند بلکه آن را نقد می کند تا کمال بجوید. از این رو است که قرآن، روش تخریب دنیهای پیشین را در پیش نگرفته است. بلکه آنچه را هست نقد می کند و آنچه را هم نیست پیشنهاد می کند تا بیان آزادی کاملی را در اختیار انسان بگذارد. این روش متعلق به فرهنگ آزادی است. این که قرآن دارای چنین روشی است، و این که هیچ بیان قدرتی را نمی توان یافت که حاصل تخریب بیان قدرت دیگر نباشد، آشکار می کند که قرآن بیان قدرت نیست.

حال با الهام از این روش قرآن، باید ببینیم آن نظرها یی که در مقدمه بحث ذکر شده بودند شیوه نقد را پیش گرفته اند یا شیوه تخریب؟؛ یعنی آیا ساخته ای را نقد می کنند تا همان ساخته کمال جوید و یا آن را تخریب می کنند تا ساخته خود را جانشین آن کنند؟ بررسی نظریه های مذکور با چنین دیدی به ما می تواند بگوید آیا عقل ها آزاد بوده اند یا توجیه گر؟ و همچنین ما را از این واقعیت آگاه می کند که آیا خود این نظریه های عصری ساز به جای جبران ویرانی های رخ داده (برای مثال و در ایران کنونی، به ویرانی ها و ستم گستری های ناشی از شکل گیری نظریه ولایت مطلقه فقیه که نظری ضد قرآنی است توجه شده، موجب نشده اند که طول عمر اسلام از خود بیگانه در بیان قدرت (دین دولتی یا دین ابزار دولت و قدرتمنداری) بیشتر شود و در وطن ما و بلکه بسیاری از مناطق دنیا، ویرانی بر ویرانی و ستم بر ستم بیفزاید؟

۷. عقل توجیه گر، چون ثنویت را اصل راهنما می کند، هم خود را محدود می کند و هم موضوع کار خود را. به محدود کردن قرآن به

زمان و مکان خاصی پیش از این پرداختم و به هنگام پرداختن به اشکالهای ۱۰ گانه، باز می پردازم. اما مهم ترین خطای چنین عقلی، محدود کردن کار به دو بیان قدرت و بکار بردن قیاس صوری در مقایسه این دو و غفلت کامل از بیان آزادی است. پیش از پرداختن به انواع قیاس های صوری میان احکام قرآن و احکام مندرج در بیان های قدرت این عصر، اگر عقل به کار اصلی خودش واگذاشته می شد با این پرسش مهم آغاز می کرد که آیا قرآن بیان آزادی هست یا نیست؟ قرآن خود به تکرار می گوید یک بیان است، به این معنا که سامانه ای از اصول راهنما و فروع، از حقوق و روشهای عمل به حقوق و شیوه های خشونت زدائی و... است. اما در همه این نظرها، از دیدن این سامانه و طرح این پرسش اساسی غفلت می شود.

۸. عقل توجیه گر راه حل را از خود مسئله (برای مثال، رشد و توسعه انسانی) بدست نمی آورد. به بیان روشن تر، این انسان بمتابه واقعیت نیست که می باید راه و روش زندگی آزاد را در پیش گیرد بلکه او می باید به قالبی درآید که عقل توجیه گر از پیش خود ساخته و یا به عاریت گرفته است. خاصه مشترک تمامی بیانهای قدرت اینست که انسان فعال را به انسان فعل پذیر بدل می کنند و ناگزیری می سازند خویش را به این و آن قالبی درآورد که این یا آن بیان قدرت ارائه می کند. این بیانها در واقع به انسان نقشی نمی دهند، به قدرت است که نقش می دهند. به قدرت نقش می دهند و خشونت را روش می کنند زیرا انسان که موجودی ذاتاً حقوقمند و مجموعه ای از استعدادها است و از راه عمل به حقوق و بکار انداختن استعدادها رشد می کند نیاز به برخورداری از حق صلح و فراخوانی لاکراه دارد و بندگی قدرت نمی شود. برای آنکه به قالبی درآید که قدرت می سازد، باید از رشد در آزادی بیفتد و عقیم شود. عقیم شدن و به قالب درآمدن جز با کاربرد خشونت امکان پذیر نیست.

رشد و ترقی زمانی در غرب اسطوره شد. امروز، اهل تحقیق می گویند این اسطوره شکسته است. با وجود این، همچنان این اسطوره توجیه گر تحمیل قالب هائی است که بیان قدرت ساخته اند و عقول انسانها در آنها ساخت می گیرند. برای مثال، لیبرالیسم به مثابه بیان راهنمای سرمایه داری، به قول مارکوزه (نویسنده کتاب انسان تک بعدی)، انسان را در مصرف کننده ناچیزی می کند. نازیسم و فاشیسم و لنینیسم - استالینیسم و مانوئیسم و بعثیسم و ولایت مطلقه فقیه و... قالبهای دیگری هستند که عقول چند نسل از انسانها، در طول یک قرن، در آنها ریخته شدند. حاصل آن، ویرانی های عظیم و مسائلی شدند که همچنان بر هم افزوده می شوند. بدین قرار، نظریه ای که «عصری کردن» انسان و زندگی را هدف قرار می دهد، بنفسه، اعتراف به این واقعیت است که راه حل در بیرون مسئله، پیشاپیش تشخیص داده شده است و انسان می باید خود را با آن تطبیق دهد. در قرنی که گذشت، فراماسونهای ایرانی، بر آن شدند که تمدن فرنگی را بی دخل و تصرف باید پذیرفت و ایرانی می باید در این قالب شکل بگیرد. استبداد پهلوی ها مأمور در آوردن ایران به این قالب شد. این روش در ایران و هر کشور دیگری که بکار رفت، شکست خورد. زیرا ضد رشد و ضد حیات، ( حیات بمتابه مجموع حقوق و استعدادها در فعالیت و رشد) بود.





در فصل چهارم قسمت دیگری از مطالعه در باره « حزب سیاسی مسلح » را می یابید که به معرفی یکجند از سران حزب می پردازد. سران دیگر این حزب در شماره آینده معرفی خواهند شد.

در فصل پنجم، گزارشها در باره رابطه رژیم با امریکا، در رابطه با عراق و افغانستان و رابطه با غرب و روسیه و چین بر سر اتم را در دسترس مطالعه می یابید.

در فصل ششم، اطلاعات و داده های گویای وضعیت اقتصاد کشور را در آغاز سال جدید از نظر شما خوانندگان عزیز می گذرانیم.

و فصل هفتم را به خبرهای تجاوزها به حقوق انسان اختصاص می دهیم:

## در استبداد، شکستهای بزرگ پیروزی بزرگ جلوه داده می شوند:

انقلاب اسلامی: از خاصه های همگانی استبدادها یکی اینست که شکستهای بزرگ را پیروزی تبلیغ می کنند: سازش ننگین بر سر گروگانها و پی آمدهای آن، پیروزی بزرگ بر امریکا شد! جام زهر سر کشیدن پیروزی بزرگ در جنگ ۸ ساله شد. کودتای خرداد ۶۰ انقلاب سوم و بزرگ در از دو انقلاب اول و دوم (همان عمل خیانت آمیز گروگانگیری که خمینی آن را انقلاب دوم خواند) و... و به کشتن دادن جمعی بزرگ در ماجرای « فروغ جاویدان » (به اصطلاح حمله نظامی که رجوی سازمان داد و گروه بزرگی را به کشتارگاه برد) پیروزی بزرگ شد و... و اینک تحریم وسیع انتخابات قلابی از سوی مردم ایران را رژیم مافیایا حماسه بزرگ می خواند. گزارش از ایران ابعاد شکست خامنه ای را شرح می دهد:

## شکستها در قلمروهای حقوق و حیات ملی ایرانیان:

خامنه ای، در سال گذشته با هر شکست سخت که مواجه می شد آن را پیروزی بزرگ نامید. از جمله:

• شکست در عرصه اتم: « رهبر فرزانه » (از زبان چاپلوسان او)، در سال گذشته، فراوان امتیاز به روس و چین و هند و... داد اما قطعنامه ها بر ضد ایران صادر شدند. با وجود این، هر نوبت، شکست را پیروزی خواند. کما اینکه احمدی نژاد، با تاسی از خامنه ای، تا صدور قطعنامه سوم می گفت دیگر قطعنامه ای بر ضد ایران صادر نمی شود و چون صادر شد، بناگاه، آن را پیروزی چند جانبه و بزرگی برای ملت ایران خواند و گفت این قطعنامه برای ما فوائد بسیاری را در بر دارد!

• شکست در دانشگاه کلمبیا امریکا: خامنه ای وقتی متوجه اقتضای بزرگ حضور رییس جمهور دست ساخت خود در دانشگاه کلمبیا شد برای اینکه بتواند مانع افشای این اقتضای بزرگ در داخل کشور شود دستور داد این شکست سخت تحقیر آمیز را پیروزی بزرگ بنامند و از رؤسای قوای مقننه و قضائیه خواست بخاطر این « پیروزی بزرگ » به پیشباز رییس جمهور به فرودگاه بروند. طرفه تر این که

## اعتیاد به مجاز

درک رفتار مردم را نیز ندارد. البته او این استعداد را از آغاز نداشت. زیرا بدون قائل شدن به نادانی مردم و بریدن رابطه ذهن با واقعیت، قدم اول را نیز در بیراهه استبداد نمی توان برداشت.

• افزایش تورم و گرانی که اکثر مقامات رژیم وجود آن را بیشتر از ۱۵ تا ۱۷ درصد تکذیب می کنند، در مورد مایحتاج عمومی، ۱۰۰ درصد است. گرانی به گونه ای مشهود است که احمدی نژاد را ناگزیر کرد پس از مدتها انکار، بدان اعتراف کند اما تقصیر آن را به گردن مجلس و حکومتها پیشین و غرب بیندازد. مصاحبه تلویزیونی او موجب بی اعتباری بیش از پیش خامنه ای و او گشت. احمدی نژاد در پیام نوروزی وعده داد که اقتصاددانهایش طرحی تهیه می کنند برای مهار تورم و...

## شکست در انتخابات دوره هشتم و در پی تشکیل جاویدان شدن و پناه بردن بیش از پیش به قوای سرکوب:

• در انتخابات هشتمین دوره مجلس، « رهبر فرزانه » وقتی متوجه شکست سخت حامیان خود از لحاظ به پای صندوقهای رأی کشاندن مردم شد، در جا، شکست بزرگ را حماسه بزرگ خواند و بیابیه صادر کرد که « فصل الخطاب » بشود و تمایل های دیگر رژیم جرأت نکند در باره این شکست بزرگ سخنی بگویند. با این وجود، محاسبه کردند و به او هشدار دادند: نه در یک انتخابات آزاد، بلکه در این رژیم نیز، شمار واقعی رأی دهندگانی که از رهگذر موافقت با رژیم رأی می

نام پروژه	تعداد پروژهها تکمیل شده	در حال تکمیل در حال بررسی	مجموع پروژهها
مدرسه و آموزشگاه فنی	۱۴۰	۱۰	۱۵۷
اماکن عبادتی	۵۰	۱۳	۶۵
مراکز پزشکی و بهداشتی	۱۹	۰	۲۰
پل های بزرگ و مهم	۱۰	۴	۲۰
پل های فرعی و کوچک	۱۳	۷۷	۹۰
انتقال و تولید برق	۸۷	۲	۱۰۷
پروژه های شهرداری و زیبا	۱۳	۵۶	۷۰
جاده های اساسی	۱۹۹	۱۰۹	۳۰۸
جاده های فرعی و داخلی	۱۵۶	۲۵۰	۴۰۶
زیروساخت	۱۲	۰	۲۰
پاکسازی مین	۰	۲	۲
مجموع پروژهها	۹۸۰	۱۹۱	۱۳۰۸

جمهوری منتخب خامنه ای و عدم حمایت مردم و حتی کسانی که به وی رأی داده بودند و بی اعتبار شدن او و احمدی نژاد بطوری که رأی داده شده با نفر اول حامی احمدی نژاد و حکومت او (خامنه ای مردم را بدهند) تنها ۸ درصد کسانی است که در تهران حق رأی دارند، بودند. با اینهمه، خامنه ای شروع به دروغگویی کرد و به تعریف و تمجید از رییس جمهوری خود ساخته پرداخت. و غافل از این بود که مردم او را دروغگو می شناختند و حالا او را کسی می بیند که توانائی دیدن واقعیت و

## رفتار سید علی خامنه ای گویای اینست که او در فکر روشی دیگر برای ادامه حکومت کردن به استبداد است:

ویژگی های روش جدید عبارتند از:

۱ - حمایت بی قید و شرط از احمدی نژاد همانگونه که در سخنرانی قبل از انتخابات از مردم خواست به افرادی رأی بدهند که حامی حکومت او باشند و شکست سختی خورد. صحبت های « رهبر » نه تنها تکرار صحبت های « سردارانی » بود که گفتند دو قوه مجریه و مقننه را گرفته ایم و نباید از دست بدهیم، بلکه تو دهنی زدن به کسانی بود که به استناد قول خمینی، می گفتند: سپاه و دیگر نیروهای مسلح نباید در انتخابات دخالت کنند. این عمل خامنه ای تصدیق اطلاعی است که بنا بر آن، او دستور داده بود تمام امکانات و نیروها باید بسیج شوند و کسانی را به مجلس آورند که مطیع او و حامی حکومت احمدی نژاد باشند. اما "نمایندگانی" که وارد مجلس شدند در میان آنها حامیان حکومت بسیار کمتر از نمایندگان حامیش در مجلس هفتم هستند. با این خاصه که هیچ تمایلی اکثریت به جای خود، توانائی از اکثریت انداختن مجلس را نیز نداشته باشند.

۲ - کنار گذاردن کلیه منتقدان از هر گروه و دسته ای که باشند: از قرار، خامنه ای به این نتیجه رسیده است که یاران قدیمی خود را حذف کند و با یارانی جدید که در اطاعت کامل هستند، حکومت کند. به همین دلیل مشاهده می شود که رهبری با یاری یاران جوان و البته نادان و ابله و تندخو تلاش دارد برای همیشه خود را از دست افرادی مانند کروبی و خاتمی و هاشمی و دیگران خلاص کند.

۳ - خامنه ای به این نتیجه رسیده است که برای ادامه حکومت استبدادی خود، باید، بیش از پیش، جلو ابراز هر گونه انتقادی را بگیرد. حتی اگر انتقاد نرم باشد و از سوی دوستان اظهار شود. او که عقده شاه سابق را دارد و قدم جای پای او می گذارد، به آینده فکر نمی کند و تنها دلخوش به همین روزهایی است که بساط استبداد خود را گسترده تصور می کند.

۴ - حمایت بی قید و شرط از اعمال و رفتار و گفتار شورای نگهبان: رفتار خامنه ای با انتقاد کنندگان از حذف فله ای نامزدها و بی اعتنائی او به درخواست های یاران قدیمی (هاشمی رفسنجانی و کروبی و خاتمی و حتی روحانیان قم) نشان داد که برای وی مشروعیت و گرمی بازار انتخابات زیاد مهم نیست بلکه وجود مجلسی مطیع و دور کردن افرادی که احتمال دارد در مجلس بار دیگر نامه انتقاد آمیز به وی بنویسند مهمتر از همه چیز است.

۵ - حمایت بی قید و شرط از نیروهای نظامی حامی خود، بخصوص بسیج و سپاه: تاییدهای مکرر خامنه ای از سپاه پاسداران و بسیج و واگذاری امکانات و امتیازات فراوان به آنها نشان می دهد که او برای حفظ خود مجبور به استفاده از نیروهای قهریه است و برای ادامه حاکمیت مافیایی خود نیروی غیر از قوای سرکوبگر در اختیار ندارد. تنها و در انزوا است.

۱/۵ - نادیده گرفتن مطلق مردم نه بلحاظ تنها نظر و خواست سیاسی آنها بلکه از نظر برآوردن نیازهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگیشان: « رهبر فرزانه » به این نتیجه رسیده است که اگر بتواند به دستگیری اعوان و انصار خود و قوای سرکوب حکومت کند، بسیار بهتر از این است که به مردم اتکا کند وی بارها از اینکه نیروهایی مطمئن در اختیار داشته سخن گفته است و می گوید که با کمک همین نیروها می تواند کلیه ایرانیان را به بهشت ببرد. بیش از پیش نیازمند « النصر بالرعب » شده است. با آنکه انتخابات رسوا نشان داد که مردم اولاً از او نمی ترسند و ثانیاً از او بیزارند، اما آدم ترسوئی که او است، چاره را به پناه بردن بازهم بیشتر به قوای سرکوب می بیند.

۶ - واگذاری امتیازات بی حد و حصر به برخی از نیروهای سیاسی و نظامی برای جلب حمایت آنها در مقابله اش با مردم: دادن امتیازات بزرگ مالی به سران سپاه و واگذاری سهام عدالت در مرحله اول به خانواده های بسیجیان و سپاهیان و خانواده های وابسته به اینارگران و شهیدان به این دلیل که بتواند از حمایت آنان برخوردار شود اما تیرش به سنگ خورده است.

۷ - تشکیل « گارد جاویدان » ویژه رهبری (به تقلید از گارد جاویدان شاه سابق) مشکل از کلیه نیروهای نظامی - انتظامی - امنیتی - اطلاعاتی تحت نظر سپاه پاسداران. طرح جدید و تغییرات پی در پی سپاه و بسیج و یکی کردن این دو نیرو نشان می دهد که خامنه ای برای ادامه حاکمیت فاسد خود نیاز به گاردی محافظ دارد تا بوقت ضرورت، از آنها در سرکوب مردم استفاده کند. اما اگر شاه با گارد جاویدان خود و صدام حسین با گارد جمهوری توانستند رژیمهای خودکامه خویش را حفظ کنند، سید علی خامنه ای نیز می تواند به این « گارد دلخوش باشد.

۸ - واگذاری کلیه امکانات اقتصادی و سیاسی به نیروهای مورد تایید خود و مسلط کردن سپاه بر اقتصاد کشور تا مگر ستون پایه رژیم فسادگستر خود را محکم تر نماید. تصویب قوانین جدید توسط مجلس در باره بسیج سازندگی و عقد قراردادهای بدون استعلام، همه بخاطر اینست که قوای حامی خود را به لحاظ مالی متمول سازد و در نزاع او با مردم، حمایت از او را حمایت از منافع بی حساب خود بشمارند. غافل از این که بدنه همین قوا، همانند مردم ضد رژیم می شوند و با او آن می کنند که ارتش با شاه کرد.

۹ - واگذاری هر گونه امتیاز به این و آن کشور برای بیرون رفتن از انزوا و موقعیت جوئی کاذب. همانند دوران شاه، کشوری نیست که از ایران نبرد و نخورد. این شیوه جلب حمایت خارجی را خمینی در پیش گرفت. بعد از او خامنه ای و مافیاهائی که او را آلت فعل کرده اند، بکار می برند. در امتیاز دادن دارند دست شاهان قاجار را نیز از پشت می بندند. چنان گستاخانه چوب حراج بر منابع کشور می زند که « بی تفاوت ها » نیز تگران سرنوشتی شده اند که در انتظار ایران است.





## شکست خامنه ای و حکومت دست ساخت او در انتخابات قلابی مجلس هشتم:

شرکت اقلیت رأی دهنده در انتخابات در ایران به چند گونه شد: ۱- شرکت اقلیت رأی دهنده در انتخابات تهران. ۲- شرکت اقلیت رأی دهنده در انتخابات شهرهای بزرگ ایران. ۳- شرکت اقلیت رأی دهنده در انتخابات شهرهای کوچک ایران. در این جا، میزان شرکت مردم تهران در تحریم و نیز شمار رأی دهندگان و نمایانهای آنها را بررسی می کنیم:

### ۱- شرکت اقلیت مردم در انتخابات تهران:

از بعد از کودتای سال شصت و شروع برقراری استبداد ولایتی انتخابات در ایران و به خصوص در پایتخت شکل جدیدی به خود گرفت و تنها در دو انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی و انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری شکل دیگری یافته بود و گرنه در کلیه انتخابات دیگر شکل خاصی دارد که به شرح زیر می آید: ۱/۱- تحریم کنندگان انتخابات به صورت علنی: نظریه پردازان ولایت مطلقه سالهاست که شهر تهران را ام القرای جهان اسلام می خوانند و تلاش دارند به جهانیان وانمود کنند حکومت حاکم بر ایران مورد تأیید مردم است. لذا همواره با استفاده از کلیه امکانات سعی می کنند تا به هر صورت که هست مردم را به پای صندوق های رأی بکشانند.

شهر تهران با توجه به وسعت و وجود رسانه ها و تجمعات و همایش های گسترده همواره در تقابل با نظام ولایت بوده است و این رویارویی را در هر حرکتی که گویای بیزاریشان از رژیم باشد، آشکار کرده اند. رژیم به خوبی آگاه است که اگر به مردم در شهر تهران اجازه رفراندوم و راهپیمایی در رابطه با خواستهشان را بدهد سرنگون خواهد شد. از این رو، به هیچ وجه، اجازه تجمعات و راهپیمایی های آزاد را نمی دهد. اما مردم با عدم حضور در انتخابات فرمایشی و اجتماع ها که رژیم ترتیب می دهد، مخالفت خود را با رژیم آشکار کرده اند و می کنند: انتخابات در شهر تهران نمایان گر حضور و یا عدم حضور چند گروه است:

• گروه بزرگی که از سال ۶۰ تا به امروز در انتخابات شرکت نکرده اند و همیشه آن را تحریم می کنند و تنها در دو مرحله یاد شده فوق بود که برخی ها در آن شرکت کرده بودند. تحریم کنندگان انتخابات در تهران مانند برخی از تحریم کنندگان در شهرهای بزرگ و کوچک کاملاً و آگاهانه با عدم حضور خود در انتخابات می خواهند به سران نظام بفهمانند که مشروعیت لازم را برای ادامه حکومت ندارند. اما سران نظام

## اعتیاد به مجاز

کلیه نیروهایی که در برگزاری انتخابات دخیل بوده اند که حدود دو میلیون نفر بوده اند و به دلیل برخی از مسائل برخی از آنها مجبور به دادن رأی بوده اند. ۱/۳- شرکت کنندگان همیشگی انتخابات:

شرکت کنندگان همیشگی انتخابات به افرادی گفته می شود که تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می کنند. اینان سه گروه هستند. دو گروه از این سه گروه بدون توجه به هویتهای نامزدها تنها، به دلایل خاص خود در دادن رأی شرکت می کنند و دسته دیگر بنا به مصلحت و شرایط خاص شرکت می کنند: ۱،۳،۱

• شرکت کنندگان با اعتقادات سنتی به گروههایی از مردم گفته می شود که بر اساس باورهای مذهبی و مقلد بودن در انتخابات شرکت می کنند. این دسته در تهران و شهرستانها بر اساس فتاوی مراجع تقلید مورد قبول خود و برای به دست آوردن صواب اخروی در انتخابات شرکت می کنند.

روز به روز از تعداد این گروه کاسته می شود. امسال در انتخابات مجلس، رژیم ولایت فقیه تنها توانست سه و نیم مرجع تقلید را وادار به دادن فتوا بسود شرکت در انتخابات کند: شیخ حسین نوری همدانی - صافی گلپایگانی - مکارم شیرازی و آیت الله جدید سبحانی بودند که از مردم خواستند در انتخابات شرکت کنند. اینها نیز دولتی هستند. مراجع معتبر، چون آیات الله بهجت و شیرازی و صانعی و منتظری و حتی موسوی اردبیلی نیز برای شرکت مردم در انتخابات در خواست نمودند. منتظری از عدم شرکت نیز سخن بمیان آورد. به هر حال، این گروه از افرادی هستند که در صف های نماز جمعه تهران و نیز صف های نماز جماعت برخی از مساجد و همچنین در راهپیمایی های مورد نیاز نظام برای کسب صواب آخرت شرکت و منافع این دنیائی خود شرکت می کنند. میزان این افراد در انتخابات تهران همواره حدود ۳ الی ۴ درصد است.

• شرکت کنندگان وابسته به رژیم ولایت فقیه: به گروهی از افراد گفته می شود که تحت هر شرایطی برای حمایت از رژیم در انتخابات شرکت می کنند و حتی اگر فتوایی نباشد به دلیل نیاز رژیم به مشروعیت هم خود شرکت می کنند و هم خانواده و وابستگان را تحریک به شرکت می کنند از جمله آنها می توان به دسته های زیر اشاره کرد:

- کلیه نیروهای وابسته به رژیم. - نیروهای نظامی وابسته از جمله سپاهیان و بسیجیان و خانواده های آنها. - نیروهای امنیتی و حراستی و اطلاعاتی و خانواده های آنها. - دولتی بلند پایه و خانواده های آنها. - نیروهای دارای مقامات رسمی و دولتی بلند پایه و خانواده های مالی و خانواده های وابسته.

... با توجه به آمار و اطلاعات شرکت کنندگان در انتخابات این دوره مجلس شورای اسلامی کل شرکت کنندگان همیشگی در انتخابات حدود ۸۴۰ هزار نفر بوده اند. این رقم

همان رقم رأی دهنده به حداد عادل است. با توجه به اندیشه راهنمای شرکت کنندگان وابسته به ولایت فقیه و شرکت کنندگان سنتی می توان گفت که مجموع آنها کسانی هستند که به حداد عادل رأی داده اند. زیرا حداد عادل نامزد تمام گروههای وابسته به نظام ولایت بوده است.

گروههای شرکت کننده وابسته به نظام ولایت در این دوره عبارت بودند از: • جبهه متحد اصولگرایی که شامل گروهها و جمعیت زیر بوده است:

موتلفه اسلامی - جمعیت اینترگران - جامعه اسلامی مهندسان و معلمان و دانشجویان و ... - جمعیت هواداران انقلاب اسلامی - جمعیت زنان اصولگرا - جامعه زینب - جامعه روحانیت مبارز - جامعه مدرسین حوزه علمیه - گروه حامیان دولت - گروه رایحه خوش خدمت - گروه ائتلاف امام و رهبری - گروه انصار حزب الله و ...

• جبهه ائتلاف فراگیر که مانند جبهه متحد از گروههای مختلفی تشکیل شده است از جمله:

حامیان قالیباف - حزب تمدن اسلامی - حامیان محسن رضایی - حزب سبز - حامیان علی لاریجانی - آبادگران جوان و ...

این هر دو گروه برای حمایت از سیاست های خامنه ای و به دست آوردن کرسی های مجلس وارد انتخابات شدند و در سالهای گذشته نیز همین دو گروه بودند که در انتخابات شرکت می کردند.

میزان آرای به دست آمده حداد عادل برابر است با آرای داده شده کلیه نیروهای وابسته به رژیم و نیروهای سنتی زیرا حداد عادل کاندیدای اول هر دو جبهه بوده است.

میزان آرای داده شده دو جبهه به نامزدهای غیر از حداد عادل به شرح زیر است: رأی دهندگان به جبهه متحد که نفر اول آنها بعد از حداد عادل یعنی مجتبی اقا تهرانی است با حدود ۵۸۰ هزار رأی. آقا مجتبی تهرانی همان معلم اخلاق دولت احمدی نژاد است که از شاگردان بلند پایه مصباح یزدی و تحصیل کرده کانادا و امریکا می باشد. وی مدتی نیز امام جماعت مسجد نیویورک بوده و همان کسی است که لیخند احمدی نژاد را امام زمانی می داند. او کسی است که دیگر گروهها از جمله اصلاح طلبان را با تفکری نشأت گرفته از اخلاق در خور ولایت مطلقه فقیه، دستمال کاغذی نامید که بعد از استعمال باید دور انداخت.

با توجه به رقم رأی دهندگان به حداد عادل که نامزد اول هر دو جبهه بوده است می توان گفت آرای داده شده به آقا تهرانی که حدود ۵۸۰ هزار نفر بوده است، حدود ۳۳/۵ درصد آرای شرکت کنندگان و ۸ درصد واجدین شرایط رأی در تهران (۶/۵ میلیون) بوده است.

میزان آرای داده شده به خوش چهره که از بزرگان ائتلاف است حدود ۲۱۰ هزار رأی بوده است یعنی حدود ۱۱ درصد از آرای شرکت کنندگان و حدود ۳ درصد از آرای واجدین حق رأی در تهران است.

جمع آرای داده شده به آقا تهرانی و خوش چهره تقریباً برابر است با آرای حداد عادل که فرد مورد حمایت هر دو گروه بوده است. آرای

فوق نشان می دهد که در ام القرای اسلام حدود ۲۱۰ هزار خانوار حامی نظام ولایت هستند از حدود ۱/۵ میلیون خانوار تهرانی. از این ۲۱۰ هزار خانوار، حدود ۱۶۵ هزار خانوار حامی « رهبر » و حکومت هستند و حدود ۴۵ هزار خانوار منتقد حکومت و حامی « رهبر » هستند. با توجه به این واقعیت، این سؤال محل پیدا می کند: آیا مردم ایران اجازه می دهند مستبدان فاسد و جنایت پیشه ای بر آنها حکومت کنند که در مرکز کشور، به آرای ۳ تا ۸ درصد دارندگان حق رأی متکی هستند؟

در پایان باید به این نکته نیز اشاره کرد که افراد حامی « رهبر » و حکومت اگر می خواستند به صورت انفرادی شرکت کنند هرگز آرای بیش از ۲۰ هزار رأی را به دست نمی آوردند. اگر آقا تهرانی اینقدر رأی به دست آورده به دلیل محبوبیت وی نبوده است. زیرا با مشاهده آرای محمد علی رامین مشاور ارشد « رییس جمهوری » و رییس گروه رایحه خوش خدمت و رییس بنیاد هلوکاست و تئوریسین و مجری همایش هلوکاست و ... در تهران تنها توانسته است ۱۷۷۶۲ رأی به دست آورد.

این آرای ناچیز می تواند تا حدی نشان دهد افرادی که از گروه حامیان « رهبر » و احمدی نژاد در لیست بوده اند به دلیل حضور در همان لیست رأی آورده اند و گرنه رأی بیشتر از محمد علی رامین به دست نمی آوردند. رأی او حدود کمتر از ۰/۳ درصد مردم تهران و حدود ۱ درصد شرکت کنندگان در انتخابات بوده است. این میزان رأی که شکست بزرگ است را دستگاه تبلیغاتی « رهبر » و رشکسته حماسه بزرگ می خواند؟

• شرکت کنندگان وابسته به قدرت: به جز افراد وابسته به رژیم ولایت فقیه، هستند جماعتی که برای در اختیار داشتن برخی از کرسی های مجلس و مقامات دولتی تلاش می کنند که مردم را با شعارهای به اصطلاح اصلاح طلبانه به پای صندوق های رأی بکشانند.

این جماعت که متشکل است از گروههایی مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی - اعتماد ملی - مشارکت - کارگزاران - و ... در سالهای قبل با تمام قدرتی که در حاکمیت داشتند نه تنها نتوانستند گره ای از کار مردم بکشانند بلکه با وجود حمایت کامل مردم که به قصد نفی رژیم ولایت فقیه به آنها رأی دادند، نتوانستند و یا نخواستند مدافع آرای حامیان خود باشند و در نهایت با وجود داشتن قوه مجریه و اکثریت قوه مقننه کار را به گروه سرکوبگر و جنایتکار مدعی « اصول گرایی » واگذار کردند. در دوره آنها بود که مردم متوجه شدند این جماعت توانا به اصلاح رژیم نیستند و اساساً رژیم اصلاح بردار نیست.

این جماعت در این انتخابات نیز کوشیدند مردم را به پای صندوقهای رأی بکشانند. اما سخت ناکام شدند: در نهایت، نتوانستند بیش از حدود ۳۴۵ هزار رأی رابه دست آورند. البته به قرائت آرا اعتراض دارند و تردید در صفحه ۵





نیست که « سرداران » اداره کننده انتخابات قلابی از تقلب هیچ مضایقه نکرده اند.

آرای مجید انصاری نشان می دهد که نامزد گروههای مختلف این جماعت، که انصاری بوده است با حدود ۳۴۰ هزار رای، حدود ۱۹ درصد از شرکت کنندگان در دادن رأی در تهران و حدود کمتر از ۶ درصد از واجدین شرایط رای دادن در تهران، رأی نامزد مورد اتفاق گروههای مختلف این جماعت بوده است.

با آمار فوق مشاهده می شود که حدود کمتر از ۶ درصد آرا نیز از آن گروهی هستند که با « رهبر » و حکومت او مخالف و یا منتقد هستند. حال با توجه به گروههای یاد شده فوق که در انتخابات شرکت کرده اند میتوان گفت:

از ۱۰۰ درصد واجدین شرایط رأی در تهران حدود ۲۹ درصد در انتخابات شرکت کردند ( بنا بر آمار رژیم ) . یعنی بیش از ۷۱ درصد درصد انتخابات را به صورت علنی تحریم کردند. از حدود ۲۹ درصد شرکت کنندگان در انتخابات حدود ۹ درصد از افرادی بودند که انتخابات را به صورت مخفی تحریم کرده اند و تنها حدود ۲۰ درصد در انتخابات به صورت آگاهانه شرکت کرده اند. از ۲۰ درصد شرکت کنندگان، حدود ۵-۶ درصد از افرادی بوده اند که به اصلاح طلبان رای داده اند و تنها حدود ۱۶ درصد به گروههای دیگر رأی داده اند.

از ۱۶ درصد رأی دهندگان همیشگی، حدود ۳-۴ درصد بخاطر واجب بودن شرکت در انتخابات، رأی داده اند و حدود ۱۲ درصد از کسانی بوده اند که به دو گروه رژیم ولایت فقیه وابسته اند.

از این ۱۲ درصد واجدین شرایط حدود ۳ درصد به منتقدان حکومت رأی داده اند و تنها حدود ۹ درصد به حامیان « رهبر » و حکومت رای داده اند. البته این را نیز نباید نادیده گرفت که در میان همین افراد، رأی دکتر توکلی که از منتقدان حکومت است نیز، رتبه سوم لیست جبهه متحد بوده است که به دلیل اجبار جبهه نام وی را نیز در لیست خود قرار داده بود.

تازه این بررسی بر اساس آمار رسمی وزارت کشور متقلب است. تقلب بدانچه است که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مشارکت اصرار دارند اصلاح طلبان در دور دوم « انتخابات » شرکت نکنند و بیش از این وسیله آراستن ظاهر کار بخشی از سران سپاه و دیگر ایادی رژیم نشوند و بگذارند عدم مشروعیت مجلس هشتم بطور کامل عیان شود.

و نیز، وسعت تحریم انتخابات قلابی، سبب شده است رژیم بر شدت تبلیغات خود بر ضد بنی صدر بیفزاید. این تبلیغات که در طول سال گذشته، مداومت یافت، در سال جدید، موضوع دستور محرمانه زیر شده است:

## بنا بر دستور محرمانه ای، صدا و سیما موظف به تهیه برنامه هائی بر ضد بنی صدر و بازرگان شده است:

برنامه ای که دستگاه تبلیغاتی رژیم مأمور انجامش شده است، بیشتر مصاحبه با برخی از مقامات جنایتکار و فریبکار رژیم مورد تاریخ انقلاب است. همان مصاحبه هائی است که از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی به ریاست روح الله - خسرو - حسینیان و به هیات مدیره ای پور محمدی - فلاحیان - محسنی آزه ای - دری نجف آبادی - علی رازینی و ... تهیه شده اند و می شوند.

صدا و سیما تحت امر خامنه ای برای تغییر آذهان « امت حزب الله » و تشدید بد بینش نسبت به آنها که همه عمر بخاطر آزادی و استقلال مبارزه کرده اند و اندیشه راهنمای انقلاب را در اختیار مردم ایران گذاشتند، دست به ساخت و تهیه برنامه ای نموده است که در آن بیش از همه تلاش دارد تا سابقه مبارزاتی بنی صدر و نیز بازرگان را در نگاه این « امت » دگرگونه جلوه دهد.

سنوالاتی که مصاحبه کننده از مصاحبه شونده می کنند و پاسخهای مصاحبه شونده نشان می دهد که برنامه سازان سعی خود را بر این نهاده اند که ثابت کنند بنی صدر در برابر خمینی و بزرگان انقلاب ایستاده است.

بنا بر ظاهر امر، صدا و سیما و برنامه سازان، از راه جهالت، متوجه نیستند با این کارها این بنی صدر است که بیشتر از پیش محبوب مردم می شود. زیرا در این دوره و زمانه هر کس که با ولایت فقیه و رژیم ولایت درگیر باشد مورد تایید مردم قرار می گیرد. دیده می شود که بسیاری می گویند: آقای بنی صدر که اینقدر خوب بود چرا مردم، برنخاستند و مانع از کودتا بر ضد او نشدند؟

وقتی مهندس غرضی بر ضد بنی صدر صحبت کرد، کم نبودند فرزندان که از پدر و مادرهاشان می پرسیدند: شما چرا برای حمایت از او وارد مبارزه با خمینی و بهشتی و خامنه ای و هاشمی و ... نشدید؟ و پدر و مادرها تلاش می کردند به آنها بفهمانند تا حدی که توانسته اند عمل کرده اند. هم از طرفی جنگ و از طرف دیگر موقعیت خمینی و از طرف سوم شقاوت غیر قابل پیش بینی و باور کودتاجیان موجب موفقیت کودتا شد. با این حال، ریشه استبداد نیز بیرون افتاد و این شجره خبیثه دارد می خشکد.

اما بنا بر واقع، رژیم کاری به مردم ندارد. می داند مردم را از دست داده است. کار به اقلیتی دارد که « امت حزب الله » می خواند. تکران از دست دادن این اقلیت کوچک و حتی منزوی شدن باند های مافیائی سپاه پاسداران در این سپاه و در جمع نیروهای مسلح است. تقلاش اینست که این « امت » انتخاب دیگری را پیدا نکند و به مردم مخالف نیبوند و عمر رژیم بسر نرسد.

علاوه بر این، از آنجا که نظرات بنی صدر در قم در میان روحانیون جوان بیش از پیش طرفدار پیدا می کند،

## اعتیاد به مجاز

روحانی نماهای قدرت پرست نیز به دست و پا افتاده اند.

انقلاب اسلامی: واکنش مثلث زور پرست در حال انحلال تابع تحول فکر جمعی مردم ایران است. بتدریج که مردم به این نتیجه می رسند که هیچیک از استبدادها کهنه نو، چپ و راست، راه حل نیستند و راه حل مردم سالاری بر اصول استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی است، ترس مثلث زورپرست از انحلال بیشتر می شود. از نادانی، بجای آنکه طرزفکر استبدادی را رها کنند، از سه سو، به بنی صدر و همه آنهائی هجوم تبلیغاتی می آورند که در راست راه استقلال و آزادی هستند. بیهوده نیست که چون گذشته، هجوم تبلیغاتی رژیم مافیایها، هجوم تبلیغاتی دو راس دیگر، گروه رجوی و پهلوی طلبها را به دنبال دارد.

## خامنه ای و حزب سیاسی مسلح، آماده برخورد با امریکا یا معامله با غرب می شوند؟

### \* برخورد با امریکا یا آشتی با امریکا؟

سید حسن نصرالله گفته است: تصفیه اصلاح طلبان در جمهوری اسلامی ایران به منظور تحکیم درون حکومت برای آماده ساختن آن جهت مقابله احتمالی در منطقه است. تندرو های حاکمیت به شدت دنبال این هستند که برای ماندن در قدرت و برای اینکه دولت دهم را نیز بتوانند در دست داشته باشند، با امریکا رابطه برقرار کنند. برای این منظور واسطه تراشی هائی را انجام داده اند و اخیراً هم چند پیام مؤثر ردوبدل شده است. یکی از گزینه های حاکمیت هم تعدیل برخی تندروی های دولت نهم و ایجاد دولت باصلاح آشتی ملی است (صحبت از علی لاریجانی کرده اند) که آن دولت رابطه با امریکا را آغاز کند و مردم هم به آن دولت امیدوار شوند.

بعد از کشته شدن محلاتی در جنگ به خمینی پیشنهاد داده بودند که محمدی عراقی را به عنوان نماینده خود در سپاه منصوب کند. خمینی هم به سیداحمد و افراد نزدیک گفته بود: من هرگز سپاه را به دست داماد مصباح یزدی نمی دهم.

فیگارو ( ۴ آوریل ) از قول یک دیپلمات نزدیک به مذاکره کنندگان با ایران در باره مشکل اتمی، نقل کرده است که « هدف ما زیان رساندن به مردم ایران نیست. هدف ما حالی کردن این امر به حاکمان ایران است که اگر به این بازی کوچک با غرب ادامه دهند از درآمد نفتی نیز محروم خواهند شد که با آن معیشت مردم تأمین می شود و دولتشان برپاست. اما اگر دست از بازی بردارند ( برنامه اتمی را رها کنند ) غرب چشم

بر تجاوز این رژیم به حقوق بشر می بندد » !!

### \* معامله با امریکا به روایت عرب آن لاین:

معامله پنهانی ایران و امریکا در مورد امنیت عراق و رابطه آن با سفر مک کین به اسرائیل روزنامه "عرب آن لاین" که در لندن منتشر می شود در ۱۶ مارس خبری منتشر کرد که حاکی از معامله ای سری میان ایران و امریکا در مورد امنیت عراق بود.

عرب آن لاین اطلاع می دهد: مذاکرات محرمانه ای میان احمدی نژاد در طول سفرش به عراق با مقامات امریکائی در عراق صورت گرفته اند. احمدی نژاد پس از ورود به عراق، در طول مدت اقامتش که سه روز قرار بود ادامه یابد، سه روز آرامش در عراق را پیشنهاد کرد. او، در پیشنهادی دیگر، موافقتنامه ای طویل المدت میان ایالات متحده و عراق را به طور رسمی پذیرفت.

به منظور الغای قطعنامه ۱۵۴۶ سازمان ملل در مورد عراق که به نیروهای ائتلاف در این کشور اجازه می دهد به هر کشوری در همسایه عراق، در صورت صدور تروریسم حمله کند، احمدی نژاد پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

- ۱- پایان حمایت های سیاسی و پشتیبانی مالی و نظامی امریکا و اروپا از مخالفان ایران به خصوص شورای ملی مقاومت (گروه رجوی)، سازمان پژواک کردستان و گروه های مخالف دیگر (عرب ها، ترکمن ها، آذری ها و غیره)
- ۲- توقف تمهیدات سری و غیر سری دولت امریکا برای سرنگون کردن رژیم حاکم بر ایران.
- ۳- توقف فشار شرکت های ایالات متحده و اروپا بر یهودیان ایران به منظور مهاجرت به اسرائیل.
- ۴- پایان دادن به تدارک حمله نظامی پیشگیرانه به پایگاه های نظامی و هسته ای و همچنین سازمان های اطلاعاتی حساس.

اما در ازای موافقت امریکا با این درخواستها، ایران چه اقداماتی برای امریکا در عراق انجام خواهد داد:

- ۱- احمدی نژاد گفته است وی با تأیید آیت الله خامنه ای به امریکا اطمینان می دهد قصد ایران به حل و فصل مسائل فی مابین جدی است. از جمله ایران حاضر است تمهیدات زیر را بکند و از عهده انجامشان برآید:
- ۱- همکاری اطلاعاتی با عراق و کشورهای منطقه در صورتی که واشنگتن به ایران فضائی بین المللی برای مانور بدهد و فشارهای بین المللی و تحریم را از میان بردارد. تهران نیز به مدت دو سال غنی سازی اورانیوم را با تأیید گروه بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی به تعویق خواهد انداخت.
- ۲- همکاری کامل میان تهران و واشنگتن در تمام زمینه ها. ایران که تا کنون به این دلیل که جرج بوش قصد داشت از قدرت نظامی اش برای حمله به پایگاه های حساس در ایران استفاده کند در صورت تغییر عقیده، این کشور ایالات متحده را مطمئن می سازد هیچ گونه مخالفتی در وضع قوانین متعدد در عراق از جمله قانون مربوط به گاز

و نفت در کردستان عراق و قوانین مربوط به ائتلاف شیعه نخواهد داشت.

۳- ایران اقدامی که امنیت نیروهای امریکائی و قوای دولت عراق را به خطر اندازد، بعمل نخواهد آورد.

معامله سری میان ایران و امریکا کنجکاو هائی را در اسرائیل برانگیخت، از اینرو مقامات این کشور مک کین، نامزد جمهوریه خواه ریاست جمهوری را به اسرائیل دعوت کردند و از وی در باره معامله حکومت بوش با ایران پرسیدند. آنها پس از دریافت اطلاعات لازم، قول دادند در صورتی که این معامله با موفقیت روبرو شود، آنها و لابی های صهیونیست امریکا، در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، از مک کین حمایت خواهند کرد.

انقلاب اسلامی: در حال حاضر، به گزارش رویتر ( ۷ آوریل ) امریکا از ایران خواسته است با انجام دور چهارم گفتگوهای سه جانبه موافقت کند. بر فرض که اطلاع عرب آن لاین صحیح نباشد، مواد پیشنهادها، بخشی از معامله ای را تشکیل می دهند که می تواند انجام گیرد. اگر در صحت این خبر تردید است، در عوض، پیشنهاد مشترک صادق خرازی و سفیر سوئیس در تهران که در دوره خاتمی و با تأیید خامنه ای به حکومت بوش پیشنهاد شد، دقیق و درجه و توفش کامل بود.

### \* « وزیرانی » که قرار است جایگزین شوند جای خود را به چه کسانی خواهند داد؟

سایت اینترنتی وابسته به احمد توکلی، خبر داده است: "محمد رحمتی" وزیر راه و ترابری، "داود دانش جعفری"، وزیر امور اقتصادی و دارایی و "مصطفی پورمحمدی" وزیر کشور، وزرای هستند که به دستور احمدی نژاد "به زودی" از مقام خود برکنار خواهند شد.

با برکناری این سه وزیر، تعداد وزاری که در دولت محمود احمدی نژاد، پست وزارتی خود را از دست می دهند به ۸ نفر خواهد رسید.

در صورت تحقق این تصمیم، "بزرگترین و جدی ترین اصلاح کابینه در دولت نهم" به وقوع خواهد پیوست.

یک وبسایت دیگر نزدیک به محافظه کاران هم در خبری با تأیید برکناری وزرای اقتصاد، راه و کشور اعلام کرد، "منوچهر متکی"، وزیر امور خارجه نیز در لیست این تغییرات قرار گرفته است.

مهم ترین مسئولان و وزاری که در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد تاکنون استعفا کرده یا برکنار شده اند به این شرح هستند:

- ۱ - علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و مذاکره کننده ارشد هسته ای
- ۲ - کاظم وزیر همامانه، وزیر نفت
- ۳ - محمود فرشیدی، وزیر آموزش و پرورش
- ۴ - فرهاد رهبر، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- ۵ - محمدباقر ذوالقدر، معاون وزیر کشور در امور امنیتی
- ۶ - رحمانی فضلی، معاون دبیر شورای عالی امنیت ملی
- ۷ - علیرضا طهماسبی، وزیر صنایع
- ۸ - ابراهیم شبیانی، رئیس کل بانک مرکزی





۹- محمد ناظمی اردکانی، وزیر تعاون  
۱۰- پرویز کاظمی، وزیر رفاه  
• جمال کریمی‌راد، وزیر دادگستری  
دولت نهم نیز در سال ۸۵ در سانحه رانندگی درگذشت.  
الهام، سخنگوی احمدی نژاد، در ۲۱ فروردین گفت: قرار بر تغییر وزیران کشور و امور اقتصاد و دارایی است.

**انقلاب اسلامی:** خبر ناسازگاری متکی و پورمحمدی را با احمدی نژاد، این نشریه بهنگام بروز اختلاف انتشار داد. اما با توجه خبر «تعدیل دولت نهم» و ایجاد «دولت آشتی ملی» چه کسانی چنانچین این «وزیران» خواهند شد؟ تأمل در خبر می‌گوید که بنا بر آشتی با مردم ایران نیست بلکه بنا بر آشتی با آمریکا است. ترکیب حکومت بنا بر قول شیخ حسن نصرالله می‌باید متناسب با برخورد و بنا بر خبر «تشکیل دولت آشتی ملی» متناسب آشتی با آمریکا خواهد شد.

**\* نامه قالیباف به احمدی نژاد و پاسخ احمدی نژاد: این فضولی ها به شما نیامده است!**

گفته می‌شود قالیباف نامه ای به احمدی نژاد نوشته و در آن، یادآور شده است که در دورانی که شما شهردار بوده اید، بر سر ۳۴۰ میلیارد تومان از بودجه شهرداری معلوم نیست چه آمده است. اینک که در مقام ریاست جمهوری هستید، تکلیف آن را معین کنید تا پرونده بسته شود.

احمدی نژاد در حاشیه نامه او می‌نویسد: این فضولی‌ها به شما نیامده است. معاون او بازگرداندن نامه را به شهردار تهران صحیح نمی‌بیند و آن را نزد خود نگاه می‌دارد. اما از نامه فتوکپی گرفته می‌شود و فتوکپی به دست قالیباف می‌رسد. قالیباف، وقت ملاقات از خامنه‌ای می‌گیرد و نزد او می‌رود. ماجرا را به او می‌گوید اما فتوکپی را نشان نمی‌دهد. خامنه‌ای به او می‌گوید احمدی نژاد چنین کاری را نمی‌کند. افراد مفتن می‌خواهند میان شما دشمنی ایجاد کنند. چند روز بعد، قالیباف به نزد خامنه‌ای باز می‌گردد و می‌گوید: آن افراد گفتند ما مفتن نیستیم دل‌سوز نظام هستیم. احمدی نژاد دارد نظام را به باد می‌دهد. این هم فتوکپی نامه!

**انقلاب اسلامی:** ماجرا ولو ساخته ذهن باشد، بسیار گویا است: وسط را گرفتن توسط خامنه‌ای در واقع نوعی مشغول کردن ضد‌ها با یکدیگر بسود موقعیت خویش است. نادانی احمدی نژاد واقعیتی است که جمهور مردم برآوردند. این ماجرا نیز خواه واقعیت داشته و چه نداشته باشد، بیانگر نادانی و رفتار زورمدارانه او است.

**\* صف آرائی دو نامزد ریاست مجلس، یکی حداد عادل و دیگری لاریجانی:**

«اتلاف قالیباف - لاریجانی - محسن رضائی علی لاریجانی را نامزد ریاست مجلس کرده اند. دیگر تمایلهای «اصول‌گرا» حداد عادل را نامزد ریاست محس هشتم مافیها کرده اند. در صورتی که خامنه‌ای بسود حداد عادل مداخله نکند، انتخاب رئیس مجلس فرصت زور آزمائی مافیهای موافق و مخالف احمدی نژاد - حداد عادل و مافیهای رقیب خواهد شد.

**\* اصلاح طلبان در دور دوم انتخابات «شرکت می‌کنند یا خیر؟»**

«همسر خمینی، در جریان فشارهای اخیر بر اصلاح‌طلبان و خط امام، تهدید کرده بود: اگر دست بردارید می‌آیم توی کوچه و بازار و ناگفته‌ها را فاش می‌کنم.»  
«قبل از انتخابات مجلس هشتم، میردامادی در جلسه‌ای گفته است ما عملاً در انتخابات ریاست جمهوری نهم توسط بالا مدیریت شدیم. یکی از اعضای حزب سؤال کرده است این همه اصراری که می‌کنید تا در انتخابات مجلس شرکت کنیم، از کجا معلوم که بعداً هم نیایند و بگویند در این انتخابات هم ناخواسته از بالا مدیریت شدیم.»

از اتفاق، پس آنکه «اصلاح طلبان» قربانی سیاست خامنه‌ای - که بنا بر قول هاشمی رفسنجانی و خاتمی از ترس پاسدارها طبق دلخواه آنها عمل می‌کنند - در یکدست سازی دولت شدند، گفتند: زیر فشار خاتمی در انتخابات شرکت کردیم و او هم تحت تأثیر هاشمی رفسنجانی قرار گرفت!  
«میان اصلاح طلبان بحث بر اینست که باید در دور دوم انتخابات قلابی شرکت کرد و یا نباید کرد؟ ستاد هماهنگی اصلاح طلبان می‌گوید: تصمیم بر بر عهده نامزدهائی گذاشته است که به دور دوم راه یافته اند. در ۳ آوریل، خبرگزاریها گزارش کردند که اصلاح طلبان تصمیم گرفته اند در دور دوم شرکت کنند.

**\* دستگیری «سردار» زارعی رئیس «نیروی انتظامی تهران بزرگ»:**

خبر دستگیری رئیس نیروی انتظامی تهران بزرگ، «سردار» زارعی انتشار یافت. او را در خانه ای دستگیر کردند که خاص گرفتن و بردن و تجاوز کردن به زنان بود. دستگیری او بعد از آن جنایت بنام «مبارزه با اوباش» و اعدامها، البته نمی‌باید انجام می‌گرفت. حال که بدون اطلاع قاضی مرتضوی انجام گرفت، نمی‌باید خبر آن انتشار می‌یافت. حال که انتشار یافت، می‌باید دلیل دیگری برای آن تراشیده می‌شد. از این پس نیز نباید سبب شود که خبرهای مربوط به عیاشی‌ها و تجاوزهای جنسی همقطارهای او انتشار یابد. چرا که چنین رفتاری مثل یک بیماری فراگیر، سران تازه به دوران رسیده و «سرداران» «ذوب در ولایت فقیه» را به خود مبتلی کرده است.

همین شخصی افراد قوای انتظامی مرد را بر سر میدانهای شهر گمارده به آنها دستور داده بود اگر مشاهده کردید زنی یا دختری موجب تحریک مردان می‌شود او را دستگیر کنید و به منکرات یا ستاد امر به معروف و نهی از منکر و یا ستاد خیابان وزرا تحویل دهید. نکته مهم این که این مردان چگونه باید متوجه می‌شده اند که پوشش زن یا دختری تحریک کننده است؟ در واقع، مأموریت آنها این بوده است که ببینند کدامها هستند زنان و دخترانی که اشتیهای جنسی ای زورگویان را فرو می‌نشانند. چرا

**اعتیاد به مجاز**

که تحریک شوندگان مردم عادی نیستند زیرا آنقدر گرفتار مسائل معیشتی هستند که اگر هم بخواهند نمی‌توانند خود را به اینطور کارها مشغول کنند. در ایران امروز، ناامنی زیر سر دولتی‌ها است. بخصوص عدم

امنیت زنان و دختران. بدین لحاظ است که هرگاه دختری دیر به خانه بازگردد، فکر خانواده نخست متوجه پاسدار و بسیجی می‌شود.

• مردم هنوز مردم به یاد داشته باشند علامت نقدی به دلیل چندین جنایت و تجاوز به عنف دستگیر شده بود اما به دستور رهبری از زندان آزاد شد زیرا او در مسائل هسته ای نیز دخیل بود. علاوه بر آن از سوی احمدی نژاد به مقام معاونت مبارزه با قاچاق کالا و ارز رسید تا از طریق روابط خارجی خود اجناس غیر مجاز را وارد نماید. از این کار نیز برکنار شد.  
• شاید هنوز مردم به یاد داشته باشند که «سردار دکتر» امین حیاتی استاندار قبلی خوزستان به دلیل داشتن روابط جنسی با زنی که مدعی بود او را صیغه کرده است از کار برکنار شد. سردار زارعی یار غار مرتضوی دادستان معروف تهران است که او هم خود پرونده ای در مسائل اخلاقی در شهر کرمان دارد.

سران این نظام که همگی ادعای پیامبری و ارتباط با امام زمان را می‌کنند همین‌هایی هستند که به این جرم‌ها دستگیر می‌شوند و با آبروی انمه اظهار بازی می‌کنند و آنان را نیز نزد مردم بی اعتبار می‌سازند.  
فعال‌سر و صدای ماجرا را خوابانده اند. او را به قید وثیقه آزاد کرده اند. به احتمال قوی دیگر سر و صدای پرونده او بلند نخواهد شد.

**\* امسال از ترفه‌های چهارشنبه سوری خبری نبود:**

هر سال از یکی دو هفته مانده به چهارشنبه آخر سال صدای انفجار ترفه و نارنجک فضای شهر را فرا می‌گرفت. اما امسال به ندرت صدای ترفه و انفجاری شنیده شد. شیوه اعتراضی بود که جای خود را به شیوه اعتراض دیگری باید می‌داد. پیش از چهارشنبه آخر سال، جوانها فرصت یافتند مبارزه برای تحریم انتخابات را پیش ببرند. شرکت وسیع آنها در جنبش تحریم آیا علامت آنست که در فکر یافتن روشهای اعتراضی صریح تر و رویارویی مستقیم تری هستند؟ زمان پاسخ این پرسش را خواهد داد.

**\* شدت اعتراضات علنی مردم در ایران بیشتر شده است.**

روز به روز بر اعتراضات علنی مردم به سیاست‌های رژیم ولایت مطلقه فقیه افزوده شود: اخیراً با توجه به گرانی‌ها و افزایش قیمت بنزین و خواروبار فشار بر مردم بیشتر شده است و به همین دلیل در بیشتر مواقع مردم نظام را به باد انتقاد و تمسخر می‌گیرند.

مردم، در اعتراضات علنی، همه را مد نظر دارند و به کسی رحم نمی‌کنند. اما نوک پیکان اعتراضات متوجه احمدی نژاد و خامنه‌ای است

• پس از این دو، متوجه سپاه پاسداران است.  
از قرار، مردم همانگونه که نظام مدعی بود دشمن شناس شده اند اما این سران رژیم و کلیت رژیم است که دشمن خود شناخته اند.  
در اکثر مواقع دیده می‌شود که مردم قبل از اعتراض و انتقاد تگاهی به

افراد حاضر می‌اندازند و سپس شروع به انتقاد های آرام می‌کنند و وقتی متوجه می‌شوند که دیگران نیز با آنها همراه هستند بر شدت انتقاد، از رده بالا به پایین، با بدترین کلمات، می‌افزایند.  
کلمه‌ها و جمله‌ها بسیار جالب هستند و بیاتر وجود فکر جمعی است که مطلوب مردم را بیان می‌کند:  
• خدا لعنت کند کسی را که این وضع را به وجود آورده است.  
• خدا نابود کند کسی را که ظلم می‌کند.  
• خدا نسل آخوندها را بر اندازد.  
• این آدم احمق شده رییس جمهور ما!  
• تقصیر خود ماست که این جنایتکاران بر ما حاکم شده اند.  
• در روزهای انتخابات به هر کس که می‌گفتیم آیا شما در انتخابات شرکت کرده اید، تمسخر کنان می‌گفت:  
• بله از دیشب در صف بودم!  
• ما خانوادگی دیشب در صف خوابیده بودیم!  
• آنقدر صف شلوغ بود که قرار شد ما فردا در انتخابات شرکت کنیم!  
• به ما گفتند که چون شلوغ است شما اگر رأی ندهید اشکالی ندارد!  
این اعتراضها گویای آنند که مردم دیگر امید از اصلاح رژیم از درون بر گرفته اند و فکر تغییر آن دارد همگانی می‌شود.

• پس از این دو، متوجه سپاه پاسداران است.  
از قرار، مردم همانگونه که نظام مدعی بود دشمن شناس شده اند اما این سران رژیم و کلیت رژیم است که دشمن خود شناخته اند.  
در اکثر مواقع دیده می‌شود که مردم قبل از اعتراض و انتقاد تگاهی به افراد حاضر می‌اندازند و سپس شروع به انتقاد های آرام می‌کنند و وقتی متوجه می‌شوند که دیگران نیز با آنها همراه هستند بر شدت انتقاد، از رده بالا به پایین، با بدترین کلمات، می‌افزایند.  
کلمه‌ها و جمله‌ها بسیار جالب هستند و بیاتر وجود فکر جمعی است که مطلوب مردم را بیان می‌کند:  
• خدا لعنت کند کسی را که این وضع را به وجود آورده است.  
• خدا نابود کند کسی را که ظلم می‌کند.  
• خدا نسل آخوندها را بر اندازد.  
• این آدم احمق شده رییس جمهور ما!  
• تقصیر خود ماست که این جنایتکاران بر ما حاکم شده اند.  
• در روزهای انتخابات به هر کس که می‌گفتیم آیا شما در انتخابات شرکت کرده اید، تمسخر کنان می‌گفت:  
• بله از دیشب در صف بودم!  
• ما خانوادگی دیشب در صف خوابیده بودیم!  
• آنقدر صف شلوغ بود که قرار شد ما فردا در انتخابات شرکت کنیم!  
• به ما گفتند که چون شلوغ است شما اگر رأی ندهید اشکالی ندارد!  
این اعتراضها گویای آنند که مردم دیگر امید از اصلاح رژیم از درون بر گرفته اند و فکر تغییر آن دارد همگانی می‌شود.

**\* پخش «اخبار مخصوص» از صدا و سیما**

مدتها است که برنامه خبری معروف به ۲۰:۳۰ به صورتی کاملاً سیاسی از شبکه های مختلف صدا و سیما که به اصطلاح رسانه ای ملی است پخش می‌شود.  
اخباری که در این برنامه پخش می‌شوند، تکرار «خبرهای مخصوص» است که در کیهان منتشر می‌شود. تهیه کننده این برنامه نیز مسئولان روزنامه کیهان هستند. این خبرها توسط برخی از گویندگان صدا و سیما در ساعات مختلف پخش می‌شوند.  
این اخبار کاملاً سیاسی ویژه و سیاسی تنها به قصد تخریب کلیه نیروهای است که به غیر خودی معروف هستند. کاری از نوع برنامه هویت و چراغ و کنفرانس برلین است و همان برنامه سازان آن را تهیه می‌کنند که آن برنامه‌ها را ساخته بودند.  
مافیهای نظامی - مالی رژیم ولایت فقیه اینبار با کمک «سردار» ضرغامی به صورت روزانه و هر روز در دو نوبت عصر و شب، برنامه «تخریب» نیروهای ملی و مذهبی و حتی اصلاح طلبان را تهیه و اجرا می‌کنند.

**\* گروه «دانشجویی» جدید که برای سرهای سران اسرائیل جایزه تعیین کرده است!**

گروه جدید «جنبش عدالت خواه دانشجویان» که وابسته به رژیم ولایت فقیه است و تا حدی هم با استفاده از قدرت در برخی از دانشگاهها نیرو جمع کرده است، در همایشی، برای سرهای برخی از سران اسرائیل جایزه تعیین کرده است و از مردم خواسته است که برای کمک به هزینه ترور آنها اقدام به فروش کلیه هایشان بکنند! این خبر در روزنامه کارگزاران در ۱۹ اسفند ماه سال گذشته درج شده است.

**\* طرح جدید احمدی نژاد برای بازماندگان:**

از این «رییس جمهوری» نادان خبری به زندگان نمی‌رسد. پول نفت را به سفره های مردم نبرد اما حالا می‌خواهد خیرش به بازماندگان برسد:  
• شنیده شد که احمدی نژاد گفته است سعی می‌کند امسال گرانی را کاهش دهد اما از همان ابتدای سال، قیمت‌های همه مایحتاج بار دیگر افزایش یافتند. سیاست بنزین آزاد به قیمت ۴۰۰ تومان موجب شد تا از اولین روزهای سال جدید قیمت‌ها حداقل بین ۲۵ درصد تا ۱۰۰ درصد افزایش یابند.

• اما طرح جدید او برای بازماندگان مردگان اینست:  
تسهیلات جدید برای بیمه‌شدگان تامین اجتماعی: با ابلاغ قانون اصلاح قانون تامین اجتماعی توسط رئیس جمهوری به وزارت رفاه و تامین اجتماعی، تسهیلات جدیدی برای بیمه‌شدگان فوت شده تحت حمایت بیمه تامین اجتماعی، تعلق می‌گیرد.  
به گزارش آریا، در ماده واحده این قانون آمده است که تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۷ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:  
۱- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته‌باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد.

بر اساس بند دیگری از این ماده واحده، بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازاء هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به طور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده(۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود.

این قانون که در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۶مجلس شورای اسلامی تصویب و با توجه به ابراد شورای نگهبان، در تاریخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسیده و طی نامه شماره ۱۸۸/۱۹۱۲۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۵ مجلس شورای اسلامی به دولت واصل شده است، در نامه شماره ۱۳۸۶/۱۹۹۲۱۹در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۸۶ توسط دکتر محمود احمدی‌نژاد جهت اجرا ابلاغ شده است.

با این پول ناچیز چه دردی از بازمانده ها درمان می‌شود؟ رژیم کاری به پاسخ این پرسش ندارد. در صفحه ۷





صورت قضیه اینست که دولت مافیها به فکر بازمانده ها هست!

**\* تراوشات عقلهای زور پرست حاکم بر ایران:**

• سردار رادان: « قرار گرفتن چکمه بر روی شلوار به دلیل نشان دادن بخشی از برجستگی بدن از مصادیق شرع است و تبرج به حساب می آید. »  
• آیت الله جوادی آملی: «

دانشمندان فیزیک، شیمی، بارانشناسی و زمین شناسی بدون پسوند اسلامی نفهمند.»

• حسنی، امام جمعه ارومیه: « اگر فرد مشرکی را وقتی فهمیدیم که واقعا مشرک شده، باید او را بسوزانیم. اگر با گلوله هم بود اشکالی ندارد.»

• امام جمعه شیراز: « گرانی خانه باعث شد جوانان پاک ما به جای مسکن، دوست دختر و دوست پسر بگیرند.»

• شکوفه گلخو، رییس دانشگاه الزهرا: « بدحجابی زنان موجب فعال شدن غده هیپوفیز مردان در تولید مثل میشود.»

• قزاقی: « ما آخوندها همیشه مثل گاز اشک آور عمل می کنیم؛ فقط بلدیم گریه مردم را در آوریم.»  
• احمدی نژاد: « ما یک کشور آزاد هستیم.»

• سید حسین مرعشی: « احمدی نژاد نه فقط معجزه هزاره سوم، که معجزه هزاره چهارم هم هست.» (البته از راه تمسخر گفته است)

• امام جمعه تبریز: « علت زلزله اخیر تبریز، اظهارات اعلی نماینده تبریز در مورد سیدالشهدا بود.»

• آیت الله خزعلی: « حجاب موجب بالا رفتن معدل دانشجویان میشود.»  
• احمدی نژاد: « در ایران همجنسگرا نداریم.»

• احمدی نژاد: « ایران قدرت اول جهان است.»

• آیت الله حسینی: « اگر مؤمنین غسل جمعه را انجام ندهند مشکلات کمبود گاز مرتفع می شود.»

• وزیر مسکن: « ساکنان شهرهای بزرگ امیدی به خانه دار شدن نداشته باشند.»

• واواک: « ستجابهایی جاسوس در مرز دستگیر شدند.»

• احمدی نژاد، پیش از انتخابات: نفت را سر سفره مردم می آوریم، احمدی نژاد بعد از انتخابات: «نفت خوردنی نیست که سر سفره ها بیاوریم.»

• الهام، سخنگوی (وقت) حکومت: « نفت را سر سفره مردم نمی آوریم، بوی بد می دهد.»

• مسئولین نیروی انتظامی در ملاقات با یک گروه از وزارت کشور آلمان آمادگی خود را برای تامین امنیت بازبهای جام جهانی (در آلمان) اعلام کردند.

• اسماعیل ططری، نماینده سابق کرمانشاه: « آلمانی ها اگر بشر بودند یک زن رقص رئیسشان نمی شد.»

• احمدی نژاد: « اینها .... به اندازه بزغاله هم از دنیا فهم و شعور ندارند.»

• علی لاریجانی در جریان رسیدگی به پرونده هسته ای ایران: « با شکلات راضی نمی شویم.»

• لاله افتخاری، نماینده مجلس: « در سرزمین اسلامی نباید یک مریض زن بدست نامحرم مداوا شود.»

• شکراله عطازاده، نماینده مجلس هفتم: « کوندالیزا رایس یک پیر دختر

**اعتیاد به مجاز**

این مهره وابسته به روحانیت که در ابتدا انگیزه خود را اسلام و حمایت از مردم به زبان می آورد به جایی رسید که گفته بود اگر لازم باشد برای دفاع از ولایت دو میلیون نفر را هم خواهد کشت.

محسن رضایی با پایان جنگ وارد کارهای اساسی شد یعنی بخور و بیر شد. گفته می شود او یکی از واسطه های رانت خوار در اقتصاد کشور می باشد. در حال حاضر، او دبیر شورای مجمع تشخیص مصلحت می باشد که فرزندان خود را نیز «به خاطر عشق به اسلام و قرآن» به مقاماتی در این مجمع رسانده است.

او یک بار اقدام به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نمود. اما وقتی متوجه شد « رهبر» طرفدار فرد خاصی است بدون اینکه اعتراضی بکند از گردونه خارج شد. هم اینکه با یاری سردارانی دیگر از جمله «سردار سرلشکر دکتر» محمد باقر قالیباف و «سردار سرتیپ دکتر» علی لاریجانی برای مقابله با برخی از نیروهای دیگر سپاه از جمله «سردار دکتر» محمود احمدی نژاد و «سردار سرلشکر دکتر» محمد علی - عزیز - جعفری و ... وارد کارزار رقابتی مجلس شده است.

محسن رضایی از قدرتمندترین سردران سپاه پاسداران است و سالها با حمایت وی ترورهای خارج از کشور صورت می گرفت او در جریان بسیاری از بمب گذاری های داخل و خارج از کشور دخیل بوده است

احمد رضایی، فرزند محسن رضایی اخیراً به سمت مشاور وی در دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب گشته است. احمد رضایی اندکی پس از پایان فرماندهی محسن رضایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به دوی و آژانجا به آمریکا گریخت و مطالب فراوانی را به نظام نسبت داد و موجب ایجاد مشکلات فراوان برای این سردار مستعفی گشت. همچنین علی رضایی پسر دیگر محسن رضایی که ۲۶ سال دارد اخیراً بعنوان معاونت ارتباطات دبیر خانه مجمع مشغول به کار شده است.

مدتی پیش، تلاشهای گسترده ای برای انتصاب علی رضایی بعنوان مدیر عامل بیمه ایران شده بود که با عدم موفقیت این تلاشها، محسن رضایی فرزندش را به نزد خود برد.

۲- «سردار سرلشکر دکتر» غلامعلی رشید - یکی از مرموزترین فرماندهان سپاه از ابتدای انقلاب تا به حال و از جمله افرادی است که در سپاه به کارهای اطلاعاتی و امنیتی مشغول است. غلامعلی رشید جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و از ارشدترین فرماندهان سپاه پاسداران است که خامنه ای اعتمادی وافر به وی دارد.

۳- «سردار سرلشکر دکتر» فیروز آبادی از بی بنیه ترین سرداران سپاه است. او که در هیچ زمینه ای از جنگ توانایی نداشت و بعد از جنگ، با یاری برخی از سرداران که در زمینه زد و بندهای مالی و اقتصادی بسیار فعال بودند به مقام رییس ستاد فرماندهی مشترک رسید و هنوز هم در این مقام است، از جمله افرادی است که بی محابا از دخالت نیروهای نظامی در سیاست حمایت میکند. بنا بر دستور او بود که در انتخابات ریاست جمهوری کلیه نیروهای نظامی مجبور

به شرکت و تقلب در انتخاباتی شدند و احمدی نژاد را به ریاست جمهوری رساندند. برادر وی در جمعیت اینترگران و در تلاش کسب قدرت بیشتر است.

فیروز آبادی از جمله سیاسی ترین پاسداران است. او از ابتدای جنگ بدون اینکه در جریان جنگ باشد به مقام خود بیشتر از همه چیز فکر می کرد. در انتخابات ریاست جمهوری، کسی بود که دستور کتبی برای شرکت نظامیان در انتخابات و حمایت از احمدی نژاد را داد. تقلبها در اصفهان و تهران بنا بر دستور وی انجام شدند.

فیروز آبادی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به بحث انتخابات مجلس هشتم پرداخت و خواستار جلوگیری از ورود کسانی به مجلس شد که وی آنان را متحصنین و مرعوب آمریکا شدگان خواند. به گزارش خبرگزاری فارس، فیروز آبادی موضع خود را در مراسم صبحگاهی ستاد کل نیروهای مسلح ابراز کرد.

وی در این مراسم با تاکید بر ادامه «راه امام» و حفظ دستاوردهای انقلاب گفت: هر دهه فجری که می گذرد برکات انقلاب اسلامی در ایران و جهان روزافزون تر شده و تأثیرات مثبت بیشتری را به جا می گذارد وی با اشاره به پایبندی نیروهای مسلح به میثاق امام و شهیدان گفت: باید شکر نعمت ولایت فقیه، جمهوری اسلامی، پیشرفت های علمی و صنعتی، استقلال و آزادی و مردم سالاری در کشور را بدانیم و از دستاوردهای مهم امام یعنی ایمان، وحدت، خدمت به محرومان و عمل به ارزش های دینی، پاسداری و حمایت کنیم چرا که این ارزش ها، انقلاب اسلامی را ایجاد کرد و موجب تداوم آن شد. باید ضمن حمایت و تبعیت از رهبری انقلاب، قدردان مسوولان نظام نیز باشیم که به عنوان مثال دکتر احمدی نژاد امروز الگوی مسوول صالح در جمهوری اسلامی و الگوی مسوولان نظام است و باید قدر این رئیس جمهور مردمی و مسوول را بدانیم.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح با تقدیر از تلاش های رئیس جمهوری، اظهار کرد: احمدی نژاد در خدمت به مردم سر از پا نمی شناسد و قلب قالب مردم ایران سرشار از محبت اوست و همیشه او بین مردم و با مردم است که مکرراً فعالیت ها و تلاش های او و نیز زنده کردن ارزش های امام در دولت او توسط رهبری انقلاب مورد تایید و تقدیر قرار گرفته است.

وی تاکید کرد: آمریکا به عده بی مرعوب و فریفته غرب امید بسته است. آنها که نامه نوشتند تا با بوش بسازند و به رهبری نوشتند با بوش بسازد و در مجلس تحسن کردند و در دانشگاهی که ۵۰ سال مظهر مبارزه با امریکاست و هنوز خون شهیدان مبارزه با استکبار در آن می جوشد، نفوذ کردند و به نفع آمریکا شعار دادند. ملت ایران باید اینها را بشناسند. فیروز آبادی اضافه کرد: مباد آنها که آمریکا به آنان دل بسته بتوانند به کرسی های مجلس شورای اسلامی دست یابند و باز آن کنند که کردند. ملت نیز با هوشیاری بایسته با اسوه قرار دادن خط امام، کلام رهبری و جهت گیری های رئیس جمهور، دلدادگان آمریکا و غرب را کنار بگذارند و به کاندیداهای

دلسوز، حامی محرومان و مومن اقبال داشته باشد ...

فیروز آبادی، عضو مجمع تشخیص مصلحت و عضو شورای امنیت ملی نیز هست. او از گروه ها و افراد سؤال کرد: چرا بوش که ایران را محور شرارت خوانده و دائم بر دشمنی با ملت ایران پافشاری می کند و هر روز ما را تهدید می کند، از برخی جناح ها و اشخاص حمایت می کند؟ جز این نیست که این جناح ها و اشخاص مورد حمایت بوش منافع آمریکا را تامین می کنند و بوش منافع خود را از طرف آنها تامین شده می بیند. مگر ملت ایران یک بار طعم این ننگ را نچشیده است. درایت، نیک اندیشی، عقل و عزتمنداری حکم می کند که ملت ایران از اینها برانت بجوید و با توکل به خدا و توجه به راه امام و تأکیدات رهبری در انتخابات ۲۴ اسفند حاضر شده و بار دیگر دشمنان را ناامید سازد. ۴- سردار محمد باقر ذوالقدر از مخوف ترین فرماندهان سپاه پاسداران است. او بیشتر از آنکه نظامی باشد اطلاعاتی و امنیتی است و سالها در مقام فرماندهی های مختلف مشغول به کار بوده است. از آنجا که بسیار امنیتی بود در دوران احمدی نژاد به عنوان معاون امنیتی وزارت کشور انتخاب شد و این در حالی بود که بنا به گفته سردار حجازی، همسر او نیز در معاونت بانوان وزارت کشور، معاونت خانم سلطانخواه را بر عهده داشت.

بر اساس گفته های صریحش، ذوالقدر دخالت سپاه و بسیجیان بوده است که احمدی نژاد را به ریاست جمهوری رسانده است. در زیر برخی از نظرات این زور پرست را می آوریم:

محمدباقر ذوالقدر که تا امروز قائم مقام فرمانده کل سپاه پاسداران بوده است. در سال ۶۸، ستاد مشترک سپاه پاسداران که هماهنگ کننده پنج نیروی زمینی، هوایی، دریایی، قدس و نیروی مقاومت بسیج سپاه بود را تشکیل داد و از سوی خامنه ای به عنوان نخستین رئیس این ستاد منصوب شد.

وی از جمله اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود که بعد از درگیری هایی که در سازمان به وجود آمد و منجر به دخالت خمینی و فرستادن راستی کاشانی به آن سازمان شد و انحلالش شد، از آن سازمان خارج و در سپاه ماندگار شد.

ذوالقدر در همایش فرماندهان بسیج اداری و کارگری سراسری کشور، گفت: بسیج ادارات می تواند با همکاری و هماهنگی با مسئولان اجرایی، نقش تعیین کننده ای در تحقق دولت اسلامی داشته باشد. انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در نوع خود بی نظیر بود و با وجود تلاش گسترده دشمنان و بدخواهان به بهترین نحو ممکن برگزار شد و با عنایت الهی و به مدد آگاهی و احساس مسئولیت مردم هم حضور حداکثری که راهبرد تضمین شده از سوی مقام معظم رهبری بود تحقق یافت و هم فرد صالح و شایسته ای از مجموعه اصولگرایان اصلاح طلب به توفیق خدمتگزاری در این عرصه دست یافت. وی با تخطئه کسانی که نیروهای اصولگرا را در جریان انتخابات به بی برنامهگی، اختلافات، قدرت طلبی و عدم تفاهم بر سر کاندیدای واحد متهم می کردند افزود: در شرایط پیچیده سیاسی که قدرت های خارجی و جریان های





فزون خواه در داخل از مدت ها قبل مترصد عمل بوده و برنامه ریزی کرده بودند که نتیجه انتخابات را به نفع خود تغییر دهند و از شکل گیری یک دولت کارآمد اصولگرا جلوگیری نمایند، باید پیچیده عمل می شد و طراحی درست و اصولگرا بحمدالله با طراحی درست و چند لایه توانستند در یک رقابت واقعی و تنگاتنگ، حمایت اکثریت مردم را به خدمتگزاری بیشتر و موثرتر به آنها جلب نمایند. ملت ایران با این انتخاب نشان داد همچنان به آرمان ها و اهداف اولیه خود پایبند است و سعادت و کمال خود را در تحقق این ارزش ها جست و جو می کند.

... به گزارش خبرنگار سیاسی "مهتر" وی در همایش سراسری هادیان سیاسی بسیج گفته است: برای مقابله با تهدیدها باید با چالش ها و آسیب پذیری های درون خود مقابله کنیم که مهم ترین آن رخنه عناصر ضعیف، واداده و نفوذی در درون نظام است. باید ارکان نظام را از عناصری که به میانی دینی و حکومت دینی اعتقاد ندارند، پاک کنیم زیرا مادامی که این عناصر هستند ما آسیب پذیر هستیم. موفقیت در انتخابات شوراها و مجلس شورای اسلامی پاک سازی دو رکن مهم از عناصر نفوذی بود.

بنا بر گفته هایش، او یکی از سیاسی ترین فرماندهان سپاه از دخالت چند لایه « در انتخابات اعتراف کرده است. و بدین دخالت توانسته است دو رکن، قوه های مقننه و مجریه کشور را پاک سازی کند.

۵- « سردار » اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی، از قرار، باجناب احمدی نژاد است. وی در جنگ فرماندهی تیپ، لشکر و

قرارگاه حمزه را تجربه کرده و در طول سال های پس از جنگ و در دوران سردار لطفیان در سمت هایی چون فرماندهی دانشگاه علوم انتظامی و معاونت هماهنگ کننده نیروی انتظامی خدمت کرده است. احمدی مقدم با ورود قالیباف به نیروی انتظامی به نیروی مقاومت بسیج رفت و جانشین سردار حجازی فرمانده نیروی مقاومت بسیج شد و همزمان فرماندهی بسیج منطقه تهران را به عهده داشت. احمدی مقدم، دارای مدارک تحصیلی کارشناسی علوم قضایی، کارشناسی ارشد مدیریت و دکترای مدیریت استراتژیک دفاعی امنیتی می باشد.

آنچه در پی می آید بخشی از نظریات سردار احمدی مقدم است که در سخنرانی های یک ساله گذشته اش ابراز داشته است:

«... حرکت برخی گروه های فشار به دور از ضوابط و آیین نامه های قانونی بوده و نیروی مقاومت بسیج با اینگونه فعالیت ها موافق نیست.»

«... در حال حاضر، ما باید مبارزه ی فرهنگی را اصل قرار دهیم و اجازه ندهیم که دشمنان فرهنگ خود را به ما تحمیل کنند، بلکه ما باید فرهنگ اسلامی و ایرانی خود را تحمیل کنیم.»

«... مهمترین گردهای که انقلاب از آن عبور کرد، در سال ۶۰ بود. در آن سال ها بنی صدر حرف های اصلاح طلبانه می زد، امروز حرف های اصلاح طلبان با حرف های بنی صدر تفاوت زیادی ندارد، عده ای امروز تضعیف روحیه می کنند که ما باید تسلیم آمریکا شویم و در مقابل آمریکا کوتاه بیاییم، این در حالی است که آمریکا هیچ گاه مثل امروز در موضع ضعف نبوده است.»

## اعتیاد به مجاز

علی افضلی به خوبی وضعیت جنگ را در ابتدا روشن می کند تا شاید خوانندگان بدانند که ارتش قوی عراق با تمام تجهیزات به ایران حمله کرد و ارتش ایران با وجود تمام بد رفتاری هایی که با آن شده بود با درایت فرماندهان رشیدش و نیز روحیه و فرماندهی فرمانده کل قوا، بنی صدر، در عرض ۳۴ روز قوای دشمن را ناگزیر کرد از شهرهای ایران عقب بنشیند. از آن پس، ابتکار عملیات از آن ارتش ایران شد.

البته او تاریخ ها را جا به جا می کند. در حقیقت، در ۳۴ روز اول جنگ و از آن پس، تا ۲۰ خرداد، فرماندهی کل قوا با بنی صدر بود. کودتا زمانی انجام شد که هیأت نمایندگی کنفرانس عدم تعهد قرار بود پاسخ موافق صدام را بیاورد و جنگ پایان بپذیرد. بنی صدر در جبهه بود و کودتاگران در تهران واپسین قسمت از نقشه کودتا را اجرا می کردند.

۶- « سردار » مرتضی رضایی از جمله مخوف ترین نیروهای فرماندهی سپاه پاسداران است. وی از زمان جنگ در حفاظت اطلاعات این نیرو مشغول به کار بوده است و در سال جاری با توجه به اخباری که به فرماندهی کل قوا یعنی خامنه ای به مورد سپاه رسیده بود او را به جانشینی فرماندهی سپاه منصوب کرد تا این مهره مورد اعتمادش بتواند نظارت کامل بر سپاه داشته باشد.

وی سالها در نقش فرماندهی حفاظت اطلاعات سپاه کار سرکوب و دستگیری نیروهای مردمی و انقلابی را بر عهده داشت. او فرد مورد اعتماد خامنه ای بود به همین دلیل اطلاعات موازی را در سپاه پاسداران ایجاد کرد. در امور امنیتی و اطلاعاتی تحت نظر اطلاعات بیت رهبری کار کنترل نیروهای سپاهی و سیاسی را عهده دار است.

۷- « سردار » قاسم سلیمانی فرمانده لشکر ویژه سپاه پاسداران قدس است. مدتهاست که او از سوی خامنه ای برای دخالت در کشورهای خارج به این سمت منصوب شده است.

این « سردار » سپاه مسئولیت سیاست خارجی ایران در کشورهای لبنان و عراق و افغانستان و فلسطین و... را از سوی خامنه ای بر عهده دارد و بیشتر کادرهای این لشکر از سوی وزارت امور خارجه در این کشورها مشغول به کار هستند. از جمله « سفیر » ایران در عراق مسئول اطلاعات سپاه قدس بوده است. تعداد چند نفری که در اربیل به اسارت امریکاییان در سلیمانیه عراق دستگیر شد، از کادرهای سپاه قدس هستند. دعوت سپاه از بچه های چه گوارا به ایران، از کارهای سپاه قدس بود که مورد انتقاد برخی از سپاهیان قرار گرفت.

سپاه قدس در کلبه ترورهای خارج از کشور تحت فرماندهی سید علی خامنه ای دست داشته و دارد.

۸- « سردار » پاسدار مسعود جزایریاز فرماندهان تبلیغات چی سپاه پاسداران است. طی یک گفت و گوی انتخاباتی با خبرنگاری ایسا، او همان حرف هایی که خامنه ای در تبریز زد و پیش از او، فیروز آبادی رئیس ستاد نیروهای مسلح و عزیز جعفری فرمانده کل سپاه زده بودند را باز گفت:

« همانطور که سرلشکر فیروز آبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت » افرادی که مرعوب آمریکا و استکبار جهانی هستند، بدخواهان، بد سلیقه ها، سودجویان و دنیاپرستانی که میلیاردها از بیت المال ملت را به کابین عقد خود در آورده اند و نیز آن هایی که به رهبری نظام نامه نوشتند تا با بوش بسازند، در مجلس تحصن کردند، در دانشگاه نفوذ کرده و به نفع آمریکا شعار دادند، این ها دشمنان منافع ملی محسوب می شوند و نباید به مجلس بروند. ملت باید صف خود را از کسانی که سابقه ی انقلابی ندارند و با تمایل به آمریکا، کشور را به سوی وابستگی می برند و کسانی که در زمان پافشاری ملت ایران بر حق مسلم خود(اتمی)، به دلیل دل دادگی به آمریکا و غرب و همسو با جنگ روانی دشمنان و رسانه های بیگانه، مسوولان مقاوم نظام را به کوتاه آمدن در برابر دشمنان دعوت کرده و خواستار تعلیق فعالیت های صلح آمیز هسته ای شدند جدا کند و اجازه ندهد آنها در جایگاه حساس و تصمیم گیرنده نظام قرار گیرند. فرماندهان و مسوولان نیروهای مسلح، مبلغ و مروج این نگرش در عرصه انتخابات آتی خواهند بود.»

۹- سردار محمد کوثری از مخوف ترین فرماندهان ارشد سپاه است. او در بسیاری از سرکوب ها دخالت داشته است وی از جمله سردارانی بود که بعد از ایلغار کوی دانشگاه در ۱۸ تیر، طی نامه ای به خاتمی اعتراض کرد. او به فکر کودتا افتاده بود.

او که در این روزها مشغول فعالیت انتخاباتی جهت ورود به مجلس از سوی گروه رایجه خوش خدمت است، در گفتگو با خبرنگاری حیات گفته است:

« اساس تفکر بسیجی نشأت گرفته از بطن کلام خدا، قرآن است که حضرت امام(ره) آن را عملیاتی کرد... اول انقلاب، سپاه پاسداران یک نهاد نوپا بود و بیشتر درگیر مسائل داخلی کشور از جمله مقابله با ضد انقلاب و دستگیری افراد ساواکی بود. گروهی می گفتند که ارتش باید منحل شود اما امام نظرشان این بود که ارتش باید باشد اما از گروه های چپ پاکسازی شود، لذا پاکسازی انجام شد اما باز هم افراد نامناسب در آن بودند، به همین دلیل امام فرمان تشکیل ارتش بیست میلیونی را دادند.»

خبرگزاری از او می پرسد: منظورتان از افراد چپی عوامل "کوتای نوژه" است؟ او پاسخ می دهد: « بله، افرادی که با کودتای نوژه می خواستند بیت رهبری را بمباران کنند و این اتفاق در تیرماه ۵۹ یعنی درست هفت ماه پس از تشکیل بسیج رخ داد.» خبرنگاری از او می پرسد: احساس می شود که بدو تاسیس، حضور بسیج در عرصه های داخلی خیلی کم رنگ بوده، آیا دلیل خاصی داشته است؟ و کوثری پاسخ می دهد: « هنگامی که بنی صدر در بهمن ۵۸ روی کار آمد، نه تنها بسیج را بلکه سپاه را هم قبول نداشت. اما جرات نمی کرد آشکارا مطرح کند. او می گفت: اگر مسوولیت نیروهای مسلح را داشته باشم کشور را اداره می کنم. فکر می کرد چون رئیس جمهور شده، نیروهای سپاه زیر پرورشش را می گیرند و هر خلاف و خطایی هم انجام دهد به او چیزی نمی گویند. می

خواست همان بنای قبلی را به شکل مدرن و با خط و خطوط آمریکایی ها پیاده کنند...»

خبرگزاری از او می پرسد: « آن سال ها گویا زمزمه تشکیل گارد ملی زیاد شنیده می شد؟ و او به دروغ می گوید: « این مسئله در مجلس خبرگان آن زمان عنوان شد و می خواستند با تشکیل گارد ملی، کشور را به همان سمت و سوی بکشاند که اربابانشان می خواستند. حتی بازرگان گفته بود که امام به قم برود و آن جا بنشیند و کارهای مملکت را به ما بسپارد.»

در اینجا لازم است به این سردار گوشزد شود که اینکه « امام به قم برود و کار را به دولت بسپارد » حرف خود خمینی در پاریس بود ولی وقتی به ایران آمد عطش قدرت انچنان وی را سرمست کرد که حکومت کردن را بیشتر از درس دادن دانست و در تهران ماند و مانع از شکل گرفتن دولت حقوق مدار شد.

خبرگزاری می پرسد: پس حساسیت و ضرورت تشکیل بسیج با آن حوادث و رویدادهای کشور بیشتر احساس می شد؟ و او پاسخ می دهد: « بله، حضرت امام(ره) دیدند که باید مردم به صورت سازمان یافته و منسجم در صحنه باشند. بنی صدر که در آن زمان فرمانده کل قوا بود، سپاه را اصلا قبول نداشت و آن زمان نیروهای سپاهی به عنوان شغل وارد سپاه نمی شدند، بلکه به خاطر تکلیف و عشق و علاقه ای که به امام داشتند وارد این ارگان می شدند. حتی آن ها از سپاه حقوق نمی گرفتند و هزینه های جاری آنها از طریق صندوق کمک های مردمی در بازار تامین می شد. یک نهاد کاملا مردمی که حتی هزینه های آن هم با کمک مردم تامین می شد و همین بس که امام در مورد سپاه فرمودند: "سپاه حافظ دستاورد انقلاب است و مسوولیت حفظ انقلاب را بر عهده دارد.»

اما کوثری نمی گوید که امروز مثل اختاپوس بر سیاست و اقتصاد کشور چنگ انداخته اند و ارتشی ها از این که حقوقشان نصف حقوق پاسداران است، بنالند. آیا این « سردار » که نامزد نمایندگی مجلس است نمی بیند که پیش بینی بنی صدر راست از کار درآمد. سپاه و بسیج ستون پایه استبداد تبهکار شدند و آن روز، آنها که امروز سران حزب سیاسی مسلح شده اند اگر هم آن روز بخاطر عمل به تکلیف وارد سپاه شدند، بتدریج که دولت استبدادیان شکل می گرفت، آلت قدرت استبدادی شدند و برای سهیم شدن در قدرت به رقابت با مدعیان دیگر برخاستند و در بردن و خوردن گوی سبقت از همگان ربودند؟

آیا « سردار » قبول دارد سپاهییانی که قبلا به خاطر عشق به انقلاب حتی حقوق دریافت نمی کردند حالا کار را به جایی رسانده اند به حقوق کمتر از یک میلیون تومان و در خواست های مکرر جهت دریافت زمین - وام - خانه و... به چیز دیگری نمی اندیشند؟

آقای « سردار » شما می دانید که هر کس نماینده می شود، با درآمدهای جانبی ای که دارد (راننده و محافظ و همراه و مسوول دفتر و... چیزی حدود ۱۰ میلیون تومان در ماه در آمد دارد و خرج پای بیت المال می گذارد. این به جز حقوق حدود ۲ میلیونی خود نماینده و حق دریافت ماشین صفر کیلومتر و زمین و خانه های جدید و... است. آیا بنی صدر در صفحه ۹





حق نداشت که در آن زمان با سپاه و بسیج مخالفت کند؟ او به خوبی این وضع سپاه پاسداران و بسیج را پیش بینی کرده بود که سپاه ستون پایه اصلی استبداد می شود و عامل گسترش جنایت و خیانت و فساد استبداد می شود. ایران از ارتش دارای ساخت مردم سالار و توانمند به دفاع از کشور ارتش محروم می شود و چنین شد. همین تصرف عرصه سیاست از سوی شما سران سپاه خطری بود که وی نسبت به آن هشدار داده بود.

خبرگزاری از او می پرسد: توان بازدارندگی بسیج در حال حاضر در چه سطحی است؟ و کوثری پاسخ می دهد: « وقتی در تاریخ ۱۷ مهر ۵۹ خبرنگاران خارجی به دیدار حضرت امام آمدند تا با ایشان گفت و گو کنند و نظر امام را نسبت به جنگ بدانند، امام با صلابت گفت: "ما برنده جنگ هستیم. حالا یک دزد آمده و سنگی انداخته است. ما آن چنان سیلی به گوش صدام می زنیم که نفهد از کجا خورده است." این یعنی عملیات و جنگ روانی علیه دشمنی که تا دندان مسلح بود و نسبت به ما برتری نظامی داشت.

ایشان سپس فرمودند: "اولا ما به تبخ اسلام با جنگ همیشه مخالف هستیم و میل داریم که بین همه کشورها صلح و آرامش باشد، اما اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، تمام ملت ما جنگجوست و با تمام قوا مقابله می کنیم ولو اینکه همه ابرقدرتها دنبلمان باشد. برای اینکه ما شهادت را یک فوز عظیم می

دانیم و ملت ما شهادت را به جان و دل قبول می کند و از جنگ نخواهند هراسید. ما مرد جنگیم."

آقای « سردار » مردان جنگ چرا در روزهای آخر به مردان گریه و التماس تبدیل شدند؟ مصاحبه اول بهزاد نبوی و نامه محسن رضایی را به یاد آورید و سرکشیدن جام زهر و... را. وقتی پاسخ خبرگزاری را اینطور می دهید و نمی گوئید در حال حاضر قدرت بازدارندگی بسیج چه اندازه است، اعتراف می کنید که مأموریت بسیج سرکوب مردم است و نه مقابله با دشمن. از این لحاظ، توان بازدارندگی ندارد.

خبرگزاری می پرسد: فرهنگ بسیجی باید از چه راه کارهایی در جامعه نهادینه شود؟ و کوثری پاسخ می دهد:

متأسفانه آن گونه که دلمان می خواسته، این امر تحقق پیدا نکرده است. دوره دولت پیشین یکی از زمان هایی است که نه تنها نگذاشت بسیج رشد کند بلکه مانع آن هم شد. زیرا تفکر بسیجی را قبول نداشتند و در عمل و سیاست های کلان، مانع پیشرفت تفکر بسیجی که امام(ره) برای تحقق آن زحمت کشیدند، می شدند. امام (ره) در روزهای پایانی عمر پربرکت خود فرمودند: "تفکر بسیجی باید در تمام جامعه ترویج پیدا کند و اگر مسوولی به این موضوع توجه نکند مورد عقوبت خداوند قرار می گیرد." خبرگزاری از کوثری می پرسد: آیا سپاه وظایف خود را در این زمینه بطور کامل انجام داده است؟ و او پاسخ داده است: قبول دارم که سپاه

## اعتیاد به مجاز

**\* سران رژیم باید بدانند که اگر بخواهند به بازی با غرب ادامه دهند، از درآمد نفت محروم می شوند اما اگر برنامه اتمی را رها کنند غرب نیز چشم بر تجاوزشان به حقوق بشر می بندد:**

فیگارو ( ۴ آوریل ) گزارشی را به قلم ژرژ مالبرونت ، بزرگ گزارشگر سرویس خارجی خود، انتشار داده است . از آن، نکات زیر درخور توجهند:

• خبر بد برای غرب این که هنوز سر و کار غرب با احمدی نژاد است . در پی دور دوم انتخابات که در اواخر آوریل انجام خواهد شد، او در مجلس « متکای امنیت خاطر بخشی » خواهد یافت. ولو رقبای محافظه کاران او می توانند باتفاق اصلاح طلبان می توانند، بنا بر مورد، اکثریتی بر ضد تدابیر عامه فریب او تشکیل دهند.

یک دیپلمات غربی در تهران به ما می گوید: « احمدی نژاد یک حیوان سیاسی ترسناکی است . از زمان بر سر کار آمدنش، بیشتر از راه یارانه دادن حکومت می کند تا از راه سرکوب کردن . ایجاد تعاونی ها و توزیع سهام میان محرومان ، شبکه حمایتی در استانهای کشور بوجود آورده است . حال آنکه در تهران ، رأی دهندگان خواهان اصلاحات احساس غبن می کنند و رأی نمی دهند.

در استانهای کشور، رقبای احمدی نژاد که در همان جناح هستند که او هست، یا فاقد محبوبیت هستند (مورد قالی باف ) و یا زیاده از اندازه روشنفکر می نمایند ( مورد علی لاریجانی ) . اما در یک سیستم متلاشی ، همه چیز بستگی دارد به نظر شماره یک رژیم ، علی خامنه ای . این او است که نامزدی را که بهترین کس برای رژیم اسلامی می داند بر می گزیند.

خامنه ای دیگر از حمایت مردم برخوردار نیست . اما از نفس نیز نینفاده است . چفت و بستها قانونی ( قانون اساسی ) و عملی ( سازمانهای سرکوبگر ) مانع از آنند که یک نیروی مخالف واقعی صدا به مخالفت بلند کند و هیچکس نمی خواهد خطر کند و به کوچه و خیابان برای براه انداختن یک انقلاب دیگری در آید .

• در حکومت احمدی نژاد، جمهوری اسلامی تغییر کرده است : ملایان و روحانیان سنت گرا نفوذشان را بسود پاسدارها از دست داده اند . اما سپاه پاسداران نیز مشعب هستند . بلحاظ مشروعیت، احمدی نژاد در مقایسه با سران سپاه که در جنگ با عراق شرکت کرده اند، کم اعتبار تر است . برای جبران این ضعف، او مقامها را به معتقدان و منتظران ظهور مهدی داده است که چون خود او، خویشان را در « محاط نور » و « مهدی گرا » می شمارند و باوری راسخ به ظهر امام دوازدهم دارند .

• ایرانیها او را بخاطر لحن سخت ضد غربیش، مجازات نکردند . نسبت به اختلاف بر سر اتم لاقید هستند . با وجود این، در این مورد، از رئیس جمهوری حمایت می کنند . او از

حمایت « رهبر » نیز برخوردار است . نتیجه اینست که نخستین رهبر از رهبران ایران که در علن از اجرای برنامه اتمی چشم پیوسته، از لحاظ سیاسی مرده است . مردم اتم را نماد غرور ملی خود گردانده اند . با این حال، وقتی غرب مجازاتهایی مقرر می کند مجازات شوندگانش مردم ایران هستند . جامعه بین المللی می خواهد باور کند که مجازاتها سرانجام مردم را بر آن می دارد بر رژیم برای چشم پوشیدن از بلند پروازی اتمیش فشار وارد آوردند . اما تا بحال، مجازاتهای مقرر نه رژیم ایران را وادار به تسلیم کرده است و نه مردم را بر ضدش برانگیخته است .

• در برابر این شکست، آیا غرب نباید روش خود را تغییر دهد؟ یک دیپلمات نزدیک به مذاکره کنندگان با ایران می گوید: « هدف ما زیان رساندن به مردم ایران نیست . هدف ما حالی کردن این امر به حاکمان ایران است که اگر به این بازی کوچک با غرب ادامه دهند از درآمد نفتی نیز محروم خواهند شد که با آن معیشت مردم تأمین می شود و دولشان بریاست . اما اگر دست از بازی بردارند ( برنامه اتمی را رها کنند ) غرب چشم بر تجاوز این رژیم به حقوق بشر می بندد . » او ادامه می دهد: « ما گوش این صاحب مقامان به این استدلالها بدهکار نیست . آنها در مورد پرونده اتمی ، خود را قوی احساس می کنند و وضعیت منطقه با آنها مساعد است . اما، امروز، هدف ما اینست که رابطه قوایی را ایجاد کنیم که اینها را بر آن بدارد از مخالفت با مذاکره دست بردارند . تا معامله جامع با « شیطان بزرگ » ، روش متخذ به بازی پوکر می ماند .

انقلاب اسلامی : با آنکه نوشته می گوید منع و یا منابع نویسنده چه تمایلی را داشته یا داشته اند، با وجود این بیزاری مردم از خامنه ای و از درون متلاشی بودن رژیم و وجود دسته بندی ها در سپاه واقعیهائی هستند که دیگر قابل پوشش نیستند . شبکه ای که بنا بر فیگارو احمدی نژاد در شهرها ایجاد کرده است همان شبکه خیرید رأی است که اعتراض رقبای « اصول گرا » را نیز در پی آورده است. علاوه بر آن ، توزیع پول و سیاستی است که توکل نسبت به آن به احمدی نژاد هشدار داده است : اشتباه خطرناک شاه را مرتکب نشوید !

اما امر مهم تهدید شدن ایران به قطع درآمد نفت و استقرار نیروی دریائی امریکا در خلیج فارس و اطراف آنست:

**\* مقامات مصری می گویند:**  
**امریکا زیر دریائی اتمی به خلیج فارس فرستاده است و مقامات روسی می گویند امریکا آماده حمله به ایران می شود:**

◀ در ۲۳ مارس ، خبرگزاری ها از قول مقامات مصر گزارش کردند که یک زیر دریائی اتمی امریکا از کانل سوئز به قصد خلیج فارس ، عبور کرده است . این زیر دریائی در پی سفر دیک چنی به کشورهای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، گسیل شده است . دیک چنی برای آن به خاورمیانه سفر کرده بود که دولتهای منطقه را متقاعد

کند که حمله نظامی به ایران ضرورت دارد .

با آنکه مقامات امریکائی تکذیب می کنند که دیک چنی بدین منظور به کشورهای خاورمیانه سفر کرده بود، اما عمده نیروی دریائی امریکا در خلیج فارس و آبهای اطراف آن استقرار گزیده اند و به اسلحه اتمی و موشکهای کروز مجهز هستند .

◀ در ۱۱ فروردین ، به سایت انتخاب، به نقل از اینفورمیشن کلیرینگ هاوس به نقل از ریائوسوسی، یک مقام عالی رتبه امنیتی روسیه روز سه شنبه گفته است: سازمانهای اطلاعاتی روسیه از تشدید تمرینات نظامی هوایی و زمینی ارتش امریکا علیه ایران خبر داده اند. بر اساس اطلاعات بدست آمده، پنتاگون هنوز در رابطه با زمان دقیق حمله نظامی بر ضد ایران تصمیمی نگرفته است. پنتاگون خواهان جنگی است که با اندک هزینه ای، ایران را به زانو در آورد. این منبع اطلاعاتی همچنین گفته است که حضور نظامی امریکا در منطقه به سطحی مشابه به سال ۲۰۰۳ که به عراق حمله کرد، رسیده است . ناوگان جدید حامل نیروهای نظامی امریکایی عازم خلیج فارس شده است. ژنرال لئونید ایواشوف، نایب رئیس آکادمی علوم ژئوپلیتیک، هفته گذشته اظهار داشت که پنتاگون در نظر دارد تا در آینده ای نزدیک حمله هوایی گسترده ای را علیه زیر ساختارهای نظامی ایران آغاز کند.

ایالات متحده امریکا ناوگان یو اس اس جان استینس آکه متشکل از حدود ۳۲۰۰ ملوان، حدود ۸۰ هواپیمای جنگی اعم از "اف ای ۱۸" و جنگنده بمب افکنهای "سوپر هورنت"، هشت کشتی-ناوچه پشتیبانی و ۴ زیردریایی اتمی است. و ناوگروه دوايت دی آبرنهاور که متشکل از نزدیک به ۵۰۰۰ ملوان، ۸۰ تا ۹۰ جنگنده بمب افکن های اف ۱۸؛ سوپر هورنت و سی هریر به همراه ۱۵ کشتی پشتیبانی، ناوچه و زیر دریایی اتمی اعم از ۸ ناوچه سریع و تهاجمی، همچنین سامانه پرتاب موشک های هدایت شونده کروز، دسترویر و رماج است. را در موقعیت منطقه خلیج فارس آماده دارد.

ایالات متحده آمریکا همچنین سامانه دفاع ضد موشکی پاتریوت را نیز به خلیج فارس فرستاده است.

**ژنرال هایدن ، رئیس سیا ، می گوید به باور او ایران برنامه تولید بمب اتمی را به پیش می برد:**

◀ خبرگزاری فرانسه ( ۳۱ مارس ) گزارش کرده است که ژنرال مایکل هایدن، رئیس سیا ، در مصاحبه با NBC، گفته است: به باور شخصی من ایران برنامه تولید بمب را به پیش می برد . تن ندادن ایران به اجرای قطعنامه های شورای امنیت گویای این امر است که این دولت چیزی را پنهان می کند . وگرنه ایران حاضر نمی شد اینهمه بها را تنها به خاطر غنی سازی اورانیوم محض سوخت نیروگاه اتمی ناموجود بپردازد .

او در باره گزارش ۱۶ سازمان اطلاعاتی امریکا، توضیح داده است که عمده آن قسمت از گزارش است که می گوید: ایران تا سال ۲۰۰۳ بکار تولید سلاح هسته ای مشغول بوده است . حال آنکه ایرانیها تکذیب می کنند و می گویند هرگز چنین برنامه ای در دست اجرا نبوده است .





**\* روسیه به ایران فشار می آورد  
از مخالفت بر سر برنامه اتمی  
دست بردارد و پوتین می گوید:  
بجای تهدید ایران، این کشور را  
باید از انزوا بدر آورد:**

◀ آسوشیتد پرس ( ۳۱ مارس ) گزارش کرده است که وینالی چرکین ، نماینده روسیه در سازمان ملل متحد از ایران خواسته است به مخالفت خود با گفتگو در باره برنامه اتمی پایان بدهد.

ایران می گوید: تنها با آژانس بین المللی انرژی اتمی حاضر به گفتگو است و چرکین به ایران خاطر نشان می کند تنها راه حل مشکل گفتگو با نمایندگان ۶ کشور است.

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه ( ۴ آوریل ) پوتین که به دعوت سران کشورهای عضو اتحادیه آتلانتیک شمالی به بوخارست رفته بود، در جلسه سران ناتو گفته است: هیچ عقلی نمی پذیرد که ایران تهدیدی برای آمریکا به شمار است. به جای تهدید این کشور و راندن به کنج انزوا، باید در این اندیشه شد که چگونه می توان رفتار دولت ایران را شفاف تر و قابل پیش بینی تر کرد.

**\* آیا چین اطلاعات و داده های  
اتمی ایران را به آژانس بین  
المللی انرژی اتمی داده است:**

◀ آسوشیتدپرس ( ۲ آوریل ۲۰۰۸ )، از قول دیپلماتهایی که در جریان پرونده اتمی ایران هستند ، گزارش کرده است که برغم مخالفت چین با تصویب مجازاتهای سخت در باره ایران ، چین داده های اتمی ایران را در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده است.

تصمیم چین به دادن اطلاع در باره برنامه ساختن بمب اتمی توسط ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی علامت آنست که جامعه بین المللی از تکذیب های جمهوری اسلامی ایران و رفتار این دولت ناراحت و نگران شده است.

این اطلاع را دو دیپلمات ارشد در اختیار آسوشیتد پرس گذاشته اند که از نزدیک کارهای آژانس را در رابطه به برنامه اتمی ایران تعقیب می کنند . آژانس بین المللی انرژی اتمی از دادن نظر و توضیح در باره این خبر خودداری کرد . نمایندگی های ایران و چین نیز حاضر نشدند گوشی تلفن را بردارند و به پرسش در باره این اطلاع ، پاسخ دهند .

این دو دیپلمات که نخواهند نامشان برده شود، می گویند : اقدام چین سخت شگفت انگیز است. این دولت اطلاعات و داده ها در باره گذشته و حال فعالیتهای ایران در زمینه تولید سلاح اتمی را در اختیار آژانس گذاشته است .

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، سن مک کومارک به خبرنگاران گفت : ما نمی توانیم این خبر را که چین اطلاعاتی در باره فعالیت اتمی ایران در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار داده است . ما در باره مسئله اتمی ایران با چین همکاری نزدیک داریم .

جون بولتن ، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل و معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا که به مسئله اتمی ایران می پرداخت در مصاحبه خود گفته

**اعتیاد به مجاز**

**پرسد احمدی نژاد کدام سیاست را اعلان خواهد کرد؟**

◀ در ۲۰ فروردین ( ۸ آوریل ) کیهان خبر داده است که رژیم در پاسخ به قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت ، سرعت غنی سازی را ۴ برابر کرده است .

◀ و رویتر ( ۸ آوریل ) خبر داده است که این روز، روز تکنولوژی اتمی است و قرار است در این روز احمدی نژاد سیاست دولت را در قلمرو اتمی اعلان کند . و می پرسد : آیا محدود کردن فعالیتهای اتمی حساس را در ازای دریافت امتیازهای دیگری از کشورهای بزرگ اعلان خواهد کرد و یا توسعه این فعالیتهای را ؟

◀ به گزارش رویتر ( ۸ آوریل ) در روز ، احمدی نژاد گفته است : ایران نصب ۶۰۰۰ سانتریفوژ از نسل جدید را آغاز کرده است . این سانتریفوژها که در نظرنصب می شوند به ایران امکان می دهند اورانیوم بیشتری را غنی سازد .

◀ در همین روز، کوشنر، وزیر خارجه فرانسه گفت : ممکن است مجازاتهای سخت تری در مورد ایران اعمال شوند .

**\* نمایندگانه کشورهای ۵ + ۱ در  
اواسط آوریل بر سر رفتاری که  
باید با ایران در پیش بگیرند،  
اجتماع می کنند:**

◀ در ۷ آوریل ، رویتر، از قول وزارت خارجه آمریکا ، گزارش کرده است که در اواسط ماه آوریل ، دیپلماتهای ارشد کشورهای ۵ + ۱ دیدار خواهند کرد تا در باره استراتژی بحث کنند که امیدوارند ایران را متقاعد کند اجرای برنامه اتمی خود را رها کند .

مک کومارک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفته است : اجتماع مدیران کل سیاسی وزارت خانه های خارجه کشور در باره امتیازها و مجازاتها و تعادل میان این دو گفتگو خواهند کرد .

**جنگ حکومت « شیعه »  
با جیش المهدی باز هم  
« شیعه » و نقشهای  
امریکا و ایران در این  
جنگ :**

**\* جنگ در بصره و شهرک صدر  
و چگونگی متارکه آن :**

◀ در دهه سوم ماه مارس ، حکومت المالکی وارد جنگ به جیش المهدی شد . سازمان ملل می گوید در جنگی که متارکه نیمه کاره انجامید و از ۲۵ مارس تا ۳۰ مارس ادامه یافت، ۷۰۰ تن کشته شدند . نیمه کاره ، زیرا در شهرک صدر جنگ میان قوای آمریکا و جیش المهدی ادامه یافت و بنا بر

گزارشها، در ۶ آوریل، ۲۲ تن در زد و خوردها کشته شدند .

◀ در باره چند و چون متارکه ، لوموند، ( ۲ آوریل ۲۰۰۸ ) اینطور اطلاع داده است :

مذاکرات برای آتش بس بین مقتدی صدر و نوری المالکی در قم صورت گرفته اند. طبق یک منبع موثق، توافق بر سر آتش بس زیر نظر ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، انجام گرفته است . حداقل دو تن از نمایندگان نوری المالکی، هادی ال عماری و علی ادیب دو ملیتی هستند، ایرانی و عراقی. هر دو سالها، در تهران، در تبعید بسر برده اند. ادیب هم حزب نخست وزیر است (از حزب الدعوه) و عماری رئیس یک میلیشیای قوی مسلح ، حامی سازمان بدر که سرپرستی ارتش ملی نو پای عراق را دارد، می باشد. سازمان بدر در سال ۱۹۸۰ با خرج ایران شروع به فعالیت کرده است.

در تمام طول مدت هفته ای بر خوردهای نظامی که با توافق امریکائی ها و با کمک نظامی آنان صورت گرفت و حداقل ۴۷۰ کشته و هزاران زخمی بجا گذاشت، امریکاییها دامنای تهران را تشویق کردند تا « از نفوذ خویش برای برقراری ثبات استفاده کنند»، و ثبات نیز برقرار شد.

حال واشنگتن و تهران می توانند در باره بدکارها یکدیگر در عراق، بدترین اتهامات را به یکدیگر بزنند . اما بسیاری سیاسیونی که معتقدند که دو کشور با هم توافق دارند که نگذارند وضع عراق به هرج و مرج کامل بکشد. امریکائیان که در شمال با جنگجویان سنی القاعده در حال جنگ هستند و در بصره حضور نظامی دائمی ندارند، قول المالکی را که وعده نبرد آسانی را می داد، باور کردند. اما همانند چند ژنرال عراقی که بدان اعتراف کردند، امریکائیان از توان مبارزه ارتش مهدی، نیروی نظامی جناح صدر و از توانایی بسیج نیروهای طرفدارش در تمام شهرهای شیعه جنوب تا بغداد متعجب شدند. المالکی به هیچکدام از اهدافی که داشت، نرسید. ۱۸ گروه شبه نظامی که در بصره بودند، همچنان سر جاشان هستند و به تجارتهای پر سود خویش ادامه می دهند. هیچکدام از محله های بصره که در دست ارتش المهدی بودند از آنها گرفته نشدند. صدها پلیس و سرباز در تمام کشور از تیراندازی به افراد ارتش مهدی باز ایستادند و حتی به آنها پیوستند. در اولین عملیات بزرگ تحت فرماندهی ارتش ملی جدید و پلیس عراق که توسط امریکائیان کارآموزی دیده اند، با وجود تعداد ۳۰۰۰۰ نفر، مجبور شدند به متفقین انگلیسی امریکائی متوسل شوند تا از سختی بدر آیند. پیشنهاد نخست وزیر عراق که تا ۸ آوریل سلاح های سنگین جنگجویان با قیمت بالا خریداری می شوند، هیچ نتیجه ای نداده است.

المالکی که با بی احتیاطی گفته بود تا پیروزی در بصره خواهد ماند، وادار شد با اعتبار سیاسی پایین تری از آنچه که قبلا داشت، به بغداد بازگردد. محمود عثمان، یک نماینده کرد، نزدیک به طالبانی می گوید : «این ماجرا یک پیروزی بزرگ برای ایران است، تهران نشان داد که اوست و نه واشنگتن که بر امور عراق تسلط دارد. هدف ایران تضعیف هر چه بیشتر

المالکی است تا وادار شود نظرات ایران را بپذیرد. او مجبور شد برای مذاکره به قم بدود.»

**\* چه کسانی برنده و چه کسانی  
بازنده جنگ حکومت عراق با  
جیش المهدی شدند ؟ :**

◀ در ۱ آوریل، خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است :

• جوزف بیدن، رئیس کمیسیون امور خارجی سنا گفته است : بسا مقتدی صدر و جیش المهدی تحت امر او از معرکه پیروز بیرون آمده اند . آنچه مرا نگران می کند اینست که جنگ در بصره و شهرک صدر به جنگ اسرائیل با حزب الله لبنان در ۲۰۰۶ می ماند . در آن جنگ، اسرائیلی ها با تمام توان خود به لبنان حمله کردند اما نتوانستند حزب الله را از میان ببرند و موجب تقویت حزب الله نیز شدند .

مالکی نخست وزیر عراق می گوید تمامی گروههای مسلح و جیش المهدی صدر را در هم خواهد کوبید . سخن او این احساس را به من می دهد که گویی صدر از معرکه پیروز بدر آمده است . هنوز نیز نمی دانیم آتش بس چگونه موضوع گفتگو و توافق شد . آیا حکومت عراق و ارتش تلفات و خسارات سخت دیدند یا ارتش صدر؟

• بیدن تأکید کرده است : حکومت امریکا اطلاعاتی به کمیسیون امور خارجی سنا نداده است . احساس من اینست که حکومت امریکا نقش مهمی در گفتگو برای برقرار کردن آتش بس نداشته است . و دلایل بر اینند که گفتگوها در ایران انجام گرفته و توسط ایرانیها رهبری شده اند .

◀ در ۲ آوریل، خبرگزاری فرانسه از واشنگتن گزارش کرده است :

• در یاسالار مایکل مولن ، رئیس ستاد ارتش امریکا می گوید : هنوز زود است بگوئیم برنده و بازنده جنگ چه کسانی بودند . او ابتکار مالکی را ستود : من اراده استراتژیک نخست وزیر را تأیید می کنم . ما منتظر این لحظه بودیم . منتظر لحظه ای بودیم که حکومت و قوای نظامی و انتظامی این کشور وظیفه برقراری امنیت در عراق را بر عهده بگیرند . از این نظر، اراده استراتژیک مثبت بود .

• در حال حاضر، نمی توان گفت برنده جنگ کیست . هنوز زود است برای این که بتوانیم فرجام استراتژیک این جنگ را ارزیابی کنیم و بگوئیم پیروزی بود و یا شکست .

◀ ژرژ بوش ، رئیس جمهوری امریکا نیز گفته بود : این جنگ یکی از لحظات تعیین کننده در حیات عراق است . امید او این بود که حمله قوای حکومت عراق به گروههای مسلح شیعه، موجب تغییری اساسی در تناسب قوا در عراق و میان امریکا و ایران می شود . استراتفور ( ۳۱ مارس ) بر اینست که جنگ با جیش المهدی وسیله فشار ایران بر امریکا را از دست ایران بدر می برد . از این پس ، دیگر ایران در موقعیتی نیست که به امریکا فشار آورد .

**\* مالکی ، مقتدی صدر و پیروان  
او را تهدید کردند که از شرکت  
در انتخابات محرومشان خواهد  
کرد اگر اسلحه را زمین  
نگذارند:**





◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه (۷ آوریل)، المالکی تهدید کرده است هرگاه مقتدی صدر جیش المهدی را منحل نکند، گروه او از شرکت در انتخابات محروم خواهد شد: تصمیمی در این باره گرفته شده است که بنا بر آن، هرگاه صدر جیش المهدی را منحل نسازد، گروه او اجازه شرکت در انتخابات را نخواهد یافت.

در ۵ آوریل نیز مسئولان بلند پایه عراق از جیش المهدی خواستند اسلحه خود را زمین بگذارد و به زندگی مدنی صلح آمیز بازگردند. هرگاه چنین کنند، می توانند در روند سیاسی و انتخابات شرکت کنند. مالکی در مصاحبه به سی ان ان گفته است: بسیاری امیدوار بودند قوای عراق یک پیروزی قاطع بدست آورند. اما این پیروزی بدست نیامد. امروز نیز قوای عراق وارد شهرک صدر شده اند و به تعقیب افراد مسلح جنایتکار در حال فرار پرداخته اند. با وجود این، مقابله با گروههای مسلح نیازمند کوششهای بیشتری است. آمادگی ما هنوز به بهترین میزان نرسیده است.

### \* صدر می گوید از ایران خواسته است به دخالتهای نظامی و غیر نظامی خود در عراق پایان بدهد!؟

در مصاحبه با تلویزیون الجزیره، مصاحبه گر به او گفته است: گفته می شود شما از ایران اسلحه و پول می گیرید و ایرانیها افراد جیش المهدی را تعلیم داده اند. صدر در پاسخ، گفته است: این ادعا راست نیست. من در دیدار با آیه الله خامنه ای، از او خواستم ایران به دخالتهای نظامی و غیر نظامی خود در عراق پایان دهد! ▶ به گزارش خبرگزاری فرانسه (۷ آوریل)

◀ (آوریل) سخنگوی گروه صدر، صالح عبیدی، در پاسخ مالکی گفته است: سازمان ما پیش و بعد از بحران آماده بود و هست که از راه گفتگو مشکل را حل کند.

پیش از آن، او گفته است: هرگاه روحانیت دستور بدهد، جیش المهدی را منحل خواهیم کرد.

رویتر (۷ آوریل) قول حسن زرگانی، نزدیک ترین مشاور مقتدی صدر را نقل کرده است: هرگاه آیه الله سیستانی بخواهند جیش المهدی منحل شود، آن را منحل خواهیم کرد.

### \* سناتور لوین: بوش حامی حکومت بی کفایت و فاسد عراق است:

در ۴ آوریل، (به گزارش دفتر گوردن تروبرج در واشنگتن)، سناتور کارل لوین، رئیس کمیسیون قوای مسلح امریکا، گفته است: بوش از حکومت فاسد و بی کفایت عراق حمایت می کند. او تمامی تخم مرغ های ما را در سبد مالکی و حکومت او گذاشته است. و مالکی آدمی سخت فرقه گرا و بر دستگاهی مدیریت می کند که فاسد است.

او گفته است: روز ۸ آوریل که ژنرال پتروآس، فرمانده قوای امریکا در عراق و کروکر، سفیر امریکا در عراق به سنا گزارش خواهند داد از این دو توضیح خواهد خواست. کمیسیون امور خارجی امریکا نیز از

این دو تن توضیح خواهند خواست. لوین می گوید: من از این دو خواهم خواست در باره جزئیات حمله نظامی به بصره توضیح بدهند و بگویند چرا با ما شور نکردند. عراق درآمد نفتی زیاد دارد. برای مالیات دهندگان امریکائی قابل فهم نیست که چرا باید نفت گران مصرف کنند و مالیات پیردازند برای این که هزینه طرحهایی را تأمین کنند که حکومت عراق قادر به انجام آنها نیست.

### \* ژنرال پتروآس: نقش ایران در عراق ویرانگر است:

◀ در ۹ آوریل، ژنرال پتروآس فرمانده قوای امریکا در عراق و کروکر سفیر امریکا در عراق به کمیسیونهای خارجه و نیروهای مسلح سنا امریکا گزارش کردند: بیرون بردن قوای امریکا از عراق نابجا است. وضعیت بهبود یافته اما قابل برگشت به وضعیت پیشین است. نمی توان گفت چه وقت می توان عراق را تخلیه کرد بدون این که اوضاع از دست برود...

پتروآس گفته است: نقش ایران ویرانگر است. ایران «گروههای ویژه دشمن را تعلیم می دهد. و کروکر افزوده است: استراتژی ایران تبدیل عراق به لبنانی دیگر است. اما ایران و سوریه می توانند نقش «مسئولانه» نیز داشته باشند.

### \* دور چهارم گفتگوهای ایران و امریکا بر سر عراق:

◀ استراتفور (۴ آوریل ۲۰۰۷) احتمال داده است که امریکا به ایران پیشنهاد دور چهارم گفتگوها بر سر عراق را بدهند. این گفتگوها انجام نشدند بخاطر تصادمات میان امریکا و ایران. اما اینکه که ایران با موفقیت میان قوای مقتدی صدر و حکومت مالکی آتش بس برقرار کرده است، بسا این دور از گفتگوها انجام بگیرند و موفقیت آمیز باشند:

• محسن الحکیم فرزند عبدالعزیز الحکیم، رهبر مجلس اعلا شیعه در مصاحبه با خبرگزاری مهر ایران گفته است: امریکا خواستار انجام دور چهارم گفتگوها با ایران بر سر عراق است. امریکا خواستار انجام گفتگوهای سه جانبه است و می گوید دلایل فنی موجب انجام نشدن دور چهارم گفتگوها شد. او همچنین گفت: ایران نقش تعیین کننده ای در برانگیختن مقتدی صدر به دادن دستور به جیش المهدی برای ترک گفتن کوچه و خیابانها بازی کرده است.

• با آنکه امریکا سخن محسن الحکیم را تأیید نکرده است اما با توجه به این امر که او واسطه امریکا و ایرانست، بسا امریکا خواهان انجام این گفتگوها شده است.

اما با توجه به باز و بسته شدن باب مذاکرات میان ایران و امریکا نمی تواند گفت چه زمان این گفتگوها انجام خواهند شد.

◀ رویتر (۷ آوریل) نیز گزارش کرد که امریکا از ایران خواستار انجام دور چهارم گفتگوها بر سر عراق شده است.

◀ در همان تاریخ، گزارش دیگری را انتشار داده است. بنا بر آن، محمد علی

## اعتیاد به مجاز

حسینی، سخنگوی وزارت خارجه ایران گفته است: ایران خواهان ادامه گفتگوها با امریکا بر سر عراق با شرایط لازم است.

### علت بقای ناتو، جنگ تمدنها است؟ الگوئی که قرار بود افغانستان بشود.

### کودتائی قضائی در ترکیه به بهانه «لایسیسته»:

### \* کنفرانس سران ناتو در بلغارستان: جنگ تمدن ها وجود ناتو را توجیه می کند؟

◀ در ۴ آوریل، در تلویزیون فرانسه (حدیث پ)، بمناسبت تشکیل کنفرانس سران اتحادیه آتلانتیک شمالی، در بخارست، کارشناسان بحث می کردند. اداره کننده بحث این پرسش را مطرح کرد: ناتو بر ضد بلوک شوروی ایجاد شد. با از میان رفتن بلوک کمونیست، دیگر چرا بر جا است؟ بر سر این پاسخ توافق شد که «جنگ تمدن ها» و در واقع جنگ با اسلام و دنیای اسلام، بقای ناتو و پذیرفتن دولتهای جدید را به عضویت خود توجیه می کند.

انقلاب اسلامی: در حقیقت، توجیه گر بقا و توسعه ناتو، ناتوان شدن روز افزون سر دسته سلطه گران، امریکا و تدارک قدرت نظامی - اقتصادی دستجمعی برای ادامه سلطه بر دنیای اسلامی، بخصوص منابع نفت و گاز دنیای اسلام است. با توجه به این واقعیت، امر غیر قابل توجیه مجوز تراشیدن زورپرستان که اسلام را دست مایه کرده اند برای غرب در تشکیل جبهه سلطه گران برای ادامه سلطه خود بر کشورهای مسلمان است. توجیه ناپذیر تر بی توجهی اهل تفکر این دنیا است در آگاه نکردن جامعه خود از این واقعیت است که هرگاه برخیزند و صاحب سرنوشت خود بگردند، بهانه بقای ناتو و مداخلات همه جانبه سلطه گران را از آنها می گیرند و کار تحول عمومی جهان را بسمت دنیای صلح و آزادی هموار می کنند.

### \* الگوئی که قرار بود افغانستان بگردد اما همچنان گرفتار جنگی پایان ناپذیر است که ناتو می گوید نمی تواند در آن برنده شود:

◀ لوموند (۲۶ مارس)، تراز عملیات شش ساله قوای امریکا و ناتو را در افغانستان بدست می دهد:

• در پایان ۲۰۰۱ و در پی سقوط طالبان، افغانستان قرار بود الگو بگردد. جامعه بین المللی بسیج شود و این کشور را باز بسازد و بر ویرانه دولت استبدادی، دولتی دموکرات برقرار کند.

۶ سال بعد، تراز عملیات زیان بزرگی را نشان می دهد: طالبان به مناطق پشتو نشین در شرق و جنوب افغانستان بازگشته اند. ناتو قوای خود

را در جنگی بی پایان می فرساید. کشت خشخاش وسعتی را پیدا کرده است که هیچ زمان نداشت. فساد افغانستان را تا قلب دولتش فرا گرفته است.

• شکست دیگری که بن بست بازسازی افغانستان را گزارش می کند اینست که به وعده های کمک که داده شده بودند، وفا نشده اند. بخش بزرگی از کمک به عمل آمده نیز تذبذب شده و یا نامنظم خرج شده و اثری بیار نیاورده است. ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد که جامعه بین المللی به وصول و خرج شدن کمکها سامانی ببخشد.

• پرسش اول: چرا به وعده ها وفا نشده است؟ به افغانستان وعده ۲۵ میلیارد دلار کمک داده شده بود. از آن، تنها ۱۵ میلیارد دلار پرداخت شده است.

پرسش دوم: چرا هزینه های نظامی آن همه زیاد و هزینه های باز سازی اینهمه کم هستند؟ امریکائیا ۱۰۰ میلیون دلار در روز خرج کنند. حال آنکه کمک بین المللی به باز سازی، روزانه ۷ میلیون دلار است. پرسش سوم: چرا بخش عمده این کمک برده و خورده می شود؟ یک سوم این کمک از مجاری تاریک به جیب های این و آن ریخته می شود. ۴۰ درصد آن نیز هزینه اداری کمکها است. آیا قابل قبول است که ۴۰ درصد از پولی که بعنوان کمک به افغانستان داده می شود به کشورهای کمک کننده باز گردد؟

قاعده مند کردن به کمک بین المللی ضرورت و فوریت دارد. زیرا در مواردی که پول صرف اجرای طرحهای مشخص می شود، پیشرفتهای واقعی بیار می آورد. در قلمرو بازسازی، همه چیز منفی نیست. ورشکست افغانستان هیچ رو اجتناب ناپذیر نیست. بشرط آنکه جامعه بین المللی دست آویز به خصم خود که بنای کار خود را بر ناتوانی این جامعه گذاشته و بر آنست که مانع از موفقیتش بگردد.

### \* دستگاه قضائی ترکیه باید بداند که نباید بعدر دفاع از لایسیسته جانشین مردم شود و جای نظامیان را در کودتا بگیرد:

◀ دادستان دادخواستی را تقدیم دادگاه عالی ترکیه کرد. در آن، خواستار انحلال حزب عدالت و پیشرفت و ممنوعیت از پرداختن به فعالیت سیاسی رئیس جمهوری و نخست وزیر شد و ۶۹ تن دیگر از رهبران حزب بمدت ۵ سال شد.

مجوز او تهدید لایسیسته از سوی این حزب و این دو صاحب مقام بود. دادگاه عالی نیز دادخواست را در خور رسیدگی قضائی دانست. مطبوعات غرب، از جمله مطبوعات فرانسه این کار را کودتا با دست آویز کردن لایسیسته ارزیابی کردند:

◀ کوریه انترناسیونال به قوه قضائی ترکیه هشدار داد که «اقدام پیشگیرانه» کار دستگاه قضائی نیست و حق ندارد جانشین مردم شود. اقدام این دستگاه پایه دموکراسی ترکیه را است که هنوز استوار نشده، ویران می کند.

پیش از این، هر بار که دموکراسی می خواست قوام بگیرد، ارتش کودتا می کرد. این بار، دستگاه قضائی دارد کودتا می کند.

◀ لوموند (۴ آوریل) نوشته است: دادگاه عالی ترکیه دادخواست دادستان را قابل رسیدگی قضائی دانسته است. این بدان معنی است که در فرانسه حزب UMP منحل شود به این بهانه که سارکوزی، رئیس جمهوری، با لایسیسته فرانسوی ماب، بیش از اندازه بازی می کند. این اقدام دستگاه قضائی ترکیه هیچ درخور یک دموکراسی نیست.

اما طرفداران کمال آتاتورک می گویند: اگر یک حزب دست راستی افراطی قول بدهد اصول راهنمای جمهوریت را رعایت می کند و به رأی آزاد مردم انتخاب شود و بخواهد رژیم پیشین را بر قرار کند شما فرانسویها چه می کنید؟

◀ لیبراسون (۳۱ مارس) می نویسد: قاضی ای دادخواست انحلال حزب صاحب اکثریت در مجلس ترکیه را داده است که دهها تن از افراد پلیس از او محافظت می کنند. او وضعیت بی سابقه ای را بوجود آورده است. زیرا مجلسی تشکیل است با اکثریتی و حکومتی مشغول کار است که در مجلس اکثریت دارد و از اکتبر ۲۰۰۵، مشغول گفتگو با اروپا برای در آمدن به عضویت اتحادیه اروپا است. دادستان این حزب را که برای بار دوم اکثریت بدست آورده است، «یک کانون ضد لایسیسته» خوانده است.

دادستان دیوان کشور در ادعانامه خود طیب اردکان، نخست وزیر، را یکی از مجریان «طرح خاورمیانه بزرگ» حکومت امریکا دانسته است. بنا بر این طرح، قرار است در کشورهای منطقه رژیمهای اسلام گرای میانه رو بر سر کار آیند.

نزدیک به تمامی روزنامه های ترکیه، حتی روزنامه هائی که موافق حزب عدالت و پیشرفت نیستند، سرمقاله های خود را به ابزاز انزجار از این ادعانامه اختصاص داده اند.

با این ادعانامه، لایکیهای ترکیه دست به قمار دیگری زده اند. در بهار گذشته کوشیدند با ترتیب دادن تظاهرات و برانگیختن ارتش به اقدام، حکومت این حزب را از سر راه خود بردارند. در انتخابات شکست بزرگ نصیب آنها و پیروزی بزرگ از آن این حزب شد.

وورال سواس، دادستان پیشین دیوان کشور که کمالیست دو آتسه ایست و ۱۰ سال پیش حزب اسلامی رفاه را منحل کرده است، عمل دستگاه قضائی را این سان توجیه می کند: «قوه قضائیه وظیفه دارد از نظام جمهوری لاییک پاسداری کند تا از کودتای نظامی و یا جنگ داخلی پرهیز شود.»

۸ تن از اعضای دادگاه عالی نیز از کمالیست های دو آتسه هستند. بنا بر این موافقان با دادخواست هم اکنون در این دادگاه اکثریت دارند. بهانه قانون لغو ممنوعیت ورود دختران دانشجویی با حجاب به دانشگاه است. با آنکه نمایندگانی که عضو این حزب نبودند نیز به آن رأی دادند و اکثریت عظیم مردم ترکیه از آن حمایت کرد.

◀ استراتفور (۳ آوریل) خبر می دهد که رهبران حزب عدالت و پیشرفت خود را برای غیر قانونی خوانده شدن حزب و انحلال آن آماده می کنند. در صورت انحلال این حزب، ترکیه بدوران بی ثباتی و حکومتهای کم دوامی باز می گردد





## اعتیاد به مجاز

می یابند . و واپسین تقای بانک مرکزی امریکا برای نجات بانکها با دادن ۲۰۰ میلیارد دلار وام، ناکام شد . زیر چشم ما، تمامی پایه های نظم اقتصادی - مالی جهان دهه های اخیر، با شتابی بازهم بیشتر ، فرو می ریزند . و این علامتها، همه علامتهای یک بحران سامانه ای هستند .

• معرفت همگانی بر این امر که دنیا با بحرانی با پیچیده ای و طبیعتی جدید روبرو است، به محققان ما امکان می دهد صحت ارزیابیهای خود را خاطر نشان کنند . برای مثال، اکیپ ما برآورد کرده بود که ارزش برابری دلار نسبت به سه ارز، اورو و ین و یوان سقوط خواهد کرد و اینک برآورد می کند که در پایان ۲۰۰۸، هر اورو ۱/۷۵ دلار خواهد ارزید . و ارزش هر دلار برابر ۹۰ ین و ۶ یوان خواهد شد .

رکود امریکا - که رئیس بانک مرکزی امریکا نیز بوجودش اعتراف می کند - دارد شدت می گیرد و اکیپ ما خوشحال است که حکومت امریکا، در پی اعتراضهای پرشمار، ناگزیر شد برای مقابله با آن وارد عمل شود . در دورانی چنین آشفته ، مهم است که اطلاع آماری در باره اقتصاد امریکا به آسانی در دسترس همگان قرار بگیرد . وضعیت مالی مؤسسات خصوصی و عمومی ، فردی و یا جمعی، بدان بستگی دارد .

با پیروی از این منطق، بانک مرکزی امریکا سی دی ای را بطور مجانی توزیع کرده است با عنوان « خود را برای بحران آماده کنید » . بدین کار، بانک خواسته است عاملان اقتصادی خود را برای مقابله با بحران بهتر آماده کنند . پیش بینی می شود که زمان فروپاشی اقتصاد واقعی در امریکا ، سپتامبر ۲۰۰۸ باشد . توجه به این تاریخ، عاملان اقتصادی را آگاه می کند که فرصت آماده شدن را از دست ندهند . در بحران، « نقدینه خدا است » . یعنی هر عامل اقتصادی می باید چنان عمل کند که پول از دست ندهد .

• LEAP/E۲۰۲۰ می خواهد خاطر نشان کند که اگر امریکا و اسرائیل در سال جاری به ایران حمله نظامی کنند ، بنا بر برآوردهای ما، اثر آن بر سقوط ارزش دلار سبب خواهد شد که دلار بیشتر از آن ارزش خود را از دست بدهد که بنا بر برآورد ما، تا پایان سال، از دست خواهد داد .

• اما در باره شایعه ای که بنا بر آن، بانکهای مرکزی قصد دارند برای پایان بخشیدن به سقوط ارزش دلار دست به اقدام دستجمعی بزنند، نظر اکیپ ما بر اینست که چنین اقدام مشترکی دیگر انجام دادنی نیست . زیرا بخاطر منطقه بندی شدن اقتصاد دنیا، از این پس، بانکهای مرکزی منافع متفاوت پیدا می کنند . سقوط ارزش دلار از ورود اقتصاد امریکا به رکود و کاهش ۵۰ درصد از ارزش برابری آن با ارزهای دیگر، تغذیه می کند .

انقلاب اسلامی : در این وانفسا، مشتی نادان و خدمتگزار مافیاهای نظامی - مالی اقتصاد ایران را اداره می کنند :

## بحران سامانه ای همه جانبه در امریکا و بحران تورم و بیکاری و فقر در ایران :

\* بحران سامانه ای همه جانبه در امریکا و اثر حمله امریکا به ایران بر این بحران :

• بنا بر ارزیابی LEAP/E۲۰۲۰ از حالا تا پایان سال ۲۰۰۸، شاهد ورشکست تمامی صندوقهای بازنشستگی در همه جهان خواهیم شد . این ورشکستگی سامانه های بازنشستگی از راه بکار انداختن وجود صندوقهای بازنشستگی را به خطر می اندازد . این ورشکستگی مالی بعد انسانی مشقت بار خواهد بود . زیرا در امریکا و اروپا و ژاپن موج جدید بازنشستگی بر می خیزد و جمعیت بزرگی بازنشسته می شوند و زمانی این صندوقها ورشکسته می شوند که می باید حقوق بازنشستگی بازنشستگان جدید را بپردازند . در شماره ۲۳ GEAB گروه ما بحران آینده صندوقهای بازنشستگی را، در کشورهایی که بیشتر گرفتار این بحران خواهند شد، پیشاپیش، مورد مطالعه قرار می دهد و برای مقابله آن، رهنمودهای استراتژیک و عمل ارائه می کند .

• به موازات آن ، LEAP/E۲۰۲۰ چند و چون بحران سامانه ای همه جانبه را در ماههای آینده ، از پیش، مطالعه و در اختیار اهل مطالعه قرار می دهد . با وجود این بحران که وجودش اینک برای همه مسلم است، می باید اثرات زیانمند قرضه های فدرال رزرو امریکا را که مجموع نظام مالی امریکا را شکننده و آسیب پذیر کرده است ، پیشاپیش مطالعه کرد و نیز این مطالعه را بعمل آورده ایم . و نیز می باید خطرهایی که نظام بانکی امریکا و برخی از کشورهای اروپایی را تهدید می کنند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند . و باز می باید اثرات بحران اقتصادی و مالی امریکا بر حمله احتمالی امریکا و اسرائیل به ایران ، پیش از انتخابات ریاست جمهوری امریکا را برآورد کرد .

• همانطور که گروه ها پیشاپیش برآورد کرده بود ، اینک نقشه نجات فوری پنجمین بانک امریکا، Bear Stearns ( فروش و ورشکسته اعلان کردنش در هفته های آینده ) تهیه شده است . همانطور که گروه ما پیش بینی کرده بود، ما هم اکنون شاهد ورشکست شمار بزرگی از مؤسسات پولی و مالی ، در سه ماه اول سال ۲۰۰۸، هستیم .

• همزمان ، ارزش دلار امریکا در مقایسه با اورو و ین ژاپن و یوان چین سقوط می کند . بهای هر انس طلا به ۱۰۰۰ دلار بالغ شده است . بهای نفت دارد به بشکه ای ۱۱۰ دلار می رسد . در بورسهای دنیا، طی سه ماه، ارزش سهام و اوراق بهادار، ۲۰ درصد کاهش

که محصول ائتلاف ها می شوند. استراتفور اطلاع حاصل کرده است که رهبران حزب خود را آماده صدور حکم انحلال آن که بسیار محتمل است، می کنند . در همان حال که حزب از قانونی بودن خود دفاع می کند، رهبران آن طرح تشکیل حزب جدید و انتخابات مجلس را آماده می کنند . با وجود آماده شدن برای انتخابات جدید، ترکیه وارد یک دوره بی ثباتی می شود . زیرا زمان لازم است تا حزب جدید بتواند اکثریت مجلس را بدست آورد و حکومت با ثباتی را بر روی کار آورد . در صورت انحلالش، این چهارمین انحلال حزب دارای تمایل اسلامی است که منحل می شود : حزب سلامت ملی در ۱۹۸۰ و حزب رفاه در ۱۹۸۸ و حزب فضیلت در ۲۰۰۱ منحل شده اند . از سال ۱۹۲۳ که ترکیه جدید ، در پی از میان رفتن امپراطوری عثمانی ، بوجود آمد، نزاع بر سر نقش اسلام در جامعه ترک ، بطور مستمر ادامه دارد .

حزب عدالت و پیشرفت متهم است به اینکه سعی در الغای اصول لائیسیته دارد . دلیل دادستان دیوان کشور ، قانون لغو ممنوعیت ورود دختران دانشگاهی با حجاب به دانشگاهها است . لائیکهای افراطی این را می دانند که هر بار این حزب را منحل کرده اند، تحت نام دیگر و با توانایی بیشتر وارد صحنه سیاسی ترکیه شده است . شاید به این علت است که دادستان خواستار ممنوعیت طیب اردکان و ۷۰ تن دیگر از رهبران حزب از فعالیت سیاسی بمدت ۵ سال شده است . دادگاه با اکثریت ۷ رأی در برابر ۴ رأی پذیرفت که برکناری و ممنوعیت عبدالله گل، رئیس جمهوری نیز موضوع رسیدگی و صدور رأی بگردد .

در واقع ، قوه قضائیه می خواهد دو قوه مجریه و مقننه را منحل کند . منابع نزدیک به رهبری حزب به ما گفته اند از ۱۱ قاضی، تنها ۲ قاضی ممکن است به انحلال حزب رأی مخالف بدهند و دو قاضی نیز هنوز مصمم نیستند . اما ۷ قاضی دیگر ضد حزب عدالت و پیشرفتند .

ارتش نیز از این وضعیت راضی نیست . زیرا کشور دچار بی ثباتی می شود و اقتصاد کشور صدمه جدی می بیند . ارتش و دیگر ارگانهای دولت چگونگی لائیسیته را از نو تعریف کنند به تریبی که اداره کشور مختل نشود و اقتصادش زیان نبیند . در همان حال که نزد فرماندهان ارتش ، عناصر طرفدار انحلال حزب وجود دارد اما اکثریت آنها از مدافع حزب شده اند . برای مثال، بسیاری از ژنرالها بر این باورند که تعریف فرانسوی از لائیسیته را می باید با تعریف امریکائی آن جانشین کرد .

انقلاب اسلامی : در ایران، دستگاه قضائی همین روش را در پاسداری از ولایت مطلقه فقیه دارد و در ترکیه، تا این زمان ، ارتش و دستگاه قضائی، هر بار که حاکمیتشان بخطر می افتاد، بنام لائیسیته ، کودتا می کردند و دیکتاتوری را از نو برقرار می کردند . ایران هم رژیم پهلوی ها و هم رژیم ملاتاریا را تجربه کرده است . هرگاه قرار بر این باشد که دولتی مردم سالار ساخته آید، می باید دولتی باشد که دیکتاتوری بنام لائیسیته را جایگزین دیکتاتوری بنام دین نکند . و رئیس بانک مرکزی امریکا می گوید اقتصاد این کشور وارد رکود شده است و در رژیم مافیاهای در ایران از مهار تورم ناتوان است :

فعالیت های تولیدی و سرمایه گذاری نیز به جهت فضای بی ثبات اقتصادی توان جذب ارز تزیق شده را ندارند، منجر به خرید ارز توسط بانک مرکزی و افزایش دارایی های خارجی بانک مرکزی، پایه پولی، حجم پول و در نهایت تورم می شود.

\* سایت احمد توکلی در مطلبی با اشاره به شرایط ایران در دهه ۵۰ مدعی شد احمدی نژاد اکنون در حال تکرار اشتباه شاه پهلوی در آن مقطع، البته با نیت خیر است.

◀ بنا بر سایت احمد توکلی (در ۱۴ فروردین ۸۷)، توکلی نیز به احمدی نژاد هشدار می دهد : اشتباه شاه را مرتکب مشو! افزایش نقدینه واردات را جانشین تولید داخلی می کند و اقتصاد کشور را گرفتار رکود توأم با تورم می گرداند :

این سایت نوشت: عکس فوق، تصاویر میوه فروشی سوپر جردن تهران نیست که همیشه کالاهای خارجی برای قشر ثروتمند شمال شهر عرضه می کند، بلکه ... یکی از بازارهای میوه و تره بار شهرداری تهران است. جایی که مردم متوسط و نسبتاً کم درآمد پایتخت میوه و سبزیجات روزانه خود را از آنجا تهیه می کنند.

نگاهی به بازارها و مراکز عمده فروشی کالاهای مختلف نشان می دهد تقریباً در همه کالاهای از پوشاک گرفته تا لوازم خانگی و از خوراکی تا لوازم ساختمانی، اجناس وارداتی بازار ایران را تصاحب کرده و به تدریج ذائقه مصرفی مردم ایران را به خود عادت داده اند.

این وضعیت در اقتصاد ایران بی سابقه نیست، در سال ۱۳۵۲ شمسی که بر اثر جنگ اعراب و اسرائیل قیمت جهانی نفت ناگهان از ۲ به ۸ دلار در هر بشکه جهش کرده بود نیز ظرف مدت کوتاهی بازارهای ایران مملو از کالاهای مصرفی خارجی شده بود. در آن زمان و به دنبال افزایش قیمت جهانی نفت، شاه تصمیم گرفت با گسترش طرح های عمرانی، دلارهای نفتی را در اقتصاد ایران خرج کند. تعدادی از کارشناسان وقت سازمان برنامه این تصمیم را نادرست دانستند، اما شخص شاه در مرداد ماه ۱۳۵۳ در کنفرانس رامسر با غرور تمام، اقتصاددانان را نفهم دانست و از طرح های بلندپروازانه اش برای جهش بزرگ در اقتصاد ایران سخن راند و اعلام کرد برای پشتیبانی مالی این تحول بزرگ، بودجه عمرانی برنامه پنجم عمرانی را دو برابر می کند...

تصمیم جنون آمیز شاه، دو - سه سال بعد نتایج خود را نشان داد؛ تورم افسار گسیخته در سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ و نیز ورود سیل کالاهای خارجی به بازار ایران، از میوه و تخم مرغ گرفته تا کفش و لباس و لوازم خانگی و خودرو و ...

دلیل و ریشه این پدیده کاملاً ساده بود؛ شاه دلار نفتی داشت ولی اجرای طرح های عمرانی به ریال نیاز داشت. ساده ترین سازوکاری که این مشکل را حل می کرد، واردات بود.





واردکنندگان ارزهای نفتی شاه را می‌گرفتند و به جایش ریال می‌دادند تا در طرح‌های عمرانی‌اش خرج کند، بعد با دلارهای خریداری شده انواع کالاها را وارد بازار ایران می‌کردند. دولت وقت چاره‌ای نداشت جز اینکه تعرفه‌ها را به نفع واردات بیشتر پایین بکشد، چون دلارهای نفتی را باید تبدیل به ریال می‌کرد.

البته این همه ماجرا نبود، بخش بزرگی از دلارهای نفتی شاه را بانک مرکزی خرید و ناچار شد نقدینگی را بیشتر از ظرفیت اقتصاد ایران به بازار تزریق کند.

نتیجه روشن بود: تورم + واردات هنگفت همه جور کالاهای خارجی. اقتصاد ایران در سال‌های ۵۳ تا ۵۶ به شکل روشنی گرفتار بیماری هلندی شده بود.

سال‌ها پس از آن جریان، روحانیان و سخنرانان انقلابی، شاه را به خاطر اینکه بازار ایران را مملو از کالاهای خارجی کرد به باد انتقاد می‌گرفتند و هنوز هم گاهی می‌گیرند.

**انقلاب اسلامی:** آنچه در سایت توکلی آمده است، تمام واقعیت نیست. در حقیقت، حجم بودجه را بزرگ کردن و خرج آن در محدوده شهرها، قدرت خریدی را ایجاد می‌کند که تولید داخلی توانا به جذب آن نیست. تورم بیار می‌آورد و تورم بیار آمده شدت می‌گیرد و دولت ناگزیر می‌کند دروازه‌ها را بروی واردات بگشاید. دولتی که بلحاظ درآمدها وابسته به اقتصاد مسلط است، درآمدهای حاصل از فروش ثروت ملی را در جیبی خرج می‌کند که موانع از پیش پای سلطه اقتصاد مسلط برداشته شود. موفقیتش در خدمت به اقتصاد مسلط وقتی کامل است که محور اقتصاد را از تولید به مصرف بدل کند. زیرا در این مرحله، جامعه در معیشت روزانه خود وابسته به فروش ثروت ملی و خریدن و وارد کردن فرآورده‌ها از اقتصاد مسلط می‌شود. و چون قدرت خریدی که ایجاد می‌شود از توان ارزی دولت برای پرداخت بهای واردات بیشتر است، دائم می‌باید بر میزان فروش ثروت ملی کشور به اقتصاد مسلط افزود. رژیم ملاتاریا، که جای به مافیاهای نظامی - مالی می‌دهد، با حکومت رجائی به باز سازی اقتصاد شاه پرداخت. بنا بر این، احمدی نژاد ادامه دهنده همان نقش در خدمت اقتصاد مسلط است و حاصل کار این رژیم فقر روز افزون است:

**\* تورم و فقر فزاینده: مزد یک کارگر کفاف ۵۰ درصد از بهای خرید نیازهای اولیه را نیز نمی‌کند:**

◀ اعتماد (۱۸ فروردین): این نکته را نیز باید یادآور شد که اکنون دیگر نیازی به خط فقر رسمی نیست چون کسانی که در محیط اقتصادی ایران حضور دارند به خوبی می‌توانند از مقتضیات خط فقر سخن بگویند و اندازه آن را نیز مشخص سازند. البته در ماه‌های پایانی سال گذشته به نوعی تمام فعالان رسمی و غیررسمی اقتصاد بر سر خط فقر ۶۰۰ هزار تومانی به توافق رسیدند و این مبنای واقع به ویتربنی برای نشان دادن چاله‌های بزرگ اقتصاد ایرانی تبدیل شد. بر اساس همین فرضیه حالا ساده‌تر می‌توان در مورد تورم یا بزرگ‌ترین خطر اقتصادی ایران سخن گفت. لحظه‌ای را در نظر بگیرید که همچنان و در شرایطی که تحلیلگران اقتصادی می‌گویند شاخص‌ها در هر دقیقه رشد

## اعتیاد به مجاز

ترمیم این شکاف بستگی به شرایط اقتصادی، وضعیت نقدینگی و شرایط موجود در بازار تولیدات داخلی دارد. عضو شورای عالی اشتغال با بیان اینکه مزد مشخص شده نمی‌تواند آنگنان نیازهای حداقلی جامعه کارگری را تأمین کند، اذعان کرد: با توجه به آمار خود دولت، خط فقر کشور ۶۰۰ هزار تومان است و از سوی دیگر حداقل معیشت نیز با کسر ۱۴ قلم جنس ضروری و محاسبه ۳۰ قلم جنس ضروری بیش از ۴۰۰ هزار تومان توسط کارگران اعلام شد، اما با وجود این حداقل مزد، تنها نصف حداقل معیشت خانوار تعیین شد.

وی با بیان اینکه مزد تعیین شده فقط ۵۰ درصد از حداقل‌های کارگر را تأمین می‌کند، تصریح کرد: کارگران در وضعیت زیر خط فقر در حال زندگی کردن هستند. با این حساب باید گفت که واقعیت موجود در زندگی اقشاری که در صدر شعارهای عدالت محور دولتی‌های نهم قرار دارند با آنچه در تخیل‌گرایی اقتصاد ایرانی می‌گذرد بسیار فاصله دارد. امروز تنها یک نگرانی در میان فعالان رسمی و غیررسمی اقتصاد کشور وجود دارد و آن هم چیزی نیست جز افزایش مداوم تورم که نمی‌توان با شعار و اتکا به درآمدهای نفتی در مقابل آن ایستاد. به نظر شما آیا دولتی‌ها می‌توانند کابوس تورم را از روی سر اقتصاد ایران بردارند؟

**\* اقتصاد بلا تکلیف، سیل واردات برای مهار گرانی؛ پول نفت بر سفره دیگران**

◀ در ۲۱ فروردین، سایت امروز سرمقاله کارگزاران را این سان نقل کرده است: به نوشته مطبوعات، هیات دولت تصویب کرد که از این پس واردات کالا نیاز به اخذ مجوز ندارد و هرگونه حمایت از تولیدات داخلی صرفاً از طریق جابه‌جایی تعرفه‌های واردات کالا صورت می‌گیرد.

کارگزاران در تیر نخست خود در ارتباط با این موضوع نوشت: با این حساب می‌توان پیش‌بینی کرد که روند رو به رشد واردات به کشور که به اتکای افزایش درآمدهای نفتی در دو سال گذشته شتاب گرفته بود، با سرعتی فزاینده‌تر افزایش یابد و دولت نهم در پایان سال سوم تصدی‌گری خود رکوردی دست‌نیافتنی در آمار و ارقام واردات کالا به‌جای بگذارد. سیاست تنظیم بازار داخل با استفاده از واردات بی‌حد و حساب که در دو سال گذشته در دستور کار دولت نهم قرار داشته با انتقاد بسیاری از کارشناسان مستقل اقتصادی همراه بوده است و از جمله سرفصل‌های انتقاد و هشدارهایی بوده که در دو نامه بیش از ۵۰ اقتصاددان ایرانی به محمود احمدی‌نژاد مورد تأکید قرار گرفت، هرچند با تصمیم دولت نهم برای تسهیل انجام امر واردات می‌توان پیش‌بینی کرد که تمام هشدارها و تأکیدات اقتصاددانان ایرانی از سوی مدیران دولتی مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار گرفته است. بازگذاشتن درهای ورود کالا به ویژه کالاهای نهایی و مصرفی در حالی که شکل افراطی از سوی دولت تولیدکنندگان و کارگران فعال در

چند صنعت داخلی کشور با بحران‌های ناشی از واردات با تعرفه‌های صفر یا نزدیک به صفر درصود روبرو هستند. سرمایه نیز در گزارش اصلی خود نوشته است: انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم که سال آینده برگزار خواهد شد و تورم ۱۸/۴ درصدی پایان سال ۸۶ و هشدار کارشناسان اقتصادی در مورد رشد شدید نقدینگی و تأثیر آن بر افزایش تورم، دو علت عمده‌ای است که دولت را به تکاپو واداشته تا با ارایه طرح بزرگ تحول اقتصادی و همچنین افزایش واردات کالاهای مصرفی از طریق کاهش تعرفه واردات، مشکلاتی مانند تورم را تا حدی کنترل کند.

## دانشجویان و روزنامه نگاران و زنان همچنان قربانیان سرکوبها هستند

◀ در ۱۸ فروردین ۸۷، اکبر اعلی‌نمایند تهریز در مجلس شورای اسلامی به دلیل سخنرانی سال گذشته خود در ذیل زنجان از سوی مدعی‌العموم به دادگاه احضار شد. به گزارش خبرنگار امور مجلس خبرگزاری فارس، در این احضار به اکبر اعلی‌نمایند تهریز در مجلس هفتم ابلاغ شده است که ظرف سه روز پس از رویت احضار به در خصوص شکایات مدعی‌العموم به طرفیت این نماینده دائر بر توهین که در روزنامه ایران شماره ۳۸۰۰ مورخ ۱۰/۹/۸۶ در ستون "دیگر چه خبر" تحت عنوان "از دولت امام حسین هم انتقاد می‌کنم" چاپ شده، جهت توضیح در دادسرای کارکنان دولت حاضر شود. تاریخ این نامه ۳۰ بهمن سال ۱۳۸۶ بوده و این نامه در حاشیه جلسه علنی امروز توسط نماینده تهریز در اختیار خبرنگاران پارلمانی قرار گرفته است. ◀ در ۱۸ فروردین ۸۷، حسین یوسفی و غفور حبیب پور دو دانشجوی رشته حقوق دانشگاه تهریز با رای شعبه دو دادگاه انقلاب این شهر به شش ماه حبس محکوم شدند. اتهام این دو دانشجو در دادگاهی که به ریاست قاضی حمله برگزار شد، اقدام علیه امنیت ملی اعلام شد.

◀ در ۱۸ فروردین ۸۷، دکتر فرامرز اکبری رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان آمل، خودکشی‌های ناشی از مصرف قرص‌های برونج در میان جوانان این شهرستان را یک هشدار و زنگ خطر جدی برای خانواده‌ها دانست.

با وجود ممنوعیت عرضه قرص‌های برونج، همچنان این قرص‌ها به راحتی در دسترس همگان است. وی با بیان اینکه مصرف یک دهم قرص برونج نیز مرگ حتمی را برای افراد در پی دارد از خانواده‌ها خواست، نسبت به رفتارهای مشکوک فرزندان خود حساس و مراقب باشند. ◀ در ۱۸ فروردین ۸۷، فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش کرده است: • دادگاه رسیدگی به اتهامات دو دانشجوی زندانی هدایت غزالی و صباح نصیری پس از حدود ۹ ماه بلا تکلیفی امروز مورخه ۸۷/۱/۱۸ در دادگاه انقلاب تهران به اتهام اقدام علیه امنیت برگزار گردید. دادگاه به زودی رای خود را صادر خواهد نمود.

• عبدالله امینی و فوناد مرزبان دو فعال سیاسی کرد اهل بانه که به اتهام

ارتباط با احزاب سیاسی کرد بازداشت و سپس با قید وثیقه آزاد شده بودند صبح امروز مورخه ۸۷/۱/۱۸ در شعبه ۱ دادگاه انقلاب سقز جهت رسیدگی به اتهام حاضر شدند.

• افراطیون مذهبی با فتوای یکی از روحانیون تندرو محلی کردستان به نام محمد علوی اقدام به قتل یک شهروند نمودند. حکم قتل "شورش سلیم فر" به علت آنچه که توهین به اسلام و احمد مفتی زاده عنوان شده بود توسط این روحانی صادر و توسط فردی به نام ارسلان رضائی اجرا گردید. این جنایت در صالح آباد سقز روی داد و فرد قاتل پس از بردن سر آقای سلیم فر خود را به نیروهای انتظامی معرفی و دلایل این قتل را موارد فوق و مرتد بودن مقتول ذکر نموده است.

• در روستایی از توابع شهر مرزی سردشت دختری بنام سازگار محمدیان که با پسر مورد علاقه خود بعد از مخالفت خانواده‌هایشان دو سال قبل فرار کرده بود پس از بازگشت به همراه پسر، جهت رسمی کردن ازدواج خود در تاریخ ۸۷/۱/۱۶ مورد حمله وحشیانه و ضرب و شتم خانواده دختر قرار می‌گیرند که در این راستا این دختر جوان بعلت هدف قرار گرفتن با سلاح گرم و بدلیل حامله بودن جان خود را از دست داد و نوزاد وی نیز فوت نمود. در این درگیری علاوه بر این دختر دو فرد دیگر نیز مجروح و روانه بیمارستان گردیدند.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۷، علی صامی که به دلیل شرکت در خاوران در بزرگداشت قربانیان ۳۷ توسط مأمورین وزارت اطلاعات بازداشت و بیش از ۲ ماه در سلول انفرادی بند ۲۰۹ و سپس در سوئیت دو نفره در همین بند تا تاریخ ۸۵/۱۲/۲۷ در بلا تکلیفی مطلق نگهداری شده است. وی اخیراً جهت انتقال به بند عمومی به فرقیته زندان اوین منتقل شده است.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۷، اردوی دانشجویان ایرانی در بلاروس به صحنه درگیری فیزیکی میان شرکت کنندگان در این اردو مبدل شد. در این اردوی دو روزه که به منظور ایجاد همبستگی میان ایرانیان برگزار شده بود پس از تفتیش وسایل شخصی شرکت کنندگان توسط گروهی از اعضای انجمن اسلامی زد و خورد میان افراد رخ داد که این قائله با حضور پلیس بلاروس خاتمه یافت. یکی از دانشجویان ایرانی به دلیل شدت جراحات وارده در این درگیری در بیمارستان مینسک بستری شده است.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۷، محمد پرویزی مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد گفت: براساس گزارش دبیرخانه هیئت نظارت بر مطبوعات سی و چهارمین جلسه از یازدهمین دوره هیئت نظارت بر مطبوعات امروز برگزار شد و در آن مجوز نشریات «صبح ورزش»، «ایمن گستر»، «گزیده پژوهش‌های جهان» و «لاله» به علت چاپ نامنظم در سال گذشته براساس ماده ۱۶ قانون مطبوعات لغو شد. در این جلسه با انتشار ۲ ماهنامه، ۱ دو فصلنامه و ۵ مورد تغییر صاحب امتیازی و ۱۴ مورد تغییر مدیرمسئولی نشریات موافقت شد.

◀ در ۱۹ فروردین ۸۷، بنا بر آخرین اخبار رسیده از بوشهر بر اساس فرمان شورای تأمین استان بوشهر و بر اساس فرمان مستقیم استاندار بوشهر، علی‌افراشته و امام جمعه بوشهر آیت الله ایمانی و دست‌اندر کاری سرهنگ جعفر کبکانی فرماندار بوشهر تجمع کارگران اخراجی شرکت ایران صدرا

در صفحه ۱۶





و لكل امة رسولاً فاذا جاء رسولهم قضى بينهم بالقسط و هم لا يظلمون  
 " هر امتی را فرستاده ای است و فرستادگان از میانشان بر آیند، در بینشان به قسط داوری می شود و در حقشان ستم روا نمی رود. ۶۴

و برای اینکه خداوند نشان دهد که قسط و عدالت در جامعه اصل و میزان است که همه چیز با آن سنجیده می شود، هدف از رسالت را باز هم تصریح می فرماید:  
 لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط  
 " ما رسولان خود را همراه با نشانه های گویا فرستادیم، و با آنان کتاب و میزان همراه کردیم، باشد که مردم خود به عدل و داد قیام کنند. " ۶۵

قیام به عدل و اجرای عدالت و انتظامات که دقیقاً معنای برقراری یک حکومت مسئول برای تدبیر امور مملکتی است، در آیه فوق به روشنی به عهده خود مردمان واگذار شده است و وظیفه اجرای آن عهده رهبان الهی گذارده نشده است.  
 بنا بر این هدف از رسالت انبیاء:

الف- پرستش خدای یگانه.  
 ب- دوری کردن از طاغوت.  
 ج- جلوگیری از ظلم و ستم.  
 د- برقراری قسط و عدل در جامعه  
 خداوند در آیات بینات قرآن اجرای امور فوق را از خود مردم خواسته و وظایف انبیاء را نیز بوضوح تبیین و تعیین فرموده و به طرق مختلف آن را بیان داشته است.

وجوه مختلف قسط

در آیات متعددی از قرآن وجوه مختلف عدل و داد را خداوند برای مردم تشریح کرده که جای شک و شبهه باقی نگذارد و حجت را بر همه تمام کرده باشد. در زیر به ترتیب بعضی از آیات و وجوه مختلف آن آورده می شود:

خدای متعال، خطاب به پیامبری گوید:  
 خداوند به کار زشت فرمان نمیدهد و کسانی که کارهای زشت را به خدا نسبت می دهند، نهی می کند و در مقابل مردم را به اجرای قسط فرمان می دهد.

قل ان الله لا یامر بالفحشاء اتقولون علی الله ما لا تعلمون\* قل امری بالقسط  
 " بگو خداوند امر به فحشاء نمی کند، چرا در باره خدا چیزهایی را گویند که نمی دانید. بگو پروردگارم به دادگستری فرمان می دهد. " ۶۶

بنا بر این دادگری و عدالت امر و فرمان خدای است و به پیامبر فرمان می دهد که امر او را به مردم برساند.  
 باز خطاب به مؤمنان، به آنان می فرماید که به عدل و داد قیام کنند و گواه بر اجرای آن باشند.

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء الله و لو علی انفسکم اولوالدین و الاقربین ان یکن فقیراً او غنیاً فانه اولی بهما.

" هان کسانی که ایمان آورده اید؛ بر پا دارنده عدالت باشید [ به عدل و داد برخیزید ]، طبق رضای خدا شهادت دهید، هر چند بضرر خودتان یا پدر و مادرتان و خویشاوندانتان باشد، توانگر یا فقیر باش دو خدا به رعایت حل همه ، از همه شایسته تر است. " ۶۷ قسط به معنای عدل و داد و عدالت گستری است و قیام به قسط به معنای عمل به قسط و نگهداری آن است و مراد از قوامین بالقسط، "قائمین به قسط است" و قیام به آن آثار و خاصه ها و لوازمی دارد که خداوند یکی از آن را در این آیه که گذشت، شهادت بنا حق ندادن است را بیان می کند، اگر چه این شهادت به ضرر شخص خود یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد و چه آنها فقیر و یا غنی باشند. مؤمنان را بر حذر می دارد که بخاطر دلسوزی و ترحم و این قبیل امور شهادت به ناحق ندهند که خدا، خود به رعایت حال همه، از همه شایسته تر است.

۲ - از خاصه های دیگر و یا نشانه های قیام کنندگان به قسط این ایستکه به ظلم و ستم و یا بیادگری عمل نمی کنند و لو با دشمنان خود باشد.

امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۳

و یا قوم اوفواکمبای و المیزان بالقسط و بالقسط و لا یجرمنکم شأن قوم علی الا تعدلو اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیرا بما تعلمون  
 " ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا بر پا و استوار، بایستید، بعمل، گواه و بیانگر قسط باشید. دشمنی با قومی شما را بر آن ندارد که ( حتی در حق دشمنان) از عدالت خارج شوید، عدالت شیوه کنید که به تقوی نزدیکتر است و از خدا پروا کنید که خداوند به آنچه می کنید آگاه است. " ۶۸

قرآن به صراحت به ایمان آوردگان امر می کند که قیام کنندگان به قسط و گواهان به اجرای عدالت برای خدا باشید و دشمنی و یا کین قومی شما را وادار نکند که از راه عدالت و دادگستری خارج شوید و به ظلم و ستم گرانید.  
 ۳ - خداوند انکار آیات خود را به انکار عدالت نسبت می دهد و آیهانی که مردم و پیامبران و کسانی که به دادگستری و عدالت امر می کنند، را می کشند، آنان را به عذاب دردناک بشارت می دهد.

انالذین یحرفون بآیاتالله و یقتلون النبیون بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب الیم  
 " به کسانی که آیات خدا را انکار می کنند و پیامبران را به ناحق می کشند، و کسانی را که امر به دادگستری می کنند، می کشند، را به عذاب الم انگیز بشارت بده. " ۶۹

نشانه دیگر عدالت، این است که عدالت از آیات الهی است و کسانی که، مردمانی را که بعدالت امر می کنند و به اجرای قسط می پردازند، می کشند، انکار کننده آیات الهی می شمرند و عذابی دردناک را به آنها بشارت می دهد و بدین خاطر است که مردم باید اداره زندگی خود را، خود در دست بگیرند و اجازه ندهند که زورمندان و قدرت پرستان نیرو و امکانات خودشان را از خودشان بگیرند و بر آنها مسلط شوند و پدیداری ظلم و ستم شان کنند.

۴ - قسط و عدالت پیمان الهی است و کسانی که بر پا دارنده آن هستند، به پیمان خداوند وفا میکنند.  
 و اوفواکبیل و المیزان بالقسط لا تکلف نفساً الا وسعها و اذ قلمت فاعدلوا و لو کان ذاً قریباً و بعهدالله اوفوا ذالکم و صکم لعلمکم تذکرون  
 " پیمان و سنجش را به داد بپردازید، هیچ کس را جز به مقدار توانایش تکلیف نکنیم و هر گاه سخنی گفتید به عدالت عمل کنید و لو [اصحاب دعوی] خویشاوند[ شما] باشد؛ و به عهد الهی وفا کنید، خداوند شما را بدان توصیه کرده است شاید یاد آور شوید. " ۷۰

نکته بس مهم در این آیه "ایفاء به قسط" است که آن عبارت از عمل کردن به عدالت بدون اجحاف می باشد. آیه فوق، قسط را در مقیاس کوچک برای تک تک افراد یک جامعه و در مقیاس وسیعتر برای قوه قضائیه است که بایستی به پیمان خداوند که میان دعوی های مختلف احاد جامعه ، در سخن و قضاوت به عدالت رفتار کنند. اگر چه صاحبان دعوی از خویشاوند آنها باشند.

وقتی قرآن می فرماید اوفوا که امر حاضر از باب "ایفاء" است بمعنی این است که بایستی حق هر کسی، تمام و کمال داده شود و این پیمان و عهد خداوند است.

۵ - در همین رابطه، باز قرآن کسانی را که حق مردم را تمام و کمال نمی دهند، به کسانی تشبیه می کند که در زمین فتنه و فساد بر پا می کنند و باز روشن است که عاملین فساد، در روی زمین، مستبدین و زورپرستان و قدرتمداران و حافظین آن هستند.  
 پس از خاصه دیگر قائمین به قسط، فساد نکردن در جامعه، و مخلفت با کسانی است که مانع برقراری قسط و عدالت هستند که آنها عامل فساد و قدرت پرستی هستند.

۶ - خداوند انکار آیات خود را به انکار عدالت نسبت می دهد و آیهانی که مردم و پیامبران و کسانی که به دادگستری و عدالت امر می کنند، را می کشند، آنان را به عذاب دردناک بشارت می دهد.

نشانه دیگر عدالت، این است که عدالت از آیات الهی است و کسانی که، مردمانی را که بعدالت امر می کنند و به اجرای قسط می پردازند، می کشند، انکار کننده آیات الهی می شمرند و عذابی دردناک را به آنها بشارت می دهد و بدین خاطر است که مردم باید اداره زندگی خود را، خود در دست بگیرند و اجازه ندهند که زورمندان و قدرت پرستان نیرو و امکانات خودشان را از خودشان بگیرند و بر آنها مسلط شوند و پدیداری ظلم و ستم شان کنند.  
 ۴ - قسط و عدالت پیمان الهی است و کسانی که بر پا دارنده آن هستند، به پیمان خداوند وفا میکنند.  
 و اوفواکبیل و المیزان بالقسط لا تکلف نفساً الا وسعها و اذ قلمت فاعدلوا و لو کان ذاً قریباً و بعهدالله اوفوا ذالکم و صکم لعلمکم تذکرون  
 " پیمان و سنجش را به داد بپردازید، هیچ کس را جز به مقدار توانایش تکلیف نکنیم و هر گاه سخنی گفتید به عدالت عمل کنید و لو [اصحاب دعوی] خویشاوند[ شما] باشد؛ و به عهد الهی وفا کنید، خداوند شما را بدان توصیه کرده است شاید یاد آور شوید. " ۷۰

ناحیه پروردگارش چنین میزانی را بیاورد و به بشر عرضه بدارد و بپاداشتن و قیام به اجرای آن بعهده خود مردم نهاده شده است. و بدین خاطر است که عدالت خود میزان است.  
 بدون برقراری عدالت در جامعه، نظام امور مردم بدرستی بر قرار نمی شود و زندگی مردم در موقعیت نابرابری قرار می گیرد و عده قلیلی مسلط بر جان و مال مردم می شوند و اکثریت مردم زیر سلطه و دون انسان قرار می گیرند. در چنین جامعه ای امکان پرستش خدا بدرستی فراهم نمی گردد و پرستش در نمادهای مختلف قدرت و حتی بصورت مسائل عبادی انجام می پذیرد.

۶ - داوری بین دشمنان نیز باید، با عدالت و قسط و انصاف همراه باشد.  
 "سماعون للکذب اکالون للسهل فان جاءوک فاحکم بینهم او اعرض عنهم فلن یضروک شیئاً و ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین  
 " [کسانی که] پذیرا و شنوای دروغ و رشوه خوار هستند، پس اگر به نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، یا از آنان روی بگردان، و اگر از آنان روی گردان شدی، بدان که هر گز بتو زیانی نخواهند رسانید؛ و چون [عزم] داوری کردی، در میان آنان به عدالت داوری کن، که خداوند دادگران را دوست دارد. " ۷۲

نظر به اینکه عدالت و قسط، خود میزان و معیار است، خداوند به پیامبر دستور می دهد، با دشمنان یهودی و نصاری خود با وجودی که رشوه و حرام خواری می کنند، اگر خواستی بینشان داوری کنی، باید با عدالت و داد بین آنان داوری کنی، چرا که نظام جهان بر عدالت است و خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد. آگاه باش؛ که داوری کردن با عدالت و دادگری بین مردم، نه به عمل آنان ربط پیدا می کند و نه به دین آنان. میزان بایستی بین همه مردم صرفنظر از دین و عملشان رعایت بشود.

۷ - خاصه دیگر قوامین به قسط، این است که امر به صلح و آشتی می دهند. و از تعدی و تجاوز به دیگران جلوگیری می کنند و اگر میان دو طایفه و یا دو کشور، تجاوزی واقع شد، آنان را بسوی امر خداوند که عدالت و دادگستری است باز می گردانند.  
 و ان طانفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بعت ایدهما علی الاخری فقاتلوا حتی تیغی حتی تفری الی امرالله فان فاعت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا انالله یحب المقسطین.  
 " و اگر دو گروه از مؤمنان با هم در افتند، میان آنان سازش دهید، و اگر یکی از آنها بر دیگری تعدی کرد، پس با آنکه تعدی پیشه کرده است کار زار کنید، تا آنکه بسوی امر الهی بزاید، و اگر باز آمد، آنگاه میان آنان دادگرانه سازش دهید و به داد بکشید که خداوند دادگران را دوست دارد. " ۷۳

به عدالت اصلاح کنید یعنی اینکه دانما و در همه امور عدالت را رعایت کنید. چون عدالت میزان است، خداوند هم عدالت گستران را به خاطر عدالتشان و گستردن آن دوست می دارد.  
 ۸ - از خاصه دیگر قسط و عدالت که مانع همه خاصه های دیگر است، اینکه عدالت خود میزان و معیار همه چیز و همه امور است. کم و کاستی در میزان، طغیان و تجاوز به حقوق دیگران است.

و السماء رفعا و وضعالمیزان\* الا تطغوا فی المیزان\* و اقیماولوزن بالقسط و لا تخسرالمیزان  
 " و آسمان را بر افراشت و معیار و میزان مقرر داشت. که در سنجش سرکشی [ تجاوز به حقوق دیگران ] نکنید. و سنجش را بپادارید و در سنجش کم و کاستی نیارید. " ۷۴

وضع المیزان" چیزی است که بوسیله آن هر چیزی را با آن می سنجند و اندازه می گیرند. بعبارت دیگر یعنی اینکه خداوند عدالت را در بین شما بعنوان میزان بر قرار کرد، تا مساوات را میان همه اشیاء بر قرار سازید و هر چیزی را در جای خودش، آنرا بکار بسته، حق هر چیزی را بدرستی بدهید.

۳- شهادت و سخن به حق با ید داد حتی بر ضد خود و پدر و مادر و بستگان.  
 ۴- شهادت به حق دادن و با عدالت رفتار کردن حتی با دشمنان خود .

۱- قسط و عدالت امر خداوند است و هر کار زشتی ضد قسط است.  
 ۲- مؤمنان باید به عدل و داد قیام کنند و گواه بر اجرای آن باشند.

۳- شهادت و سخن به حق با ید داد حتی بر ضد خود و پدر و مادر و بستگان.  
 ۴- شهادت به حق دادن و با عدالت رفتار کردن حتی با دشمنان خود .

خاصه های قسط و عدالت در آیاتی که ذکر شد، بوضوح خصه های زیر در مورد قسط و عدالت و قائمین به آن نشان داده شد.  
 ۱- قسط و عدالت امر خداوند است و هر کار زشتی ضد قسط است.  
 ۲- مؤمنان باید به عدل و داد قیام کنند و گواه بر اجرای آن باشند.  
 ۳- شهادت و سخن به حق با ید داد حتی بر ضد خود و پدر و مادر و بستگان.  
 ۴- شهادت به حق دادن و با عدالت رفتار کردن حتی با دشمنان خود .

۵- قسط و عدالت از آیات الهی است و مانع گسترش و اجرای آن زورمداران و قدرتمندان هستند.

۶- قسط و عدالت، عهد و پیمان خداست و باید به پیمان خدا وفا کنند.

۷- قائمین به قسط، امر به صلح و آشتی می کنند.

۸- قسط و عدالت، خود میزان همه امور است.

با اندک توجه به آیات بینات قرآن و خاصه هانی که در آن بوضوح بیان شده است، می رساند که قیام به عدل و داد و با آن نشانه های ذکر شده و انتظامات دادن به آن در جامعه، دقیقاً به معنای برقراری حکومت برای تدبیر امور مملکتی است و آن هم بر عهده خود مردم واگذار شده است. در هیچیک از آیات الهی، اجرای آن بعهده پیامبران و رهبران الهی واگذار نشده است بلکه آنچه را پیامبران مأمور شده اند، این است که امر پروردگار را به مردم ابلاغ کنند و علاوه بر آن میزان سنجش حق و باطل را روشن برای مردم بیان کنند و همچنانکه پروردگار خود شاهد قائم به قسط است، پیامبران نیز شاهد بر مردم و اجرای آن هستند تا آنها با کمک میزان و سنجش حق و باطل به عدل و داد قیام کنند و جامعه را بسوی رشد، رهنمون شوند. و بدانند که قسط و عدالت نزد خداوند، میزان و محک همه امور است.

خدای متعال، رسولان خود را با این اوصاف و وظایف و میزان سنجش حق و باطل فرستاد، تا بعد از آن حجتی بر احدی باقی نماند.  
 رسولاً مبشرین و منذرین لنلا یکون الناس علی الله حجة بعد الرسل  
 " رسولی فرستاد تا هم بشارت دهنده و هم هشدار دهنده باشد، آسان که برای مردم حجتی بر خدا نماند و خدا عزیز و حکیم است. " ۷۷

با وجودی که روشن شده است که وظیفه رسولان و پیامبران جز ابلاغ رسالت نیست، معهداً، باز با استعانت از قرآن، تمام اموری را که قرآن، پیامبران و رهبران الهی را از آنها نهی فرموده است، در زیر می آورم تا اذهان روشن شود و جای اعوجاج باقی نماند.

اموری که بر پیامبران نهی شده است خداوند، تمام اعمالی را که تمام قدرتمداران و سلطه گران و دیکتاتوران بوسیله و یا با کمک آنها، خود را بر مردم حاکم می گردانند و آنها را به زیر سلطه خود میکشند، پیامبران را از نزدیک شدن به آنها اکیداً برحذر می دارد و در مواردی به پیامبر عتاب میکند که مبادا نزدیک به آنها بشوی که آن امور را تنها به خودم واگذار کرده ام و در اختیار مطلق من است و ترا بدانها راهی نیست. پس بهوش باش و سعی کن به بهترین وجهی وظیفه ای که بعهده ات گذاشته شده است را انجام دهی. بنابراین امور سلبیه پیامبران و بویژه پیامبر اسلام، عبارتند از:

۱- امور مردم بدست پیامبر نیست لیس لک منالامر شیئی او یتوب علیهم او یعذبهم فان هم ظالمون  
 " ای پیامبر، به دست تو کاری نیست، اگر بخواهد به لطف خود از آن ها در می گذرد و اگر بخواهد به جرم آن مردمی را که ستمگرند، آنها را عذاب می کند. " ۷۸

منظور این است که امور مردم بدست خداست و نه بدست پیامبر، مالک هر چیزی اوست پس هر کس را که بخواهد می امرزد و هر که را که بخواهد عذاب می کند و پیامبر اختیاردار امور زندگی مردم نیست .

۲- حق از سوی پروردگار است و نه پیامبر و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر  
 " و بگو حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس که خواهد ایمان بیاورد و هر کس که خواهد کفر ورزد. " ۷۹

یعنی اینکه پیامبر تو فقط باید امر مرا به مردم برسانی و به امور دیگر کاری نداشته باشی، هر که خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد کفر بورزد.

۳- حق از سوی پروردگار است و نه پیامبر و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر  
 " و بگو حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس که خواهد ایمان بیاورد و هر کس که خواهد کفر ورزد. " ۷۹

۴- مؤمنان باید به عدل و داد قیام کنند و گواه بر اجرای آن باشند.  
 ۳- شهادت و سخن به حق با ید داد حتی بر ضد خود و پدر و مادر و بستگان.  
 ۴- شهادت به حق دادن و با عدالت رفتار کردن حتی با دشمنان خود .





اما عقل آزاد می کوشد قبل از هر چیز خود را از اسطوره ها آزاد کند و در انسان، بمثابه موجودی رشد یاب بگرد و برای رشد او نیز، تعریف و روشی را بیابد که بر پایه آن، نه قدرت، که انسان از راه عمران طبیعت و تدارک محیط زیست برای همه زبندگان، رشد کند، نه این که خود و محیط زیست را به ویرانی سوق دهد. عقلی که می خواهد از طریق مقایسه یک شکست خورده (تجدد غرب یافته) با شکست خورده دیگر (سنت فقه ساخته) و استفاده از «فکر جمعی جباری» که تحت نام «عصری» و «مترقی» و «مدرن» و این یا آن اسطوره سازی ها، حل مسئله کند، پیش از این راه بجائی نبرده است و بعید است از این پس نیز راه بجائی ببرد. آنچه هنوز جایش در میان بسیاری از نظرپردازان ما خالی است پیشنهاد روش رشد در آزادی و کرامت مندی است که هم به انسان این عصر و هم به انسان های عصرهای آینده بتوان آن را پیشنهاد کرد.

زنها! همانطور که هر حقی ذاتی حیات است، هر راه حلی نیز ذاتی مسئله ای است. راه حل بیرون از مسئله، قدرت فرموده و بنوبه خود، مسئله ساز است. تافلر مدعی است مسائلی که در یک عصر ایجاد می شوند، در عصر پس از آن حل می شوند. اما زمان شهادت می دهد که قدرت مسئله هائی را که ایجاد می کند، نه تنها نمی تواند حل کند، بلکه مسئله های جدید می سازد و بر قبلی ها می افزاید. مسئله ها وقتی راه حل می جویند که میان آزادی جانشین بیان قدرت شود.

۹. از آنجا که هر تخریب و هر تحدیدی منکی به تبعیضی است، عقل توجیه گر نیز تبعیض تراش است. از این رو، در ابتدا از تقسیم محتوای قرآن به خطاپذیر و خطاناپذیر شروع می کند و به سود بخشی از قرآن که به زعم او خطاناپذیر است تبعیض قائل می شود تا به دنبال آن، بسود نظری تبعیض برقرار کند که مطلوب اوست و می خواهد هر جور شده آن را جانشین «بخش خطاپذیر» کند. غافل از این که تبعیض میان این و آن زمان و مکان ساختن و بی توجه به این امر که چه بیانی راه و روش آزاد شدن انسان از بندگی قدرت است و کدام بیان نیست، بیانی را کهنه و بدوی و بیان دیگری را نو و مدنی انگاشتن، خواسته یا ناخواسته، کار را به تبعیض ویرانگری می کشاند: تبعیض بسود قدرت و به زیان آزادی. به سخن دیگر خالی پنداشتن قرآن از بیان آزادی و حقوق انسان و غیر انسان. غافل از این که اگر قرآن از بیان آزادی و حقوق خالی باشد، لاجرم از بیان قدرت پر است. و اگر چنین است، پذیرفتن بخشی و پذیرفتن بخش دیگری، مشکل را حل نمی کند بلکه مشکل بر مشکل ها می افزاید. زیرا صاحب چنین نظری همچنان در محدوده بیان قدرت می ماند و حاصل کارش این می شود که نزاع جدیدی بر نزاعها و مسئله ای بر مسئله های موجود بیفزاید.

این غفلت عقل توجیه گر، از سویی، از روی ناچاری است زیرا تا قرآن از بیان آزادی خالی و از بیان قدرتی متعلق به روزگار ۱۴ قرن پیش تلقی نشود، این عقل نمی تواند، از راه مقایسه صورتی، آن را در قیاس با این یا آن بیان قدرت «مدرن» کهنه و بدوی بخواند.

در پایان این بخش از مطالعه که در نقد عمومی و مشترک نظریه های ابراز

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - بخش دوم

که در پی یافتن بیان آزادی شود. اگر بدین کار روی آورد، در می یابد که خاصه اصلی بیان آزادی این است که اصول راهنما و حقوقی را در بر می گیرد که رشد انسان را در فراخنای لاکراه میسر می سازند. و چون قالب نیست، روش نوبه نو شدن است و نه مانع آن. برای مثال، در موضوع مجازات ها، از جمله، اصل را بر جبران و ترمیم می گذارد. هر اندازه جامعه از روابط قوا آزاد تر، جرائم کمتر و خشونت به عنوان روش کاستن از جرائم، کم نقش تر. بنا بر این، در جریان رشد، کارآئی این اصل و دیگر اصلهای راهنمای قضاوت بیشتر. عصری شدن در اندیشه راهنمای عدالت اگر به معنای اقبال به بیان آزادی باشد چنین مسیری را در موضوع نظام جزایی، برای مثال، خواهد پیمود، نه این که دائماً بر دامنه و شدت کیفرهای ضد کرامت انسانی مثل زندان بیفزاید.

### نقد احکام دهگانه:

**حکم اول: جاودانه بودن و الهی بودن قرآن به باور قدما و عصری کردن و انطباق پذیر کردن آن با مقتضیات زندگی «مدرن»**

هر چند این حکم را در نقد عمومی به بحث گذاشتم، در این جا تنها خاطر نشان می کنم: هرگاه قرآن بیان قدرت باشد، قابل عصری کردن و انطباق پذیر کردن با مقتضیات یک زندگی حقوق مدارانه نیست و باید از خیر آن گذشت. زیرا تناقضی حل نکردنی ببار می آورد: پرستش خدایی که از یک سو می فرماید: «رشد از غی آشکار شد» و از سوی دیگر، دینی را روش زندگی انسان می کند که تحمل رشد انسان را نمی آورد! افزون بر این، می باید از تجربه واقع شده در جامعه های مسلمان نیز پند گرفت: اسلام در طول زمان، مکرر با قدرت انطباق داده شده است و حاصل آن استبدادهای حاکم بر جامعه های مسلمان و درماندگی این جامعه ها است. در اینجا ممکن است گفته شود مسیحیت (مذهب کاتولیک و پروتستان) خود را با تحول جامعه ها تطبیق داده است و از ضدیّت با کرامت و حقوق انسان، به موافقت و بسا حمایت از کرامت و حقوق انسان متحول گشته است. بنا بر صورت، چنین است. اما بنا بر واقع، مسیحیت در همین دوران «مدرن» دائم با بیان های قدرت (مثلاً در آلمان نازی با ناسیونالیسم خشن) و در حال حاضر با لیبرالیسم، بمثابه اندیشه راهنمای سرمایه داری، بعضاً یا کلاً انطباق جسته است. هر چند پاپ ژان پل دوم این سرمایه داری را مورد انتقاد قرار داده است، اما همچنان به رغم این که مسیحیت دین بخش مسلط جهان است، ناتوان از پیشنهاد راه رشدی است که در آن نه قدرت سرمایه، که انسان رشد کند. و نیز، ناتوان از گشودن فضای معنوی، فراخنای لاکراه، بر روی همه انسان ها، از جمله کسانی است که خارج از سنت مسیحی غربی اند. کلیسا در جاهایی با مادیت بس خشن این سرمایه داری دمخور گشته است و بنابراین تاکنون توانا به پیشنهاد سامانه ای نشده است که به انسانها در همه جای دنیا امکان دهد از بند روابط قوایی سخت فرساینده رها شوند. راستی اینست که اگر کسی هست که قرآن را بیان آزادی نمی یابد، درخورترین کار برای او این است

**حکم دوم: حاصل نزاع اشاعره و معتزله و فایده آن در این زمانه:**

بحث میان معتزله و اشاعره - که اشاعره خود انشعابی درون معتزله بود - بحث میان دو دیدگاه فلسفی در میان مسلمانان است که هر دو هم ریشه در فلسفه یونان دارد. بحث قدیم و حادث بودن قرآن و نسبت عقل و دین به یکدیگر و جبر و اختیار بسا گرایش به فلسفه یا بیزاری از آن، میان این دو نخله جریان داشت اما هیچگاه به بحث از بیان آزادی بودن یا نبودن قرآن سر باز نکرد. رواج منطبق صوری، هر دو را از توجه به این پرسش باز داشت. در طول زمان، بحث ادامه یافت اما غفلت از بیان آزادی نیز همین طور. پرسش آن عصر و امروز و فردا همچنان اینست: قرآن بیان آزادی هست یا نیست؟ عقلی که، به زعم اشاعره، معتزله آن را تا مقام خدائی بر می کشید، آیا بدون اصل راهنما می تواند عمل کند یا نمی تواند؟ روش کار می خواهد یا نمی خواهد؟ چه کسی مدعی شده است که عقل بی نیاز به اصل راهنما و روش عمل می کند؟ اگر چنین کسی بوده است، کیست و حجت او بر مدعای خود چیست؟ اگر چنین فیلسوف و غیر فیلسوفی وجود ندارد، ما که امروزه به مدد فلسفه های انتقادی جدید اصل راهنما و روش سازگار با عقل قدرتمدار و توجیه گر را می شناسیم، چرا درنگ می کنیم و به سراغ اصل راهنما و روش سازگار با عقل آزاد نمی رویم؟ پاسخ این پرسش است که بسا فلسفه عقل را از بن بست می گذرد که عقل و هابرماس می کوشد با نظریه «عقل ارتباطی» یا جان رالز با نظریه «عقل جمعی» آن را حل کند، رها می کند.

**حکم سوم: قرائت سوربانی - آرامی قرآن و کاربرد آن:**

در باره قرائت سوربانی - آرامی قرآن و آیه حجاب (آیه ۳۱ سوره نور) که مورد بررسی برخی قرآن پژوهی های زبان شناسانه واقع شده است چند نکته را باید خاطر نشان کرد: ۱. از این راه نمی توان مشکل را حل کرد. آنچه هم انجام شده است مشکلی بر مشکلا افزوده است. چرا که با این نوع تفاسیر، نزاع جدیدی در می گیرد میان آنها که خداوند را حافظ قرآن از هر نوع تغییر معنا می دانند و بر آنند که خداوند و پیامبر و اصحاب او،

روشی را بکار برده اند که در کتابت، معانی آیه ها تغییر نکنند، و کسانی همانند صاحب کتاب قرائت سوربانی - آرامی که بر آنند روند کتابت سبب تغییر معانی شده است. هرگاه خوب تأمل ورزیم هر دو عقل، واجد ویژگی های عقل توجیه گر اند: یکی حجاب فقهی را «زینت زن» می داند و آیه را «آیه حجاب» می خواند و دیگری بی حجابی را توجیه می کند و می گوید «خمار» همان شالی بوده است که مسیحیان به کمر می بستند! حال آنکه آیه با هیچیک از دو توجیه نمی خواند.

۲. آیه با هیچ یک از این دو نظر نمی سازد زیرا هرگاه در کتابت، کلمه هائی و یا معانی کلمه هائی و یا معنی آیه یا آیه هائی تغییر کرده باشند، می باید آن معنی یا معانی در خود همان آیه و با آیه های دیگر تناقض پدید آورده باشند. برای مثال، هرگاه کلمه «خمار» شالی معنا دهد که مسیحیان بر کمر می بستند، اولاً با شالی که بر کمر می بستند - هنوز هم در بخشی از روستاهای ایران بیشتر زنانی که پا به سن می گذارند، شال بر کمر می بندند - چگونه بتوان سینه را پوشاند به تریبی که هم شال باشد و هم سینه را پوشاند و هم دستها را آزاد بگذارد؟ ثانیاً چون قصد، پوشاندن سینه است، سخن سر راست (لسان مبین) این می بود که آیه از زنان بخواهد پیراهن هائی که سینه را باز می گذارند، نپوشند.

هستند کسانی که «خمار» را مقنعه ترجمه کرده و آیه را اینطور معنا کنند: «سینه های خود را با مقنعه بپوشانند». گذشته از این که مقنعه کلمه ای عربی و به معنای رو بنده است، اگر مراد رو بنده بود، کلمه خمار بکار نمی رفت. بکاربردن منطبق صوری از سوی چنین مترجمانی و صادر کنندگان حکم «پوشاندن سینه با مقنعه»، آنها را از این واقعیت غافل کرده است که این سان معنا کردن آیه، بنفسه گویای این امر است که زنان پیراهن سینه باز می پوشیده اند و خداوند به جای آنکه از آنها بخواهد «دکلته» نپوشند، از آنها خواسته است با روسری یا مقنعه خود، سینه و بر عریان خود را بپوشانند! اما سؤال این است که در کجای قرآن از زنان خواسته شده است که روسری بر سر کنند و یا سر و صورت را با مقنعه بپوشانند تا در آیه ۳۱ سوره نور از آنها بخواهد با همان روسری یا مقنعه سینه و بر عریان خود را بپوشانند؟ افزون بر این که آن روسری و یا مقنعه ای که سینه و بر را بپوشاند، دیگر روسری و مقنعه نیست؛ چادری است که ماخوذ از زنان اشرافی ایران قدیم می تواند باشد. این نوع بیان در شان یک عقل عادی نیست چه رسد به عقل آزاد صاحب قرآن که بیان خود را سراسر و شفاف می خواند. سخن شفاف و سراسر این بود که بگوید یقه پیراهن خود را ببندید. ۳. هرگاه قرار باشد قرآن زبان همه زمانها و همه مکان ها باشد، می باید کلمه ها همواره یک و همان معنا را داشته باشند. به تریبی که آمد، این معنی می باید شفاف و سراسر باشد. بنا بر این، اگر خمار، پوشش معنی می داده است (الخمار من الخمر، واصله الستر، یقال:

خمر الشیء یخمره خمرأ، وأخمره أی ستره) اینک نیز می باید پوشش معنی دهد. این پوشش می تواند سینه را بپوشاند وقتی پیراهن است و می تواند سر را بپوشاند وقتی روسری است. در آیه، سخن از پوشاندن سینه است و این کار از پیراهن بر می آید. می باید امروز نیز همان معنی را بدهد. فعلی که در آیه بکار رفته است (یضربن) نیز گویای بستن یقه پیراهن است.

افزون بر این، این معنی نمی باید بیانگر تبعیض (میان زن با مرد) باشد. برای مثال، در قرآن، اثر جاذبه جنسی یوسف بر زن حاکم مصر و زنانی که او به مجلس خود دعوت کرده بود، به روشنی توصیف می شود. اثر این جاذبه بدانند است که کاردها میوه های در دست زنان را دو نیم می کند تا به کف دستها می رسد بی آنکه متوجه درد آن شوند. با وجود این، بنا بر قرآن، خداوند از یوسف (ع) نخواست «حجابی» را بر سر کند که از قرن سوم هجری بدین سو، رواج گرفت. این معنی (یعنی پوشش) نمی باید با اصول راهنمای قرآن تناقض پیدا کند. برای مثال، حجاب بمثابه پوششی که بیانگر منزلت مادون زن نیست به مرد باشد، هم با اصول راهنمای قرآن (مانند اصل برابری) سازگار است و هم با تمام آن آیه ها که زن و مرد را زوج و همشان یکدیگر می شمارد و ملاک کرامت بیشتر را تقوا می گرداند. بر مبنای روش عقل آزاد پرسش آخر در اینجا این است که این معنی قرآنی راه حل کدام مسئله در روابط انسانی است؟ با اندکی دقت متوجه می شویم برای این است که سکس در خدمت قدرت نقش پیدا نکند و در قلمرو زناشویی، رابطه جنسی به رابطه ای آزاد تبدیل شود که در آن منع ها و ممنوعیت های جنسی میان زن و شوهر یکسره ملغا باشند، به تریبی که التذاذ جنسی دو همسر (هم در جسم و هم در عقل) از یکدیگر کامل باشد، ولی در بیرون از آن، رابطه زنان و مردان رابطه عقل آزاد با عقل آزاد باشد و نه تن با تن. برای شکل گیری چنین رابطه ای می توان پرسش را ادامه داد و نشان داد کدام پوشش است که در خورد زنان و مردانی چنین است؟ در کتاب زن و زناشویی به ویژه در صفحات ۱۰۲ تا ۱۵۳ راه حلهایی را که برای این مسئله پیشنهاد شده اند، یکی یکی نقل و نقد کرده ام و راه حلی را هم بر اصل موازنه عدمی شرح کرده ام.

ادامه بحث را در شماره بعد پی خواهیم گرفت.

۱ - در کتاب کیش شخصیت روشهای تخریب خود و دیگران با توجه به قرآن به تفصیل آمده است. برای مطالعه بیشتر به این کتاب مراجعه کنید. نسخه آنلاین این کتاب در سایت ابوالحسن بنی صدر با نشانی <http://www.banisadr.com.fr>

۲ - رک: هربرت مارکوزه *À la recherche de l'AKU*، ترجمه محسن مؤیدی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۲

یادآور می شوم مارکوزه یکی از دلایل انحطاط انسان در عصر حاضر را توسعه فلسفه هایی می داند که منطق صوری راسرلوجه عقل خود قرار داده اند. از نظر مارکوزه منطق صوری، منطق توجیه واقعیت های جاری است و به منظور توجیه پابرجایی واقعیت های ظالمانه عصر مدرنیسم همچنان در فلسفه های مدرن رواج دارد.



# انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و نایب

ابوالحسن بنی صدر

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو. اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو. الحاق کنید و چک نفرستید. وجه اشتراک را نقد و با پست سفارشی یا به حساب بانکت واریز فرمایید.

# Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:  
Abolhassan Banisadr  
5, Rue General Pershing  
F - 78000 Versailles, FRANCE  
Fax.: +33 1 39 54 45 26

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://home.swipnet.se/Banisadr

Enghelabe Eslami Zeitung  
Postfach 11 11 18  
D - 60046 Frankfurt  
GERMANY

FRASPA - Germany  
Konto No.: 12 30 26  
BLZ.: 500 502 01

ارتر با ارز طریق کا پیوتر

1.5 EURO

Nr. 695 14 - 27 avr. 2008.

درج مقالات الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی نیست و تنها بعنوان بحث آزاد تلقی میگردد

## اعتیاد به مجاز

با سرکوب شدید یگانهای ویژه نیروی انتظامی بوشهر روپر و درگیری روبروی کاخ استانداری بوشهر شدت ادامه دارد. در جریان این درگیری تعدادی از روزنامه نگاران دستگیر و بازداشت و وسایل آنان توسط نیروهای امنیتی ضبط گردید. اسامی آنان از بازداشتی های خبرنگار به این شرح است:

۱- میترا انبارکی هفته نامه بیری و هفته نامه دریای جنوب.  
۲- مریم خویینی هفته نامه نصیر بوشهر  
۳- اسماعیل جعفری هفته نامه نصیر بوشهر

لازم بذکر است که سرگرد پاسدار شجاعی معاونت یگان ویژه نیروی انتظامی استان بوشهر از آمران این سرکوب است که با عملیات سبانه خود به همراهی تعدادی از مزدوران رژیم سهم بسزایی در سرکوب امروز کارگران داشته اند.

در ۱۹ فروردین ۸۷ بیش از هفتصد دانشجو و فعال زن با انتشار بیانیه ای نسبت به اعمال غیر قانونی سهمیه بندی جنسیتی در دانشگاهها توسط سازمان سنجشی، اعتراض کردند. در بیانیه ای که بیش از چهارصد دانشجوی دختر و فعال زن امضا کرده اند، آمده است:

"طرح سهمیه بندی جنسیتی برای اولین بار، سال ۸۲ توسط مجلس و دولت اصلاحات در رشته های پزشکی مطرح شد که با مقاومت فعالین زنان و فعالین دانشجویی در ظاهر متوقف گشت. اما شواهد و مدارک روشنی مبنی بر اجرای سهمیه بندی به نفع پسران وجود دارد که تا چندی پیش انکار می شد. تا اینکه مرکز پژوهش های مجلس ۱۵ بهمن، طی گزارشی اعتراف کرد سهمیه بندی سال ۸۵ در ۲۶ رشته و سال ۸۶ در ۳۹ رشته به صورت ۳۰ تا ۴۰ درصد دختر و ۳۰ تا ۴۰ درصد پسر و بقیه رقابتی اعمال شده است. رئیس سازمان سنجش نیز در ۱۹ بهمن ناچار شد رسماً بپذیرد که در برخی رشته ها سهمیه بندی ۳۰ درصدی به نفع پسران در نظر گرفته شده است.

ما زنان برابری خواه، سهمیه بندی جنسیتی را ادامه سیاست های پدرسالارانه موجود در جهت محدود ساختن زنان ایرانی می دانیم و با امضاء این بیانیه خواستار توقف این روند تبعیض آمیز هستیم".  
در ۱۹ فروردین ۸۷، در زندان اداره اطلاعات ارومیه ۴ زندانی اهل حق بنامهای آقایان سهند علی محمدی، بخش علی محمدی، عبداالله قاسم زاده و مهدی قاسم زاده که در روز ۱۰ فروردین ماه در اعتصاب غذای خشک بسر می برند، در شرایط بسیار وخیمی قرار دارند. بدستور اوواک ۴ زندانی اهل حق روز چهارشنبه ۱۴ فروردین ماه به سلولهای افرادی زندان اوواک ارومیه منتقل شدند. بازجویان اوواک بجای بر آورده کردن خواسته های به حق آنها، آنها را تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار دادند و سعی داشتند که آنها را وادار به شکستن اعتصاب غذا کنند.

در ۱۹ فروردین ۸۷، اطلاع رسید که تعداد دانشجویان احضار شده به

کمیته انضباطی دانشگاه شیراز که روز شنبه ۲۳ نفر بود تا پایان وقت اداری یکشنبه ۱۸ فروردین به ۲۸ تن رسید. اسامی این دانشجویان به شرح زیر است:

عباس رحمتی، هادی عسگری، لقمان قدیری، اسماعیل جلیل وند، کاظم رضایی، محسن گوهری نیا، سعید کوشکی، عبدالله داوودیان، محسن زرین کمر، احسان هاشمی، هادی الم لی، سعید خسروآبادی، اکبر حسن پور، رحیم سلیمانی، امین درستی، سجاد فتاحی، سعید خلعتبری، سعید آشنایی، سعید لطفی، مجتبی شیخیان، رضا فولادی فر، یونس میرحسینی، محمد رضا دهقان، هاشم حسین پور، نسیم دالوند، ندا ضیغمی، ناهید افراسیابی، سحر بزدانی.

این احضارها در حالی صورت می گیرد که در اسفند ماه گذشته پس از اتمام تجمع ده روزه دانشجویان که در اعتراض به مشکلات صنفی انجام شده بود ۱۰ تن دیگر از دانشجویان مجموعاً به ۱۷ ترم محرومیت از تحصیل از سوی کمیته انضباطی محکوم شده بودند. همچنین در اسفند ماه در دانشگاه شیراز، علوم پزشکی و باهنر این شهر مجموعاً ۲۱ دانشجوی بازداشت شدند.

در ۱۹ فروردین ۸۷، به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران، علی صارمی از بند ۲۰۹ زندان اوین به قرنطینه منتقل شده است.

علی صارمی به دلیل شرکت در مراسم بزرگداشت قربانیان کشتار سال ۶۷ در خاوران در تاریخ ۸۵/۶/۱۴ توسط مامورین اوواک بازداشت و پیش از ۲ ماه در سلول انفرادی بند ۲۰۹ و سپس در سوئیت ملوک نفره در همین بند در بلاکلیفی مطلق نگهداری شده است وی اخیراً جهت انتقال به بند عمومی به قرنطینه زندان اوین منتقل شده است.

در ۲۰ فروردین ۸۷، دو عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران سعید تریان (سخنگوی سندیکا) و محمد ابراهیم نوروزی گوهری از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، پس از حضور در پلیس امنیت عمومی تهران و ادای برخی توضیحات به دادرسی انقلاب منتقل شدند.

در ۲۰ فروردین ۸۷، خانم الهام یعقوبی ۳۰ ساله از اعضای خانواده های قتل عام ۱۳۶۷، که در روز ۱۸ شهریور ۱۳۸۶ و پس از برگزاری مراسم گرامیداشت نوزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی ۱۳۶۷ با یورش مامورین وزارت اطلاعات به منزلشان دستگیر و به سلولهای انفرادی بند مخوف ۲۰۹ اوین منتقل گردید. فردی با نام مستعار رحمتی از بازجویان اوواک که تقریباً بازجوییهای تمامی اعضای خانواده های قتل عام را به عهده دارد. این فرد در دستگیری اعضای خانواده ها نقش مستقیم دارد. و همچنین هنگامی که اعضای خانواده های قتل عام به بند ۲۰۹ اوین منتقل می شوند. رحمتی شخصاً آنها را مورد بازجویی و شکنجه های جسمی و روحی قرار میدهد.

خانم یعقوبی در طی ۳ هفته بازداشت در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ اوین توسط این فرد تحت وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار داشت و وقتی که با سپردن وثیقه سنگین آزاد شد، بازجو رحمتی دائم

او را تلفنی به خانه های مخفی اوواک احضار می کرد و او را دائم مورد تهدیدات تلفنی خود قرار می داد. وقتی که خانم یعقوبی نسبت به احضارهای خودسرانه این فرد اعتراض می کرد و به دلیل غیر قانونی بودن تن به این احضارها نمی داد، رحمتی او را تهدید به بازداشت میکرد و به او می گفت: باشد حتما عواقب آن را خواهی دید و حتماً ترا به زندان محکوم خواهیم کرد.

خانم یعقوبی اخیراً در شعبه ۱ دادگاه انقلاب شهر ری مورد محاکمه قرار گرفت و به توصیه رحمتی به ۶ ماه زندان محکوم شد. او حق اعتراض نسبت به این حکم را ندارد!  
روز شنبه ۱۷ فروردین ماه به دستور بازجو رحمتی، او دستگیر شد و او را به بازداشتگاه کلاتری ۱۳۱ انتقال دادند و پس از چند ساعت به بخش ۲ بند قرنطینه زندان اوین منتقل کردند. خانم الهام یعقوبی ۲ دانی خود را به نامهای احمد سلیمانی و سعید سلیمانی در جریان قتل عام های ۱۳۶۷ که مصداقی از جنایتی علیه بشریت است از دست داد.

در ۲۰ فروردین ۸۷، ماموران انتظامی خدیجه مقدم را در منزل مسکونی اش دستگیر و با قرار وثیقه یک میلیارد ریالی روانه بازداشتگاه وزرا کردند.

خدیجه مقدم این مادر ۵۶ ساله که سالها در عرصه های گوناگون جامعه مدنی از جمله محیط زیست، جنبش زنان و استقرار حقوق بشر و صلح در ایران و جهان تلاشی مستمر و خستگی ناپذیر داشته و با اتهامهای گوناگون مواجه شده است که، بنا بر گزارشها، در برابر درخواست غیرقانونی ماموران دادستانی مبنی بر معرفی ۸ تن از فعالان کمپین یک میلیون امضا مقاومت کرده و اقامت در زندان را ترجیح داده است.

در ۲۰ فروردین ۸۷ اطلاع رسید که هادی قابل دبیر و عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت دپروز برای اجرای حکم ۴۰ ماه حبس خود در اختیار زندان قم قرار گرفت.

وی پیش از این از سوی دادگاه ویژه روحانیت به ۴۰ ماه حبس، خلع لباس و پرداخت ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی محکوم شده بود. پیش از این، در ۳۰ بهمن ماه سال گذشته قابل برای اجرای حکم خود به دادگاه ویژه روحانیت قم مراجعه کرده بود، اما به وی اعلام شد «اجرای حکم تا زمان نامشخص به تعویق افتاده است».

تعویق اجرای حکم قابل اما چندان به درازا کشید. در کمترین فاصله پس از انتخابات مجلس هشتم و در اولین روزهای کاری در سال جاری با قابل تماس گرفته شد. در این تماس که هفتم فروردین ماه صورت گرفت، قابل به دادگاه ویژه روحانیت قم دعوت شد اما به دلیل سفر خانوادگی به مشهد امکان حضور قابل در قم فراهم نشد. در نتیجه، روز یکشنبه ۱۸ فروردین ماه بار دیگر تماسی با اوکیل قابل گرفته شد تا وی به دعوت دادگاه ویژه روحانیت راهی قم شود. در این دعوت، آن طور که پسر قابل گفته، صحبتی از اجرای حکم به میان نیامده بود. اما ظهر دپروز و به دنبال حضور قابل در قم، وی برای اجرای حکم خود راهی زندان شد.

## امور خارج از محدوده

### رسالت و پیامبری در قرآن

۳ -

۳- هدایت مردم با پیامبر نیست لیس علیک هدا هم م لکن الله یهدی من یشاء

" هدایت کسان با تو نیست بلکه خدا هر که را بخواهد، هدایت می کند." ۸۰  
در این جمله روی سخن، مستقیم با پیامبر است که مخاطب فرار گرفته، که ای پیامبر حتی هدایت آنان بعد از تو نیست و این خداست که هر کس را بخواهد، هدایت می کند.

۳/۱ - من اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فانما یضل علیها و لا تزر وازرة اخرى و ما کتا معذبین حتی نیعت رسولا " هر کس خویشان را، خویش هدایت می کند، و هر کس گمراه شود جز این نیست که خود، خویش را گمراه کرده است و هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد و ما تا رسولی را بر نیانگیزیم کسی را عذاب نمی کنیم." ۸۱

۴- پیامبر وکیل مردم نیست انا انزلنا علیک الكتاب للناس بالحق فمن اهتدی فلفلسه و من ضل فانما یضل علیها و ما انت علیهم بوکیل

" ما این کتاب را که بر تو نازل کردیم برای مردم و بحق نازل کردیم. پس هر کس از هدایت بهره مند شد به نفع وجود اوست و هر کسی گمراه گردد، علیه خود اوست و تو وکیل مردم نیستی." ۸۲  
" و ما انت علیهم بوکیل" یعنی امر آنان به تو واگذار نشده تا در تدبیر شنون آنان مسنول باشی و در نتیجه تلاش کنی تا هدایت را به هر نحو که شده در دل آنان وارد سازی. تو از این بابت هیچ اختیار و مسنولیتی نداری.

۴/۱ - با وجود تکذیب پیامبر بوسیله قومش و حق بودنش، او وکیل آنان نیست و کتب به قومک و هوالحق قل لست علیکم بوکیل " و قوم تو دروغ شمردند و آن حق است. بگو، من بر شما وکیل نیستم." ۸۳

سباق جمله " لست علیکم بوکیل" کنایه است و می خواهد بفرماید: از چنین قومی اعراض کن و به آنها بگو اختیار شما به من واگذار نشده است. تنها وظیفه دارم که هشارتان دهم.

۴/۲ - تو کارگزار مردم نیستی ارایت مناتخذ الالهه هویة افانت تکون علیه وکیلاً

" آیا کسی که هوس خویش را خدای خویش گرفته ندیدی؟ مگر تو کارگزار او هستی؟" ۸۴  
باز خطاب به پیامبر است که او وکیل و سرپرست و قائم به امور کسی نیست تا به دلخواه خود، او را بسوی رشد هدایتش کند، او چنین اختیاری ندارد. " انک لا تهتدی من اجبیت" ۸۵ یا همچنانکه " و ما انت بمسمن من فی القیور" " تو نمی توانی هر که را دلت خواست هدایت کنی" یا " هر نمی توانی مرده در گور را بشنوانی" ۸۶

۴/۳ - و لو شاءالله ما اشركو و ما جعلناک علیهم حفیظاً و ما انت علیهم بوکیل

" اگر خدا می خواست، شرک نمی آوردند، ما ترا نگهبان نکردیم و عهده دار امور ایشان نیستی." ۸۷  
این آیه در حقیقت رسول خدا را تسلیت می دهد و می فرماید، تو فقط وظیفه ات را به انجام برسان و کاری به کارهای

دیگر نداشته باش که تو حفیظ و وکیل آنان نیستی. چه ترسی داری ؛ عاقبت آنان بسوی من باز خواهند گشت.

۴/۴ - پیامبربر مردم وکالت ندارد والذین اتخذو من دونه اولیاء الله حفیظ علیهم و ما انت علیهم بوکیل " و کسانی که غیر از خدا اولیائی می گیرند، باز خدا نگهبان آنها است و تو بر آنان وکالت نداری." ۸۸

در این آیه خداوند روشن می سازد که همه بایستی به غیر از خدا اولیائی برای خود نگیرند ولی باز کسانی که به غیر از او، برای خود اولیائی می گیرند از آنان نیز غافل نیست و در این میان رسول خدا، به جز ابلاغ رسالت، وظیفه دیگری ندارد. نه وکیل مردم است و نه از اعمال آنان از وی سنوالی می شود.

۴/۵ - خدا بهتر می شناسد و تو وکیل نیستی

ربکم اعلم بکم ان یشاء یرحمکم او ان یشاء یعذبکم و ما ارسلناک علیهم وکیلاً " پروردگارتان شما را بهتر می شناسد اگر بخواهد بشما رحم کند، و اگر بخواهد عذابتان می کند، و ما ترا نفرستاده ایم که وکیل ایشان باشی." ۸۹

خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: ما ترا وکیل مردم قرار نداده و امر ایشان را به تو واگذار نکرده ایم تا اختیار داشته باشی به هر که خواهی بدهی و هر که را خواستی محروم کنی.

۴/۶ - حق از جانب خداوند آمده و پیامبر وکیل مردم نیست

قل یا ایهاالناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فانما یضل علیها و ما ان علیکم بوکیل " بگو ای مردم؛ این حق از پروردگارتان سوی شما آمده، هر که هدایت یابد، بسود خود هدایت یافته و هر که گمراه شود، امور شما نیستیم." ۹۰

در این آیه شریفه، کاملاً آشکار است که جمله " فمن اهتدی....." اعلامی عمومی است به اینکه همه انسانها در آنچه برای خود انتخاب می کنند، آزادند و هیچکس نمی تواند آزادی انتخاب را از کسی سلب کند. هر کس به راه حق برود، سودش عاید خودش می شود و هر کس از آن روی بگرداند، ضررش متوجه خودش می شود.

۴/۷ - آزار موقوف و خدا کارگزار است ولا تطع الکافرین و المنافقین و دع اذاهم و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً " و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و آزارشان را بگذار[واگذار کن]، و بر خدا توکل کن و خدا برای کفالت[کارگذاری آنها] کافی است." ۹۱

خدای متعال، در این آیه مانند بعضی از آیات دیگر به پیامبر قوت قلب می دهد و هم او را به خاطر اینکه منافقان و کافران به او آزار می رسانند، او را از آزار رساندن به آنها برحذر می دارد. " و دع اذاهم"، یعنی آنچه به تو آزار می رسانند، رها کن، و در مقام پی گیری و مقابله با آن بر میا و توکل به خدا کن و خدا را وکیل خود، در رفع و دفع این آزار بدان که خدا برای کارگزاری امور کافی است. همانگونه که در آیات مختلف توضیح داده شد، وکیل عبارت است از:

کسی و یا شخصی که اداره امور بدست اوست و یا به او واگذار شده، و یا اختیار بوی داده شده که به اداره و تدبیر امور شخصی و یا جمعی و یا ملت و کشوری بپردازد و خلاصه کارگزاری امور و مسنولیت آن بدست وی باشد.

ادامه دارد